



مجله

شماره ۱ / مرداد ۱۴۰۴



ماهنامه بصیرت

صاحب امتیاز نشریه
کانون منهاج نهاد رهبری

مدیر مسئول
محمدصادق دانشجو

سر دبیر
میلاد قزلسفلو

ویراستار
مریم رنجبر

صفحه آرا
کوثر غنی زاده

طراح جلد و گرافیک
گروه سیاست بهشتی



ماهنامه بصیرت / شماره اول / مرداد ۱۴۰۴

فهرست

- مقدمه مدیر مسئول..... ۴
- پرونده ویژه
- مذاکره با شیطان..... ۵
- بخش تحلیلی
- سیاست راهبردی مذاکره و رفع تحریم در بیانات مقام معظم رهبری..... ۲۶
- بررسی عملکرد مکانیزم ماشه و نقش آفرینی بازیگران موثر در آن..... ۳۴
- یادداشت سیاسی (از مخالفت تا موافقت مذاکرات، چرا اکنون؟)..... ۴۶
- تحلیل تمدنی از مسئله فلسطین..... ۵۱
- بخش دستاورد های انقلاب اسلامی
- دستاوردهای علمی، فناوری و دفاعی..... ۶۲
- بخش گفتگو و یادداشت اساتید
- آقای دکتر محمد یزدی - استاد دانشکده علوم زمین..... ۶۵
- بخش معرفی کتاب
- معرفی کتاب انسان ۲۵۰ ساله..... ۶۷
- بخش ادبیات و هنر انقلابی
- شعری در باب فلسطین (شعر وطن)..... ۶۹

مقدمه مدیر مسئول

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ

در روزگاری که عرصه سیاست‌ورزی دانشجویی با تحریف‌های رسانه‌ای، افراط‌گرایی‌های شعاری و تحلیل‌های سطحی برخی چهره‌های بی‌پایه مواجه است، و در شرایطی که شماری از دانشجویان به‌جای ژرف‌نگری و تفقه در مبانی حکمت نظام اسلامی، به بازنشر سخنان سلبریتی‌ها و سیاست‌پیشگان بسنده می‌کنند، بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازگشت به «خوانش اصیل ولی فقیه» هستیم؛ خوانشی که بر بصیرت، عقلانیت و تعهد استوار باشد و بتواند راهگشای حرکت علمی و اجتماعی دانشگاه باشد.

در فضای امروز دانشگاه و رسانه، کم نیستند کسانی که بدون درک سطوح راهبردی تصمیم‌سازی در نظام اسلامی، صرفاً بر مبنای تحلیل‌های مقطعی یا گفتمان‌های جناحی در جایگاه منتقد سیاست‌های کلان می‌نشینند. این در حالی است که در منظومه‌ی فکری ولایت، تصمیم‌ها بر پایه مصلحت‌های کلانی اتخاذ می‌شوند که از جایگاهی فراتر از تحلیل‌های روزمره و سطحی قابل فهم است. نگاه رهبری نه تنها از موضع عزت و استقلال سیاسی شکل می‌گیرد، بلکه بر عقلانیتی تمدنی و بین‌نسلی استوار است؛ عقلانیتی که گاه ایستادگی در برابر دشمن را اقتضا می‌کند و گاه ابتکار در میدان مذاکره را. هر تصمیم کلان در نظام جمهوری اسلامی - چه درباره مذاکره با دشمن باشد و چه درباره مقاومت فعال - تنها در پرتو تدبیر حکیمانه ولی فقیه معنا می‌یابد، نه در قالب تحلیل‌های رسانه‌ای یا سلیقه‌های جناحی.

ولایت‌مداری در این منظومه، امری شعاری یا احساسی نیست؛ عقلانیتی متعهدانه است که به ما می‌آموزد: «وقتی رهبری تصمیمی می‌گیرد، حتی اگر تمام ظاهر آن برایمان روشن نباشد، باید به حکمت آن اعتماد کنیم.»

بر همین اساس، نشریه بصیرت، وابسته به کانون منهج (نشر منظومه فکری امام و رهبری) و زیر نظر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه شهید بهشتی، با هدف تبیین اندیشه اصیل انقلاب اسلامی و بازخوانی خط تحلیلی امامین انقلاب، فعالیت خود را آغاز کرده است.

- می‌کوشیم به‌جای بازتاب تفسیرهای شخصی از سیاست‌های نظام، به روشنی مواضع رهبری و عقلانیت راهبردی نهفته در آنها بپردازیم.
- تلاش ما آن است که مرز میان «انقلابی‌گری اصیل» و «انقلابی‌نمایی شتاب‌زده» را با تکیه بر تحلیل علمی و زبان گفتمانی روشن سازیم.
- و باور داریم که وظیفه جریان مؤمن و دانشجوی انقلابی، نه تحلیل بر اساس گمانه‌زنی‌ها، بلکه تقویت جبهه تبیین در سایه اطاعت عالمانه از ولایت است.

در چنین میدان پرچالش و نیازمند روشنگری، آمده‌ایم تا صدای «بصیرت» باشیم؛ صدایی از دل دانشگاه، پیوندخورده با حکمت ولی فقیه، و معطوف به ساخت تمدنی آینده‌ی ایران اسلامی.

محمدصادق دانشجو

مدیرمسئول نشریه بصیرت و دبیر کانون منهج

مرداد ۱۴۰۴

مذاکره با شیطان؟!!

تحلیل تمدنی عقلانیت انقلابی در مواجهه با آمریکا - از تدبیر رهبری تا تکلیف دانشجویان

محمدصادق دانشجو

کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

البته با نگاهی به تجربه‌های پیشین - شش محور مهم را واکاوی می‌کند. این محورها عبارتند از: (۱) تدبیر رهبری در سیاست‌های کلان نظام و مبانی تصمیمات ایشان؛ (۲) ضرورت‌های سیاسی و علمی تقابل با آمریکا در وضعیت کنونی جهان؛ (۳) فلسفه‌ی ورود به مذاکره بدون دلبستن به نتیجه (انداختن توپ در زمین آمریکا و اتمام حجت با افکار عمومی جهانی)؛ (۴) مقایسه شرایط امروز ایران و آمریکا با شرایط صلح امام حسن مجتبی (ع) و عبرت‌های تاریخی آن؛ (۵) اولویت حفظ منافع ملت و نظام حتی اگر مستلزم مذاکره با شیطان باشد؛ (۶) تکلیف و رسالت دانشجویان انقلابی در تبعیت از ولی امر و پرهیز از برخوردهای احساسی یا تفرقه‌انگیز

این محورها به هم پیوسته‌اند و تصویری کامل از منطق راهبردی جمهوری اسلامی در برابر آمریکا را ارائه می‌دهند؛ منطقی که در عین انقلابی بودن، از خردمندی عمیق و تحلیل تمدنی بهره می‌گیرد. در ادامه، هر یک از این سرفصل‌ها را به تفصیل بررسی می‌کنیم و نشان می‌دهیم چگونه تدبیر حکیمانه رهبری مسیر حرکت نظام را تعیین کرده و چرا پیروی آگاهانه نیروهای انقلابی به‌ویژه دانشجویان از این مسیر، ضامن عزت و مصلحت کشور است

«مذاکره با شیطان بزرگ» عبارتی است که در ادبیات سیاسی جمهوری اسلامی ایران همواره حساسیت‌برانگیز بوده است. آمریکا در گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان «شیطان بزرگ» شناخته می‌شود؛ نماد استکبار جهانی و دشمنی دیرینه با استقلال و آرمان‌های ملت ایران. اکنون پرسش اساسی این است: آیا می‌توان با شیطان مذاکره کرد؟ چگونه می‌توان عقلانیت انقلابی را با چنین چالشی تمدنی پیوند زد؟ و نقش رهبر انقلاب به عنوان سکندار کلان‌سیاست‌های نظام در این میان چیست؟

واقعیت آن است که عقلانیت انقلابی از نگاه رهبر معظم انقلاب، به معنای دوراندیشی و حکمت در عین پابندی به اصول انقلابی است. این عقلانیت هرگز با تصمیمات هیجانی یا شعارزدگی سطحی یکی نیست، بلکه همواره محاسبه‌گر، منطقی و در چارچوب عزت ملی حرکت می‌کند. از همین رو، در مقاطع مختلف تاریخی - چه در دفاع مقدس، چه در ماجرای پذیرش قطعنامه و چه در پرونده هسته‌ای - راهبردهای جمهوری اسلامی ترکیبی از ایستادگی عاشورایی و انعطاف حسنی بوده است. رهبر انقلاب از مفهوم «ترمش قهرمانانه» برای توصیف چنین انعطاف تاکتیکی استفاده کرده‌اند که به معنای انعطاف در شکل مبارزه بدون عدول از اصول مبارزه است

مطلب حاضر با تکیه بر منویات و بیانات رهبر معظم انقلاب طی زمستان ۱۴۰۳ تا بهار ۱۴۰۴ شمسی - و

۱. تدبیر رهبری در سیاست‌های کلان نظام: از مبنا تا تصمیم

یکی از مهم‌ترین ارکان تحلیل هر راهبرد سیاسی در جمهوری اسلامی، نقش و تدبیر ولی فقیه به عنوان رهبر نظام است. تصمیمات رهبری در سیاست کلان کشور بر پایه اصولی استوار است که ترکیبی از ایمان انقلابی و عقلانیت راهبردی را نشان می‌دهد. برای توجیه این تصمیمات - به معنای تبیین مبانی و منطق آن‌ها - باید به چند مؤلفه اساسی توجه کرد

الف) اصل "عزت، حکمت، مصلحت" در دیپلماسی: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت بنیان گذاشته شده است. رهبر معظم انقلاب همواره تأکید کرده‌اند که ما در تعاملات جهانی باید عزت ملی و اسلامی را حفظ کنیم، تصمیمات را با حکمت و دوراندیشی اتخاذ نماییم و مصلحت مردم و نظام را در نظر داشته باشیم. این بدان معناست که هیچ اقدام دیپلماتیکی - از جمله مذاکره با دشمن - اگر به تحقیر ملت یا زیر سؤال رفتن

استقلال کشور بیانجامد پذیرفتنی نیست؛ اما چنان‌چه منطقی و مدبرانه باشد و برای دفع شر دشمن صورت گیرد، می‌تواند در چهارچوب این اصول قرار بگیرد

ب) اختیار مذاکره به عنوان تاکتیک، نه تغییر راهبرد: رهبر انقلاب بارها تصریح کرده‌اند که مذاکره با دشمن در موارد خاص، یک تاکتیک برای رفع شرّ اوست نه از سر استیصال. در بحبوحه مذاکرات هسته‌ای، ایشان در دیدار تاریخی ۱۹ دی ۱۳۹۲ با مردم قم به صراحت فرمودند جمهوری اسلامی درباره موضوعاتی که مصلحت بداند، "با این شیطان (آمریکا) برای دفع شرّش مذاکره می‌کند؛ معنای این کار استیصال ملت نیست." این بیان نشان می‌دهد تصمیم به گفتگو از دیدگاه رهبری، نشانه ضعف یا تسلیم نیست بلکه ابزاری کنترل‌شده برای کاستن از دشمنی‌ها یا خنثی‌سازی توطئه‌هاست. در واقع، ولی امر مسلمین با اشراف به شرایط، در زمانی که مذاکره را مفید یا کم‌هزینه‌تر از عدم مذاکره ببیند، آن را مجاز می‌شمارد - بی‌آنکه ذره‌ای از اصول انقلاب کوتاه بیاید



کرد، در زمان ما نیز ولیّ فقیه بر اساس مصلحت اسلام و مسلمین تعیین می‌کند که کجا نبرد باشد و کجا نشست و مذاکره

بر این اساس، توجیه تصمیمات رهبری نه با نگاه ساده‌اندیشانه "مذاکره خوب است یا بد"، بلکه با فهم عمیق منطق راهبری ایشان ممکن می‌شود. این منطق ریشه در اصول اعتقادی (نفی طاغوت، استکبارستیزی)، درک صحیح از تجارب تاریخی و واقع‌بینی نسبت به نیت دشمن دارد. ولایت فقیه به مثابه دیده‌بان بصیر انقلاب، مجموعه‌ای این عوامل را سنجیده و راه را نشان می‌دهد. خروجی چنین روندی تصمیماتی است که گاه ممکن است در ظاهر برای برخی غیرمنتظره یا متناقض بنماید (مثلاً سال‌هایی شعار "عدم مذاکره با آمریکا" و سالی اجازه مذاکره محدود)، اما با دقت در چارچوب فکری رهبری، کاملاً سازگار و هدفمند است

۲. ضرورت‌های مواجهه‌ی علمی و سیاسی با آمریکا در زمان حاضر

برای فهم چرایی تقابل جمهوری اسلامی با ایالات متحده در عصر حاضر، باید ابتدا طبیعت این دشمنی را شناخت. دشمنی آمریکا با ایران یک اختلاف مقطعی یا سوءتفاهم ساده سیاسی نیست؛ بلکه رویارویی دو تفکر و دو هویت تمدنی است. از یک سو، نظام سلطه جهانی قرار دارد که آمریکا مظهر تامّ آن است؛ نظامی که پایه‌هایش بر استکبار، مداخله‌گری، سلطه‌طلبی و چپاول ملت‌ها بنا شده است. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی ایران قد علم کرده که بر اساس آموزه‌های اسلام ناب، پیام‌آور استقلال، آزادی ملت‌ها و نفی سلطه‌گری است. چنین تقابلی، ریشه‌ای و ماهیتی است و در کلام رهبر انقلاب به خوبی تبیین شده است

ج) تجربه‌اندوزی و درس‌گیری از گذشته: یکی از وجوه عقلانیت در تصمیمات رهبری، درس گرفتن از تجربیات تاریخی است. ایشان مکرراً به "دلیل تجربه" اشاره کرده‌اند و مثلاً در بهمن ۱۴۰۳ (دیدار فرماندهان نیروی هوایی) هشدار دادند که مذاکره با آمریکا تأثیری در رفع مشکلات ندارد و این حقیقت را تجربه اثبات کرده است. تجربه‌ای که رهبر انقلاب به آن اشاره دارند، ماجرای مذاکرات چندساله منتهی به برجام است که طی آن ایران امتیازات قابل توجهی داد اما آمریکا نه تنها به تعهدات خود عمل نکرد، بلکه رئیس‌جمهور وقتشان (ترامپ) با وقاحت توافق امضاشده را پاره کرد. این تجربه تلخ در حافظه رهبر انقلاب و ملت ایران حک شده و راهنمای تصمیمات آینده است. بنابراین، تدبیر امروز رهبری امتداد منطقی عبرت‌های دیروز است؛ بدعهدی آمریکا خود دلیلی است که هرگونه تصمیم به گفتگو باید با حداکثر بدبینی و احتیاط نسبت به طرف مقابل همراه باشد

د) نگاه کلان و فراتر از هیجانات زودگذر: رهبر انقلاب در اتخاذ سیاست‌های کلان، افق‌های بلندمدت و تمدنی را در نظر می‌گیرند. تصمیماتی نظیر حمایت مشروط از مذاکرات هسته‌ای (با عنوان نرمش قهرمانانه) یا اجازه برای مذاکرات منطقه‌ای و تبادل زندانیان، همه در چارچوب تأمین منافع درازمدت ملت و خنثی کردن حربه‌های دشمن بوده است. تحلیل‌گران معتقدند این تصمیمات نشان از آن دارد که رهبر انقلاب به‌عنوان سکandar نظام، هرگز در دام دوگانه‌های کاذب "مذاکره یا مقاومت" نیفتاده‌اند، به بیان دیگر، مقاومت و مذاکره در منطق ایشان دوگانه متضاد نیستند بلکه دو ابزار مکمل‌اند که بسته به شرایط باید به کار گرفته شوند. چنان‌که سیدالشهداء(ع) و امام حسن(ع) هر دو برای هدفی واحد (عزت اسلام) یکی جنگید و دیگری صلح

با آمریکا، مسئله استکبار آمریکایی است؛ زورگویی و زیاده‌طلبی اوست». این موضع، منطقی کاملاً عقلانی نیز دارد: هرگونه نرمش یا تسلیم در برابر چنین دشمن سلطه‌گری، او را جری‌تر کرده و منافع ملت را بیش‌تر به خطر می‌اندازد

ب) دلایل سیاسی-علمی ضرورت مقابله امروز: در شرایط فعلی جهان - به‌ویژه پس از افول هژمونی یک‌جانبه آمریکا - ایران در نقطه‌ای قرار دارد که تقابل مدبرانه با آمریکا می‌تواند نتایج تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. آمریکا طی دو دهه اخیر با چالش‌های متعددی روبه‌رو شده است: از شکست در پروژه‌های خاورمیانه جدید (عراق و افغانستان) گرفته تا بحران‌های اقتصادی و ظهور قدرت‌های تازه‌نفس آسیایی. موازنه قدرت جهانی در حال تغییر است و این فرصتی تاریخی برای ملت‌هایی چون ایران است تا با ایستادگی و ابتکار عمل، جایگاه خویش را ارتقا دهند. رهبر انقلاب بارها فرموده‌اند مشکل آمریکا با ما، پیشرفت ایران است؛ آن‌ها نمی‌خواهند ما به قدرت مستقل تبدیل شویم. به عنوان نمونه، در قضیه صنعت هسته‌ای می‌گفتند مشکلشان ساخت سلاح است اما دروغ می‌گفتند؛ آن‌ها حتی با غنی‌سازی صلح‌آمیز و پیشرفت علمی ما مخالف بودند چون نماد «ما می‌توانیم» است. در واقع، علم و فناوری هم عرصه‌ای از تقابل ما با آمریکا و نظام سلطه است: هر دستاورد علمی ایران (از نانو و موشک گرفته تا انرژی هسته‌ای) آماج فشار و تحریم آمریکا

الف) ماهیت دشمنی آمریکا: آیت‌الله خامنه‌ای تأکید دارند که دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی، ذاتی نظم سلطه است. آمریکا به عنوان رأس نظام سلطه نمی‌تواند نظام مستقلی را در منطقه راهبردی غرب آسیا تحمل کند که در برابر زیاده‌خواهی‌هایش بایستد و الگوی مقاومت را ترویج کند. ایشان می‌فرمایند مشکل آمریکا با ما صرفاً بر سر مسائل عرضی مانند هسته‌ای یا موشکی نیست؛ این‌ها بهانه است. مسئله اصلی آن‌ها اصل نظام اسلامی است که نباید باشد. تجربه تاریخی نیز گواه این مدعاست: از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ گرفته تا حمایت از رژیم ستم‌شاهی، از تحریک صدام برای جنگ تحمیلی تا سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران، و از اعمال تحریم‌های فلج‌کننده تا تلاش برای ایجاد آشوب داخلی در سال‌های اخیر - همه نشان می‌دهد آمریکا کینه‌ای عمیق و راهبردی نسبت به ایران مستقل و انقلابی در دل دارد. رهبر انقلاب این کینه را «کینه شتری» توصیف کرده‌اند که ناشی از بیرون رانده شدن آمریکا از ایران پس از انقلاب است (اشاره به استعاره ایشان که آمریکا ایران را ملک خود می‌دانست و از چنگش خارج شد، لذا کینه‌اش کینه‌ی شتر است)

از منظر مبانی مکتبی نیز، قرآن کریم مؤمنان را به «کفر به طاغوت» فرا می‌خواند قبل از ایمان به خدا. طاغوت اعظم در جهان امروز آمریکا و هم‌پیمانانش هستند که با ظلم و تجاوز، مانع پیشرفت مادی و معنوی ملت‌های مسلمان شده‌اند. بنابراین مقابله با آمریکا برای جمهوری اسلامی صرفاً یک انتخاب سیاسی نیست، بلکه وظیفه‌ای دینی و اعتقادی هم محسوب می‌شود؛ زیرا نمی‌توان در برابر ظلم و طاغوت سکوت کرد. همان‌طور که رهبر انقلاب تصریح کرده‌اند: «ما با استکبار آمریکا دشمنیم... مسئله ما

عقلانیت_انقلابی

و حتی به اذعان مقاماتش، سیاست فشار حداکثری شکست خورده است. از منظر علمی، موفقیت راهبرد مقاومت تأیید می‌کند که ادامه این مسیر عقلانی و پرسود است؛ لذا دلیلی برای کنار گذاشتن آن به نفع سیاست امتحان پس‌داده‌ی مماشات وجود ندارد

د) تفکیک میان ملت آمریکا و دولت آمریکا: یک نکته ظریف در بیانات رهبری، جداسازی حساب مردم از سردمداران آمریکا است. ما با دولت استکباری آمریکا سرستیز داریم نه با ملت آمریکا. این تمایز از جنبه تبلیغاتی و اخلاقی حائز اهمیت است. جمهوری اسلامی ادعای مبارزه با ظلم را دارد، لذا دشمنی‌اش نیز ماهیت ضدظلم دارد؛ یعنی با هر قدرت ظالمی درگیر می‌شود ولی نسبت به مردم بی‌گناه کینه‌ای ندارد. این نگرش باعث می‌شود مقابله ما با آمریکا در چارچوب عقلانی باقی بماند و رنگ‌وبوی نژادی یا نفرت کور نگیرد. هدف، مهار نظام سلطه و سیاست‌های خصمانه و شکنجیدن است، نه دشمنی با مردم عادی یا پیشرفت‌های بشری. این رویکرد، مشروعیت اخلاقی و عقلی تقابل ایران با آمریکا را در افکار عمومی تقویت می‌کند

بنابراین، مجموعه دلایل اعتقادی، تاریخی، سیاسی و علمی اقتضا می‌کند که جمهوری اسلامی همچنان آمریکا را دشمن شماره یک خود بداند و در برابر او کوتاه نیاید. البته این تقابل لزوماً نظامی نیست - چنان‌که ایران آغازگر هیچ جنگی نبوده - بلکه نبرد اراده‌ها، سیاست‌ها و البته مذاکرات حساب‌شده در میدان دیپلماسی را نیز دربرمی‌گیرد. آنچه اهمیت دارد، حفظ روحیه استکبارستیزی و عدم فریب لبخندهای دشمن است. رهبر انقلاب در اسفند ۱۴۰۳ فرمودند: «نمونه‌هایی از باطن خیث و کینه‌های آنهاست که پشت لبخندهای دیپلماسی پنهان می‌شود؛ باید چشممان باز باشد و به دنبال دوستی پنهانی با آنها نباشیم». به بیان دیگر، حتی اگر وارد مذاکره هم

قرار می‌گیرد؛ چرا که پیشرفت ایران برابر است با کمرنگ شدن سلطه آمریکا.

از سوی دیگر، عقل سیاسی حکم می‌کند با دولتی که آشکارا در پی براندازی و تضعیف ماست، با نگاه خوش‌بینانه برخورد نکنیم. دولت آمریکا - چه در دوران دموکرات‌ها و چه جمهوری‌خواهان - نشان داده که تغییر رفتار اساسی نداده است. حتی در زمان‌هایی که شعار مذاکره و دوستی داده، در پشت پرده به دنبال ضربه‌زدن بوده است. رهبر انقلاب یک بار فرمودند: «در دولت اوباما هم که نامه‌نگاری می‌کردند و حرف‌های ظاهرالصلاح می‌زدند، قصدشان براندازی بود اما دروغ می‌گفتند». همه شواهد نشان می‌دهد استراتژی کلان آمریکا مهار و تغییر رفتار یا ساختار جمهوری اسلامی است؛ بنابراین مقابله‌ی همه‌جانبه - از اقتصادی و رسانه‌ای تا دیپلماتیک و علمی - یک ضرورت برای بقا و امنیت ملی ماست.

ج) پشتوانه علمی استراتژی مقاومت: تقابل با آمریکا تنها یک شعار ایدئولوژیک نیست، بلکه دارای مبانی علمی در حوزه روابط بین‌الملل است. تئوری «موازنه تهدید» در روابط بین‌الملل می‌گوید کشورها در برابر تهدیدات امنیتی بیرونی، باید موازنه‌سازی و بازدارندگی کنند و گرنه در معرض حمله قرار می‌گیرند. جمهوری اسلامی با درک اینکه آمریکا تهدید اول امنیت ملی آن است، راهبرد بازدارندگی چندلایه را پی گرفته است: تقویت توان دفاعی (به‌خصوص موشکی)، افزایش عمق راهبردی در منطقه (حمایت از محور مقاومت در لبنان، سوریه، عراق، یمن و...) و متنوع‌سازی شرکای اقتصادی و سیاسی در جهان (نگاه به شرق، عضویت در پیمان‌های منطقه‌ای و...). این راهبرد مقاومت فعال، امروز نتایج خود را نشان داده است: آمریکا در پیشبرد پروژه‌هایش در منطقه ناکام مانده، از عراق و افغانستان خارج شده، در مهار برنامه هسته‌ای ایران ناموفق بوده

شویم، اصل را بر بی‌اعتمادی به آمریکا می‌گذاریم - چرا که تجربه نشان داده اعتماد به آمریکا، «بازی با یخ» است که نتیجه‌ای جز ناکامی ندارد

۳. مذاکره بی‌اعتنا به نتیجه؛ اتمام حجت و انداختن توپ در زمین آمریکا

از ابتدای انقلاب تا کنون، رویکرد کلی جمهوری اسلامی در برابر آمریکا «نه رابطه، نه مذاکره» بوده است؛ مگر در موارد استثنائی که مصلحتی بالاتر ایجاب کرده است. تجربه نشان داده که تکیه بر توان داخلی و مقاومت فعال، مؤثرترین راه مقابله با خصومت‌های آمریکا است. با این حال، در برهه‌هایی تصمیم به مذاکره - مستقیم یا غیرمستقیم - گرفته شده است. مهم‌ترین نمونه، مذاکرات هسته‌ای منتهی به برجام (۱۳۹۲-۱۳۹۴) بود و جدیدترین نمونه، گفتگوهای غیرمستقیم اخیر ایران و آمریکا در عمان پیرامون پرونده هسته‌ای در سال ۱۴۰۴ است. پرسش اینجاست که چرا ایران به مذاکره روی می‌آورد در حالی که نسبت به حصول نتیجه خوش‌بین نیست؟ پاسخ را باید در راهبرد «اتمام حجت» و انداختن توپ در زمین طرف مقابل جستجو کرد

الف) اثبات حسن نیت ایران و رفع بهانه‌ها: جمهوری اسلامی همواره اعلام کرده که به دنبال تنش و جنگ با دنیا نیست و اگر خصومت‌ها و فشارهای آمریکا نباشد، ایران آماده تعامل سازنده با جهان است. انجام



مذاکرات - حتی با شیطان بزرگ - بهترین گواه عملی حسن نیت ایران است. وقتی دیپلمات‌های ایرانی پای میز گفتگو می‌نشینند و استدلال‌های منطقی خود را مطرح می‌کنند، در واقع برای افکار عمومی جهان این پیام را دارند که «ما اهل منطق و صلحیم، این آمریکا است که زورگویی می‌کند». رهبر انقلاب این تاکتیک را چنین توضیح دادند: «معنای دعوت آمریکا به مذاکره این است که آن‌ها می‌خواهند وانمود کنند اهل صلح و گفتگو هستند و ایران است که حاضر نیست». پس ایران با اجابت مشروط پیشنهاد گفتگو، عملاً توپ را در زمین آمریکا انداخته تا صداقت آن‌ها را بسنجد. چنان‌که دیدیم در سال ۱۳۹۴ ایران با شش قدرت جهانی توافق امضا کرد، این گواه حسن نیت ایران بود؛ اما در ۲۰۱۸ آمریکا عهدشکنی کرد و یکجانبه خارج شد - این رسوایی به نام آمریکا در تاریخ ثبت شد. بنابراین امروز ایران حق دارد بگوید: «ما امتحان خود را پس داده‌ایم؛ این شماست که قابل اعتماد نیستید». حتی منتقدان داخلی مذاکرات نیز اذعان دارند که یکی از فواید برجام این بود که دشمنی و بدعهدی آمریکا برای همگان آشکار شد.

ب) خنثی‌سازی جنگ روانی و تبلیغات دشمن: قبل از هر دوره مذاکره، مقامات آمریکایی و صهیونیستی با شدت به تبلیغات روی می‌آورند تا ایران را مقصر بنیست‌ها جلوه دهند. آن‌ها مدعی می‌شوند «اگر ایران پای میز بیاید مشکلات حل می‌شود و اگر حل نمی‌شود تقصیر ایران است». ورود ایران به مذاکرات، این جنگ روانی را خنثی می‌کند. زیرا با حضور ایران در گفتگو، دنیا می‌بیند که مسئله عدم توافق، زیاده‌خواهی آمریکا است نه لجاجت ایران. نمونه بارز آن، مذاکرات سال ۱۴۰۱ در وین بود که هم اروپا و هم آمریکا اذعان کردند ایران پاسخ‌های منطقی داده ولی آمریکا حاضر به تضمین انتفاع اقتصادی ایران از توافق نیست. در

از موضع ضعف نباشد و خطوط قرمز رعایت شود.

د) عدم خوش‌بینی افراطی و عدم بدبینی افراطی: رهبر انقلاب در اولین موضع‌گیری رسمی خود درباره مذاکرات عمان (فروردین ۱۴۰۴) تأکید کردند: «نه به این گفتگوها بیش از حد خوش‌بین باشیم، نه بیش از حد بدبین؛ تصمیم گرفته شده و در قدم‌های اول خوب پیش رفته، ممکن است به نتیجه برسد یا نرسد. ما نه خیلی خوش‌بینیم نه خیلی بدبین. البته به طرف مقابل خیلی بدبینیم - او را می‌شناسیم و قبول نداریم - اما به توانایی‌های خودمان خوش‌بین هستیم.» این بیان حکیمانه، چکیده راهبرد جمهوری اسلامی در مذاکره‌ی بدون اعتماد است: مذاکره می‌کنیم اما دلبسته نتیجه نیستیم؛ به طرف مقابل اعتمادی نداریم اما به تدبیر و ابتکار خودمان مطمئنیم

از این منظر، مذاکره نه هدف، که یک مسیر آزمایشی است. اگر نتیجه داد - مثلاً بخشی از تحریم‌ها لغو شد یا تنشی کاهش یافت - خوب است و اگر نتیجه نداد - که چندان دور از انتظار نیست - خسارت استراتژیکی متوجه کشور نشده، چرا که ما همه برنامه‌های پیشرفت خود را مستقل از مذاکرات جلو برده‌ایم. رهبر انقلاب به مسئولان هشدار داده‌اند اشتباه دوره برجام در شرطی‌سازی اقتصاد تکرار نشود. به موازات گفتگوها در عمان یا هر جای دیگر، باید چرخ تولید و صنعت و دیپلماسی منطقه‌ای و خنثی‌سازی تحریم‌ها با قوت بچرخد. خوشبختانه دولت و تیم مذاکره‌کننده کنونی نیز با درس‌گرفتن از تجربیات قبل، همین رویکرد را در پیش گرفته‌اند

ه) اتمام حجت در منظر افکار عمومی داخل: نباید

واقع، ایران با مذاکره توپ را در زمین حریف می‌اندازد تا چهره واقعی او عیان شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند: «ایران چرا حاضر به مذاکره مستقیم با آمریکا نیست؟ به خودشان برگردند! ما چند سال نشستیم مذاکره کردیم، همین شخص (ترامپ) معامله تمام‌شده را پاره کرد. وقتی می‌دانیم عمل نمی‌کنند، چه مذاکره‌ای کنیم؟». این سخن، نهایت عقلانیت ایران را در پاسخ به جنگ روانی واشنگتن نشان می‌دهد: اگر می‌خواهید ایران را متهم کنید که اهل صلح نیست، کارنامه خودتان را ببینید که چگونه پشت میز مذاکره خیانت کردید

ج) کاهش فشار اقتصادی و خرید زمان به نفع ملت: هرچند ایران مذاکره را علاج اساسی مشکلات نمی‌داند، اما نمی‌توان انکار کرد که مذاکرات نفس خود می‌تواند اثرات موقتی مثبتی بر اقتصاد و فضای بین‌المللی داشته باشد. به محض آن‌که سیگنال گفتگو میان ایران و آمریکا منتشر می‌شود، فشار روانی از بازار ارز و نفت ایران برداشته می‌شود، برخی کشورها در اعمال تحریم جدید تردد می‌شوند و امیدواری‌هایی ایجاد می‌گردد. جمهوری اسلامی قصد فریب‌خوردن از این فضای موقت را ندارد، اما می‌تواند از آن برای تنفس اقتصاد کشور و پیشبرد برنامه‌های داخلی استفاده کند. رهبر انقلاب تصریح کرده‌اند که نباید کشور را به مذاکرات گره زد یا شرطی کرد؛ اما از سوی دیگر اگر مذاکره‌ای می‌تواند هزینه‌های دشمنی دشمن را کاهش دهد، نباید از آن پرهیز بی‌مورد کرد. این نگاه واقع‌بینانه و منعطف، عین عقلانیت است. درست همان‌طور که در میدان جنگ سخت گاهی یک آتش‌بس موقت به نفع تجدید قواست، در جنگ اقتصادی نیز یک توافق موقت یا تبادل امتیاز می‌تواند به ملت فرصت بازیابی بدهد - البته مشروط بر آن‌که

کرده‌اند: «خطوط قرمز مشخص است؛ برای طرف مقابل هم مشخص است، برای ما هم. ممکن است مذاکرات به نتیجه برسد یا نرسد». با چنین چارچوبی، مذاکره برای ما بازی برد-برد یا دست کم بی‌برد-بی‌بخت خواهد بود: اگر امتیازی گرفتیم که به نفع ملت است و اگر نگرفتیم، حداقل دشمن را در موضع انفعال و انزوای بین‌المللی قرار داده‌ایم.

۴. امام حسن(ع) و مذاکره با بدترین دشمن: تطبیق تاریخی بر شرایط امروز

تاریخ اسلام سرشار از درس‌هایی است که می‌تواند چراغ راه سیاستمداران و ملت‌های مسلمان باشد. یکی از این درس‌های مهم، ماجرای صلح امام حسن مجتبی(ع) با معاویه است. در نگاه نخست، صلح امام دوم شیعیان - آن هم با دشمن حيله‌گری چون معاویه - ممکن است در تضاد با روحیه عاشورایی و مبارزه طلب امام حسین(ع) دیده شود. اما با تأمل در شرایط آن زمان و نتیجه‌ای که امام حسن(ع) دنبال می‌کرد، درمی‌یابیم که این صلح یک حرکت کاملاً حکیمانه و از سر مصلحت‌اندیشی برای حفظ اصل اسلام و شیعه بود. رهبر معظم انقلاب در سخنان مهم خود در فروردین ۱۴۰۴ به‌طور مفصل به این ماجرا اشاره کرده و شباهت‌های آن را با وضعیت کنونی ایران و آمریکا بیان داشتند. بر اساس تحلیل ایشان و سایر شواهد تاریخی، می‌توان نکات زیر را در این قیاس تاریخی برشمرد

الف) شرایط ناهمگون قدرت و مصلحت حفظ اصل اسلام: پس از صلح امام حسن(ع) در سال ۴۱ هجری، بسیاری از شیعیان و یاران آن حضرت دچار سرخوردگی و اعتراض شدند. آنان انتظار داشتند - با توجه به سابقه شجاعت

از یاد برد که افکار عمومی داخلی ایران نیز مخاطب راهبرد مذاکراتی نظام است. در داخل کشور، دو طیف وجود داشتند: عده‌ای که مذاکره با آمریکا را کلید حل مشکلات می‌دانستند و عده‌ای که کلاً مخالف هرگونه گفتگویند. مواضع حکیمانه رهبری طی سال‌های اخیر، هر دو طیف را به اعتدال فراخوانده است. همانطور که روزنامه‌ای در تحلیل سخنان اخیر ایشان نوشت: «نباید چشم‌پسته و با اشتیاق (که نشانه ضعف است) به سوی مذاکره شتافت؛ در نقطه مقابل هم نباید از آن پرهیز کرد که این نیز نقطه ضعف است». با ورود مهندسی‌شده نظام به مذاکرات، امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که اگر مشکلات حل نشود از لجاجت آمریکا است، نه کم‌کاری ایران. حتی آن بخش از جامعه ایرانی که روزی می‌پنداشتند «فقط مذاکره و سازش مشکلات را حل می‌کند»، حال با دیده تردید به واشنگتن می‌نگرند. در حقیقت، مذاکره با شیطان بزرگ باعث شد خوش‌بین‌ترین افراد هم بفهمند آمریکا قابل اعتماد نیست. این فهم عمومی، سرمایه بزرگی برای استمرار مسیر مقاومت است

در مجموع، جمهوری اسلامی برای مذاکره بدون اعتماد، دلایل قوی و نتایج ملموسی دارد. این مذاکرات هرچند ممکن است به توافق نهایی منجر نشود، اما عرصه بازی را برای دشمن تنگ‌تر می‌کند: بهانه مظلوم‌نمایی را از او می‌گیرد، چهره حقیقی‌اش را آشکار می‌سازد، شکاف در جبهه تحریم را افزایش می‌دهد و وقت ایران را برای تقویت بنیه داخلی می‌خرد. البته همه این دستاوردها زمانی ارزشمند است که خطوط قرمز نظام مخدوش نشود و مذاکره‌کنندگان در زمین دشمن بازی نکنند. خوشبختانه رهبر انقلاب از ابتدا چارچوب را روشن

معترضان صلح، به روایتی استناد کردند و فرمودن «این تسلط کفر و نفاق دائمی نیست؛ در تقدیر الهی این امر موقتی است». بر اساس احادیث، قرار بود پس از شهادت امام حسن (ع) و در سال ۷۰ هجری هر کدام از اهل بیت (ع) که زنده است قیام کند و حکومت حق را برقرار نماید. یعنی امام حسن (ع) صلح کرد تا شیعه فرصت یابد خود را بازیابی کند و در نسل بعد (زمان امام باقر و صادق علیهما السلام) قیام حق را به ثمر برساند. هرچند به دلایلی که خواهیم گفت این اتفاق تا موعد مقرر رخ نداد، اما نکته مهم آن است که صلح امام حسن (ع) برخلاف تصوّر برخی، از سر ترس یا سازش نبود بلکه حرکتی تاکتیکی و زمان خری بود برای آینده قیام اهل بیت. حتی در متن پیمان صلح، شروطی گذاشته شد که اگر معاویه عمل می کرد، امور شیعه و دوستداران اهل بیت بهبود می یافت. به هر حال، امام حسن (ع) میدان جنگ را از نظامی به فرهنگی و اعتقادی منتقل کرد؛ چنان که امام سجاد و امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) توانستند شیعه را در سکوت آن دوران بازسازی و تقویت کنند

مقایسه با امروز گویاست: اگر جمهوری اسلامی به هر نحو بتواند شرّ آمریکا را به طور موقت از سر ملت کم کند، قطعاً از فرصت به دست آمده برای تقویت بنیه داخلی و پیشبرد آرمان های انقلاب بهره خواهد برد. مثال ملموس، دوران پسابرجام است: بعد از توافق ۲۰۱۵ و تعلیق موقت تحریم ها، ایران به سرعت فروش نفت را بالا برد، سرمایه گذاری هایی جلب کرد، روابط بانکی نسبی برقرار شد و مهم تر از همه، برنامه هسته ای وقت اضافه ای گرفت تا فناوری خود را تکمیل کند. گرچه آمریکایی ها دوباره عهدشکنی کردند، اما آن فرصت موقت، دستاوردهای ماندگاری برای ایران داشت (مانند تکمیل چرخه سوخت ۲۰٪ و ۶۰٪ که بعدها در واکنش به خروج آمریکا حاصل شد). اکنون نیز اگر مذاکرات

امیرالمؤمنین (ع) و شهادت طلبی اصحاب - امام حسن تا پای جان با معاویه بجنگد. اما امام معصوم بهتر از همگان شرایط را می دید: سپاه او دچار تفرقه و سستی شده بود، خواصی چون عبیدالله بن عباس خیانت کردند و معاویه با حيله و تطمیع، عده و عده برتری داشت. جنگ در آن شرایط نه به نفع اسلام بود نه شیعه؛ چه بسا ریشه تشیع را برای همیشه می سوزاند. پس امام حسن (ع) صلح کرد تا «اصل اسلام و جان شیعیان باقی بماند» هرچند به قیمت حاکمیت موقت دشمن. این تصمیم، عین عقلانیت و مصلحت اندیشی بود، هرچند عده ای ظاهر آن را تاب نمی آوردند و گلایه و اعتراض می کردند

امروز نیز جمهوری اسلامی خود را پرچمدار اسلام حقیقی و تشیع علوی در جهان می داند. طبیعی است که حفظ موجودیت و بقای این نظام بر هر امر دیگری اولویت دارد؛ چرا که بقای جمهوری اسلامی یعنی بقای امید امت اسلامی. در برهه هایی ممکن است اصرار بی مهابای ما بر مواضع (هرچند حق) هزینه های هنگفتی تحمیل کند که موجودیت کشور و جان مردم را در خطر اندازد. در چنین مواقعی، منطق امام حسنی حکم می کند که به صورت موقت، انعطاف نشان دهیم تا فرصت مناسب مقاومت مجدد فراهم گردد. چنان که پیامبر اکرم (ص) نیز در صلح حدیبیه علی رغم میل برخی صحابه، با مشرکان مکه صلح کردند اما آن صلح موقت منشأ فتح الفتوح اسلام شد. اگر پیامبر آن روز شعار می داد «بین حق و باطل صلح معنی ندارد» و تن به صلح نمی داد، شاید تمام توان مسلمانان صرف جنگ های فرسایشی می شد و فرصت طلایی گسترش اسلام در جزیره العرب و فراتر از آن هرگز به دست نمی آمد

ب) موقتی و مشروط بودن صلح برای تدارک قیام آینده: حضرت امام حسن مجتبی (ع) هنگام مواجهه با

معترضان صلح امام حسن در عدم تحقق کامل اهداف آن صلح داشتند، ممکن است امروز توسط برخی عناصر داخلی ایفا شود اگر مراقب نباشیم. این دسته ممکن است شامل تندروهایی باشد که فهم مصلحت زمانه را ندارند و با شعارهای تیز، روند دیپلماسی را تخریب می‌کنند؛ یا افرادی که از سر اغراض سیاسی، هر حرکت دولت را زیر سؤال می‌برند؛ و حتی نفوذی‌هایی که با نقاب انقلابی‌گری، قصد دارند تصمیمات رهبری را بی‌اثر کنند. وظیفه همه نیروهای دلسوز انقلاب آن است که این تحرکات را خنثی کرده و اجازه ندهند اشتباه تاریخی سال ۶۱ هجری (که به عاشورا انجامید) تکرار شود

(د) کرامت و عزّت در عین انعطاف: یکی از نگرانی‌های بخشی از جامعه انقلابی این است که مبدا هرگونه مذاکره یا مصالحه، به عزّت ملی صدمه بزند یا روحیه مقاومت را تضعیف کند. تاریخ صلح امام حسن(ع)



تازه بتواند حتی یک دوره تنفس یکی دو ساله برای اقتصاد ایران بخرد یا برخی دارایی‌های بلوکه‌شده را آزاد کند، نظام اسلامی این مهلت را تلف نخواهد کرد و برای اقتدار بیشتر در رویارویی نهایی آماده‌تر خواهد شد. این دقیقاً مشابه استراتژی امام حسن(ع) است که صلح الآن برای قیام فردا بود - به قول ایشان «این موضوع تا سال ۷۰ است»

(ج) خطر دهن‌لقی و تحلیل‌های غلط خودی‌ها: رهبر انقلاب در تحلیل تاریخ صلح امام حسن(ع)، عوامل عدم تحقق قیام در سال ۷۰ هجری را افشای راز و اعتراض‌های بی‌جا و بی‌صبری شیعیان دانستند. در روایات آمده است که بسیاری از خواص شیعه از جمله زرارۀ بن اعین انتظار داشتند طبق وعده، اندکی پس از صلح، قیام اهل‌بیت رخ دهد. برخی حتی اسرار این تقدیر الهی را فاش کردند و میان شیعیان شایع شد که سال ۷۰ قیامی خواهد شد. همین «دهن‌لقی» و عجله، باعث شد خداوند بنا به روایات، قیام را ۷۰ سال (تا سال ۱۴۰) به تأخیر اندازد. به تعبیر رهبر انقلاب، «اگر شیعیان رازدار بودند و اعتراض بی‌خود نمی‌کردند و صبر می‌داشتند، شاید عاشورای کربلا پیش نمی‌آمد و حکومت ظلم برای قرن‌ها ادامه نمی‌یافت». این درس بزرگی است که «کوتاهی‌های ما، یک جا دهن‌لقی‌مان، یک جا صبر نکردن‌مان، تحلیل غلط‌مان، می‌تواند مسیر تاریخ را عوض کند»

در شرایط فعلی نیز، رهبر انقلاب هشدار مشابهی می‌دهند. ایشان نگران‌اند که برخی عناصر خودی - دانسته یا نادانسته - با موضع‌گیری‌های تند و سنجیده یا افشای مسائل پشت پرده، روند مدبرانه مذاکرات و سیاست‌ها را به هم بزنند. معظم‌له صریحاً فرمودند نباید آتش «دهن‌لق‌های خودی، مدعیان انقلابی‌گری و نفوذی‌ها» خرمن مذاکرات ایران و آمریکا را بسوزاند. به بیان دیگر، همان نقش منفی که

این صلح، هرگز به معنای فراموش کردن اهداف یا کنار آمدن دائمی با باطل نیست؛ تاکتیکی است برای تجدید قوا و دفع خطر بزرگ‌تر، همان‌گونه که امام حسن(ع) خود اولین منتقد نقض عهدهای معاویه بود و هرگز از موضع حق کوتاه نیامد

۵. مذاکره با شیطان برای حفظ منافع ملت: اولویت مصلحت بر احساسات

در فرهنگ سیاسی انقلاب اسلامی، آمریکا عنوان «شیطان بزرگ» یافته است؛ شیطانی که دشمنی‌اش با ملت ایران بارها آزموده شده و خدعه و نیرنگ، خصلت همیشگی اوست. حال پرسش اینجاست که آیا دست دادن با شیطان جایز است؟ پاسخ رهبران و استوانه‌های فکری نظام در طول این سال‌ها روشن بوده. «اگر پای حفظ منافع مردم و نظام در میان باشد، حتی با شیطان در قعر جهنم هم مذاکره می‌کنیم!». این جمله را شاید صریح‌تر از زبان دکتر محمدجواد لاریجانی - یک دیپلمات ارشد و تئوریسین سیاست خارجی نظام - شنیده باشیم که گفت «اگر برای منافع نظام، مذاکره با شیطان هم نیاز باشد ما می‌رویم قعر جهنم و مذاکره می‌کنیم.» اما واقعیت آن است که این رویکرد، ریشه در منش و بیان شخص امام خمینی(ره) و امام خامنه‌ای دارد. امام خمینی سال ۱۳۶۷ در پذیرش قطعنامه صلح، آن را «توشیدن جام زهر» نامیدند اما برای حفظ انقلاب این کار را کردند؛ همان منطق «دست دادن با شیطان برای مصلحت بزرگ‌تر» بود. رهبر معظم انقلاب نیز - چنان‌که پیش‌تر اشاره شد - در سال ۱۳۹۲ تصریح کردند که نظام ایران در موضوعات خاص اگر مصلحت بداند، با همین شیطان (آمریکا) برای رفع شرّش مذاکره می‌کند.

نشان می‌دهد که اگر این کار بدرستی و به هنگام انجام گیرد، نه تنها منافاتی با عزت ندارد بلکه خود تجلی والاتری از حکمت و عقلانیت است. عزّت علوی فقط در میدان نبرد صفین نبود؛ در پذیرش حکمیت (علی‌رغم تلخی آن) نیز بود، چون مصلحت حفظ امت اقتضا می‌کرد. عزّت حسینی فقط در عاشورا نبود؛ در قرارداد صلح برادرش هم بود، چون هدف حفظ اسلام بود. امروز نیز اگر نظام اسلامی بنا به تشخیص رهبر حکیم، مذاکره‌ای را بپذیرد، قطعاً خطوط قرمز «کرامت و عزت» را مراعات خواهد کرد. چنان‌که دیدیم در برجام با وجود همه انتقادات، ایران مسائلی چون توان موشکی یا حمایت از مقاومت را به هیچ وجه معامله نکرد و صرفاً در حوزه هسته‌ای انعطاف نشان داد. در مذاکرات جدید نیز تا کنون هیچ نشانه‌ای از عبور ایران از خطوط قرمز مشاهده نشده است (مثلاً ایران حاضر به توقف کامل غنی‌سازی یا ارائه امتیاز اضافی نشده است)

بنابراین، شباهت ایران ۱۴۰۴ با اردوگاه امام حسن(ع) در سال ۴۱ هجری قابل توجه است: دشمن قوی‌پنجه و مکار است؛ همراهان برخی مردد و برخی شتاب‌زده؛ رهبر جامعه، حکیمی است که به آینده امت می‌اندیشد. در چنین وضعی، اگر صلحی موقت و آتش‌بسی تاکتیکی صورت گیرد، نباید آن را ضعف یا عدول از آرمان تلقی کرد. همان‌طور که امام حسن(ع) باقی ماندن اسلام و تشیع را بر یک پیروزی مقطعی نظامی ترجیح داد، جمهوری اسلامی نیز بقای انقلاب و ایران قوی را بر ماجراجویی بی‌حاصل ترجیح می‌دهد. رهبر انقلاب با نقل این بخش از تاریخ، به همه ما فهماندند که گاه باید «شور حسینی» را در قالب «صلح حسینی» موقتاً مهار کرد تا مصلحت عظیم‌تری تأمین شود. البته

این جمله تاریخی آیت‌الله خامنه‌ای چند نکته اساسی را در خود دارد

«دست چدنی را زیر دستکش مخملی دارد.» غربی‌ها خود اعتراف کردند که ایران در مذاکرات هم «لبخند دیپلماتیک» داشت و همزمان قدرت میدانی‌اش (در منطقه و توان موشکی) را توسعه می‌داد. بنابراین نباید ساده‌اندیشانه پنداشت که مذاکره با دشمن بمعنای دست کشیدن از آرمان نه شرقی، نه غربی است؛ هرگز. اتفاقاً یکی از برکات مذاکره، اثبات پابندی ایران به استقلالش بوده است؛ چون در عمل دیدند که ایران پای منافع ملی ایستاد و امتیاز ذلت‌بار نداد

ثالثاً، تقدم منافع مردم بر هر چیز دیگر یک اصل اسلامی است. در حکومت علوی، «حق الناس» حتی بر «حق الله» مقدم شمرده شده است. وظیفه حاکم اسلامی، صیانت از جان و مال و منافع ملت است. حال اگر در شرایطی مسئولان تشخیص دهند که مثلاً با یک تفاهم موقت می‌توان جان مردم را از خطر جنگ دور کرد یا معیشت آنان را سامان داد، نه تنها مجاز، بلکه شرعاً و اخلاقاً موظفانند به آن اقدام دست بزنند. در تاریخ اسلام هم پیامبر(ص) و هم امامان(ع) بارها برای حفظ جان مسلمین و جلوگیری از قتل عام، به صلح

اولاً، مذاکره با شیطان به قصد رفع شرّ اوست نه دوستی با او؛ یعنی اگر ما پای میز می‌رویم، هدف مهار شرارت‌های او و کاستن از آسیب‌هایش به ملت است. این مذاکره از سر سادگی یا اعتماد نیست؛ کاملاً محتاطانه و بدبینانه است، اما انجام می‌شود تا شاید شرّی دفع شود. در منطق اسلام هم آمده که گاهی برای دفع فتنه بزرگ‌تر، باید فتنه کوچک‌تر را تحمل کرد. وقتی امیرالمؤمنین(ع) با خوارچِ نهروان برخورد کرد، ابتدا تا حد امکان نصیحتشان نمود و کار را به جنگ نکشاند تا زمانی که ناچار شد. این یعنی اولویت با دفع شر با حداقل هزینه است.

ثانیاً، این کار نشانه استیصال و تسلیم نیست. رهبر انقلاب تأکید کردند که ملت ایران هرگز ملتی نیست که دست‌هایش را به علامت تسلیم بالا ببرد. پس اگر جایی به شیطان دست می‌دهد، دست دیگرش گرز مقاومت را پنهان نگه داشته است. به قول معروف،



مقابل معاویه، لحظاتی هم با او نامه‌نگاری و گفتگو داشت تا اتمام حجت کند - ولی هرگز موضع ضعفی به خود راه نداد. جمهوری اسلامی نیز امروز بحمدالله در جایگاهی است که "نه دست بسته، که دست پُر" وارد هر مذاکره‌ای می‌شود. توان بازدارندگی دفاعی، نفوذ منطقه‌ای و استقلال سیاسی کشور، پشتوانه تیم دیپلماسی ماست. به اذعان مقامات غربی، ایران ۱۴۰۴ بسیار قوی‌تر و نفوذمندتر از ایران دهه‌های پیش است؛ لذا اگر امروز تصمیم به مذاکره گرفته می‌شود، از سر قدرت است نه ضعف

جمع‌بندی این بخش آنکه در مکتب سیاسی امام و رهبری، حفظ نظام اوجب واجبات و تأمین منافع ملت بر هر امر دیگری رجحان دارد. اگر روزی شعار "مرگ بر آمریکا" سر داده‌ایم برای حفظ منافع ملت بوده، و اگر روزی بخواهیم با آمریکا حرف بزنیم باز هم برای حفظ همان منافع خواهد بود. این انعطاف و قاطعیت توأمان، راز ماندگاری انقلاب در ۴۴ سال گذشته بوده است. هر جا جنگ لازم بوده جنگیدیم (جنگ تحمیلی، دفاع از حرم در سوریه و...)، هر جا صلح لازم بوده صلح کردیم (پذیرش قطعنامه ۵۹۸، توافق هسته‌ای ۹۴). دشمنان ما گاهی این انعطاف را به اشتباه علامت ضعف پنداشتند اما بلافاصله فریب خوردند و سیلی‌اش را خوردند. امروز نیز اگر شیطان بزرگ بخواهد مذاکره را فرصتی برای فریب‌کاری بداند، مطمئناً دوباره گزیده خواهد شد؛ چرا که ملت ما هم از تاریخ صدر اسلام و هم از تاریخ معاصر خود درس گرفته‌اند که «از شیطان چیزی جز خباثت و شرارت صادر نمی‌شود». پس با چشم باز و دست پُر به میدان آمده‌اند تا ان‌شاءالله ضمن حفظ مصلحت کشور، شرّ شیطان را کم و راه او را سد کنند

یا ترک مخاصمه تن داده‌اند (نمونه‌اش جریان حکمیت در صفین با پذیرش قرآن بر سر نیزه، به خاطر نجات سپاه اسلام از تفرقه). رهبر انقلاب نیز با پیروی از همان سیره، فرموده‌اند: «برای حفظ منافع ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران، با شیطان هم اگر لازم باشد دست می‌دهیم و مذاکره می‌کنیم». این بیان که نقل محافل دانشجویی نیز شد، نشانگر اوج انعطاف‌پذیری تاکتیکی همراه با صلابت استراتژیک نظام است

رابعاً، مذاکره با شیطان به معنای به رسمیت شناختن یا تطهیر چهره او نیست. این نکته ظریفی است که باید ملتزم آن باشیم. ما اگر با آمریکا مذاکره می‌کنیم، به دنیا صریح می‌گوییم که همچنان او را دشمن و عهدشکن می‌دانیم و فریب لبخندش را نمی‌خوریم. چه بسا تریبون مذاکره خود تبدیل به صحنه رسواسازی شیطان شود. در مذاکرات قبلی هم وزیر خارجه ایران بارها در حضور پنج قدرت جهانی، سیاست‌های آمریکا را به چالش کشید و بی‌منطق‌شان را افشا کرد. پس ما نه فراموش می‌کنیم آمریکا چه جنایاتی کرده، نه دشمنی‌اش را لحظه‌ای از یاد می‌بریم - اما در عین حال اهل خرد ورزیدیم و اگر نیاز باشد "با دشمن لعین و شقی نیز بنشینیم و مدارا کنیم" تا به قول معروف، جنگی اتفاق نیفتد که در آن خون بریزد و همان خون جگر ما شود.

خامساً، اتخاذ این رویکرد، خود نیازمند قدرت و اعتماد به نفس است. در واقع، تنها یک سیستم سیاسی قوی و باپشتوانه می‌تواند با دشمن اصلی‌اش پشت یک میز بنشیند و از موضع عزت حرف بزند. مذاکره از موضع ضعف هنر نیست، اما مذاکره از موضع قدرت هنر مردان بزرگ است. امیرالمؤمنین(ع) در حال قدرت‌نمایی

۶. وظیفه دانشجویان انقلابی: تبعیت از فرمان ولایت و پرهیز از افراط‌گرایی

دانشجویان مسلمان و انقلابی همواره موتور محرک حرکت‌های مردمی در ایران بوده‌اند. از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ گرفته تا تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳۵۸ و حضور فعال در دفاع مقدس و عرصه‌های علمی - دانشجویان حزب‌اللهی، پیش‌تاز مبارزه با استکبار و پیش‌ران گفتمان‌های انقلاب بوده‌اند. طبیعی است که در مسئله حساس رابطه با آمریکا و مذاکره با او نیز نگاه‌ها معطوف به واکنش و نقش این قشر تأثیرگذار باشد. انتظار رهبر معظم انقلاب از دانشجویان انقلابی چیست؟ آیا باید ساکت و بی‌تفاوت نظاره‌گر باشند یا منتقد و معترض؟ خط مشی صحیح کدام است؟

رهبر انقلاب در دیدار رمضانی ۱۴۰۳ با دانشجویان به نکته‌ای کلیدی اشاره کردند: «بصیرت، شرط اساسی اثرگذاری ایمان انقلابی است و بدون بصیرت، همان ایمان ممکن است انسان را به بیراهه بکشد.» این سخن مستقیماً وضعیت برخی جوانان پرشور اما کم‌عمق را توصیف می‌کند که چه بسا به نام انقلابی‌گری، دچار افراط و تفریط شوند و خواسته یا ناخواسته به اهداف دشمن کمک کنند. وظیفه دانشجوی انقلابی این است که همواره گوش به فرمان ولی امر مسلمین باشد و تحلیل‌های خود را با معیار منویات رهبری تصحیح کند.

در موضوع مذاکره با آمریکا، تکلیف دانشجویان انقلابی بیش از هر زمان دیگری تبعیت محض از راهبرد اعلامی رهبر انقلاب است. اگر رهبر می‌فرماید مذاکره در موضوع خاص بلاشکال است، دانشجو باید به جای

شعارزدگی، عمق تدبیر رهبرش را بفهمد و همان را تبلیغ کند. و اگر رهبر خطوط قرمز و عدم اعتماد را گوشزد می‌کنند، دانشجو باید پاسدار این خطوط باشد و نگذارد جریان‌های سازشکار آن را کمرنگ نشان دهند. به عبارت دیگر، دانشجوی بسیجی نه آتش بیار معرکه «دلواپسی افراطی» می‌شود و نه بلندگوی جناح «واداده و غرب‌زده». بلکه او بلندگوی حقیقت و منطق انقلاب است؛ حقایقی که رهبرش ترسیم می‌کند

در سال‌های اخیر، متأسفانه شاهد بوده‌ایم که برخی سلبریتی‌های سیاسی یا چهره‌های مدعی انقلابی‌گری سعی کرده‌اند بر موج احساسات دانشجویان سوار شوند و آن‌ها را در تقابل با تصمیمات نظام قرار دهند. نمونه‌اش اظهارات برخی تندروها علیه تیم مذاکره‌کننده یا حتی علیه شخص رئیس‌جمهور و مجلس بوده که گاهی فضایی دوقطبی در دانشگاه‌ها ایجاد کرده است. رهبر انقلاب قویاً مخالف این رویه‌اند که عده‌ای بخواهند خود را انقلابی‌تر از ولایت جلوه دهند و مدام نهادهای قانونی را تضعیف کنند. ایشان تأکید دارند که «بچه‌های مؤمن و انقلابی نباید دیکته بزرگتر از خود را تصحیح کنند». این تعبیر بدان معناست که ولایت فقیه در نظام اسلامی فصل‌الخطاب است؛ وقتی سیاستی را مقرر کرد، دیگر جای حرف و حدیث نیست و همه - از جمله نخبگان و دانشجویان - باید مجری و مطالبه‌گر موفقیت همان سیاست باشند نه اینکه ساز مخالف کوک کنند

بگذارید صریح‌تر بگوییم: اگر فردا رهبر انقلاب تصمیم بگیرند که برای رفع شرّ شیطان، هیأتی را به واشنگتن بفرستند، وظیفه دانشجوی انقلابی شعار «مرگ بر آمریکا» دادن در خیابان نیست، بلکه حمایت از این

تند کند: مثلاً تشویق به تجمعات افراطی علیه هرگونه مذاکره، اهانت به مسئولان عالی‌رتبه کشور، یا تخریب چهره‌هایی که رهبری آن‌ها را امین دانسته است. این‌ها رفتارهای خواص بی‌بصیرت در دوران امام حسن(ع) را تداعی می‌کند که به امام معصوم اعتراض می‌کردند و تحلیل غلط ارائه می‌دادند. نتیجه آن اعتراض‌های بیجا، جز طولانی‌تر شدن سلطه دشمن و وقوع فاجعه کربلا نبود. امروز هم دانشجویان باید هوشیار باشند در زمین چنین عناصر مشکوکی بازی نکنند. معیار ما باید فرمایش ولیّ امر باشد نه هیاهوی این و آن

البته تبعیت از ولایت به معنی تعطیل عقل و تحلیل نیست؛ بلکه به معنای هماهنگ کردن تحلیل‌ها با محوریت چراغ ولایت است. دانشجوی مؤمن قطعاً باید مسائل کشور را بفهمد، نقد کند و پیشنهاد بدهد،

تصمیم در عین پابندی به اصول است. و بالعکس، اگر رهبر مذاکره را متوقف کردند، باز وظیفه دانشجوی تبعیت و تبیین چرایی آن است. متأسفانه برخی مدعیان انقلابی‌گری (آن‌گونه که عصر ایران در تحلیل خود نوشت) انقلاب را تبدیل به شغل و کاسبی کرده‌اند. و با ظاهری انقلابی به دنبال منافع جناحی‌اند. دانشجوی بصیر باید صف خود را از این فرصت‌طلبان جدا کند؛ چرا که اینان همان "خوارج جهالت‌پیشه" دوران ما هستند که می‌توانند آتش به خرمن مصالح امت بزنند

همچنین مراقب نفوذی‌ها باشد. رهبر انقلاب هشدار داده‌اند دشمن از هر روزه‌ای برای نفوذ فکری و سیاسی استفاده می‌کند، حتی در بدنه نیروهای مذهبی و انقلابی. ممکن است فردی با ظاهر حزب‌اللهی، در رسانه یا فضای مجازی جوانان را تحریک به کارهای



اما این کار را در چارچوب کلی نظام انجام می‌دهد. مثلاً یک دانشجوی دغدغه‌مند می‌تواند درباره شیوه مذاکرات وین یا عمان بحث علمی کند، ضعف‌های دیپلماسی را گوشزد نماید یا حتی نسبت به نیت طرف مقابل هشدار دهد - این‌ها اشکالی ندارد؛ به شرط آن‌که مرز خود را با دشمن حفظ کند و اصل مذاکره را که تصمیم نظام است، زیر سؤال مشروعیت نبرد. انتقاد اگر هم هست، باید سازنده و دلسوزانه باشد. همان‌طور که حضرت آقا در دیدار دانشجویی فرمودند: انتقاد بکنید اما با امید و برای بهتر شدن کارها، نه تخریب.

همچنین دانشجویان باید نقش روشنگری برای سایر اقشار داشته باشند. در شرایطی که برخی رسانه‌های معاند یا وابسته، تلاش می‌کنند مذاکرات را خیانت بنامند یا برعکس، مقاومت را بی‌فایده جلوه دهند، این دانشگاهیان انقلابی هستند که با استدلال و زبان علمی می‌توانند صحت راهبرد نظام را تبیین کنند. بحمدالله امروز بسیاری از تشکلهای دانشجویی به این بلوغ رسیده‌اند که همراه با ولی امر حرکت کنند. نمونه‌اش بیانیه‌های اتحادیه‌های بزرگ دانشجویی پس از سخنان رهبری درباره صلح امام حسن (ع) بود که حمایت قاطع خود را از مواضع معظم‌له اعلام و آمادگی خود را برای اطاعت محض در مسیر مصلحت کشور ابراز کردند. این یعنی نسل جوان فهمیده که «حزباللهی حقیقی کسی است که گوش به فرمان آقا باشد، نه مدعی انقلابی‌گری افراطی و تنها گذاشتن فرمانده در لحظه تصمیم».

نکته پایانی اینکه دانشجوی انقلابی همواره ضمن

اطاعت از ولی فقیه، نیم‌نگاهی نیز به آینده دارد؛ او خود را افسر جنگ نرم و پرچمدار گام دوم انقلاب می‌داند. لذا باید از اکنون تمرین کند که منیتهای و تندرستی‌ها را کنار بگذارد و کار جمعی هماهنگ با مرکزیت ولایت انجام دهد. فردای نزدیک، همین دانشجویان مدیریت کشور را در دست خواهند گرفت؛ اگر امروز یاد نگیرند که چگونه اختلاف دیدگاه‌ها را در ذیل چتر ولایت همگرا کنند، فردا ممکن است دچار تفرق و کشمکش و خنثی شدن تلاش‌ها شوند. پس چه بهتر که از همین ماجرای پیچیده مذاکره با آمریکا درس وحدت و تبعیت بیاموزیم. «یکی از برکات این مذاکرات» می‌تواند همین باشد که نیروهای انقلاب بیش از پیش قدر وحدت کلمه و نعمت رهبری را بدانند.

در یک جمله: تکلیف دانشجوی انقلابی این است که سرباز ولایت باشد، نه سردار خودسر. امروز دیکته انقلاب را ولایت می‌گوید و ما باید بنویسیم و اجرا کنیم، نه آنکه به خیال خود غلط‌های دیکته ولی امر را بگیریم. خوشبختانه اکثریت بدنه دانشجویی مؤمن ما چنین بصیرتی دارند و امید است اقلیتی هم که گاه تندرستی می‌کنند به آغوش اعتدال انقلابی بازگردند

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سیر بحث را از مبانی شروع کردیم و به وظایف ختم نمودیم. اکنون هنگام آن است که تصویر کلی این تحلیل جامع را مرور کنیم: جمهوری اسلامی ایران به رهبری ولی فقیه دوران، در مواجهه با آمریکا (شیطان بزرگ) راهبردی را اختیار کرده که آمیزه‌ای است از مقاومت قاطعانه و انعطاف هوشمندانه. این راهبرد بر پایه ایمان

کند. اما فرزندان همین انقلاب، روحیه و غیرت حسینی را در جان خود زنده نگه داشته‌اند و هر زمان لازم شود فریاد «هیئات منا الذله» سر خواهند داد. چنان‌که رهبر انقلاب نیز فرمودند «ما به طرف مقابل بدبینیم و او را قابل اعتماد نمی‌دانیم؛ اگر دست از پا خطا کند ضربه قاطع خواهیم زد.» پس دشمن دچار توهم نشود: دست چدنی ما همچنان گره کرده و آماده است، حتی اگر موقتاً دستکش مخملی دیپلماسی بر آن پوشانده باشیم.

به جرأت می‌توان گفت که راهبرد فعلی نظام در برابر آمریکا، نشانه بلوغ و پختگی انقلاب در گام دوم خود است. در ابتدای انقلاب شاید هیجان انقلابی غلبه داشت و مذاکره با آمریکا خط قرمز مطلق پنداشته می‌شد. اما اکنون انقلاب اسلامی آن‌چنان اعتماد به نفسی یافته که بدون واهمه و با حفظ اصول، حتی با دشمن خونی خود نیز وارد گفتگو می‌شود تا از این رهگذر حقوق ملت را استیفا یا اتمام حجت نماید. این تحول نه به معنای عدول از آرمان «استقلال از استکبار» که در جهت تثبیت عملی همان آرمان است. تجربه هم نشان داده که هرگاه ما یک گام *tactically* به عقب نشستیم، دو گام *strategically* جلوتر رفته‌ایم. مثالش عقب‌نشینی موقت در جنگ (قطعنامه) که به بقای نظام و آمادگی برای ۸ سال بعد (شکست آمریکا در طیس جدید منطقه) انجامید؛ یا تعلیق موقت هسته‌ای (برجام) که به پیشرفت خیره‌کننده در فناوری و اثبات حقانیت ایران منجر شد

در نهایت، نقش مردم و به‌ویژه جوانان انقلابی در پیشبرد این راهبرد تعیین‌کننده است. مردم ما نشان

توحیدی (نفی طاغوت)، تجربه تاریخی (بدعهدی‌های مکرر دشمن)، واقع‌بینی سیاسی-علمی (لزوم حفظ منافع ملی) و حکمت علوی بنا شده است. اگر جایی مذاکره می‌کند از موضع قدرت و برای دفع شرّ است و اگر جایی دست رد می‌زند برای حفظ عزّت و استقلال. در هر دو حال، هدف نهایی یکی است: خنثی‌سازی توطئه‌های استکبار و پیشبرد انقلاب اسلامی به سوی آرمان نهایی خود

رهبر معظم انقلاب به عنوان دیده‌بان هوشیار این حرکت، با اشراف بر ابعاد مختلف ماجرا، تصمیماتی شجاعانه و در عین حال مدبرانه اتخاذ کرده‌اند. یک روز با صدای رسا فرمودند «مذاکره با آمریکا عقلانی و شرافتمندانه نیست» تا راه اغوای دشمن بسته شود؛ و روزی دیگر اجازه دادند گفتگوهای محدود انجام شود ولی هشدار دادند «کشور را به این مذاکرات گره نزنید و نه خوش‌بینی افراطی داشته باشید نه بدبینی افراطی» این‌ها در ظاهر تناقض نیست، بلکه نشانگر عمق درایت و انعطاف‌پذیری «رهبر انقلاب متناسب با اقتضائات زمانه است.

از سوی دیگر، الگوی صلح امام حسن (ع) و قیام امام حسین (ع) همچون دو کفه ترازویی است که تعادل راه ما را برقرار می‌کند. نه آنچنان اهل سازشیم که عزّت عاشورایی را فراموش کنیم، نه آنقدر بی‌مبالا که حکمت حسنی را نادیده انگاریم. عقلانیت انقلابی ایجاب می‌کند هر دو را در جای خود به کار گیریم. امروز جمهوری اسلامی در موضع امام حسن مجتبی (ع) است که با وجود قدرت و حقانیت، به مصلحت اسلام تن به نرمشی قهرمانانه می‌دهد تا آینده امت را بیمه

می‌دهیم برای فراهم شدن مقدمات فتح‌الفتوح است. همانگونه که امام حسن (ع) زمینه‌ساز قیام خونین حسین (ع) شد، ما نیز از دل یک صلح ظاهری، ان‌شاءالله فروپاشی سلطه استکبار را سرعت خواهیم بخشید. به تعبیر زیبای رهبر انقلاب در تشبیه شرایط: «اگر شیعیان آن زمان کوتاهی نمی‌کردند مسیر تاریخ عوض می‌شد و امروز دنیای دیگری داشتیم»؛ پس بیایید امروز ما کوتاهی نکنیم تا فردای جهان به سود مستضعفین رقم بخورد.

ما نسل امام خمینی و خامنه‌ای، پیمان بسته‌ایم که تا آخرین نفس و تا آخرین نفر، پرچم مبارزه با استکبار را زمین نذاریم - چه در سنگر جنگ و چه بر سر میز مذاکره. اگر دست در دست شیطان هم بگذاریم، هرگز دل در گرو او نخواهیم داد. مذاکره می‌کنیم اما معامله بر سر عزت و استقلال هرگز و به لطف الهی روزی خواهد رسید که همین دست برتر ملت ایران، مچ شیطان را خواهد خواباند. به امید آن روز.

داده‌اند که علی‌رغم سختی‌ها و گلایه‌ها، در بزنگاه‌ها پشت رهبر و نظام خود ایستاده‌اند. حضور حماسی در راهپیمایی‌ها، تحمل مشکلات معیشتی ناشی از تحریم بدون تسلیم، و عدم همراهی با پروژه‌های آشوب دشمن، همه گواه عمق بصیرت این ملت است. همین سرمایه مردمی دست رهبر انقلاب را در اتخاذ تصمیمات شجاعانه باز نگه می‌دارد. اکنون نیز انتظار می‌رود آحاد مردم - بخصوص دانشگاهیان و جوانان - با وحدت کلمه و هوشیاری کامل، اجازه ندهند هیچ توطئه داخلی یا خارجی حرکت کشتی انقلاب را در این دریای متلاطم کند یا منحرف کند. شرط پیروزی ما، پس از توکل بر خداوند قادر متعال، چیزی جز حفظ همین وحدت و اطاعت از سکاندار کشتی نیست.

به فضل الهی، دوران افول شیطان بزرگ آغاز شده است و خورشید انقلاب اسلامی روزبه‌روز فروغ بیشتری می‌یابد. در این پیچ تاریخی، ما با سلاح ایمان و عقلانیت پیش می‌رویم. اگر جایی دست صلح دراز می‌کنیم، شمشیر عدالت را فراموش نکرده‌ایم و اگر ندای صلح سر



فهرست منابع

۱. بیانات رهبر انقلاب در دیدار مردم قم (۱۹ دی ۱۳۹۲) - پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. متن سخنرانی رهبر معظم انقلاب به مناسبت سالگرد قیام ۱۹ دی، شامل تصریحات ایشان درباره مذاکره با آمریکا به عنوان شیطان و برکات مذاکرات در روشن ساختن دشمنی آمریکا. (Khamenei.ir)
۲. بیانات رهبر انقلاب در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش (۱۹ بهمن ۱۴۰۳) - خبرگزاری تسنیم. گزارشی از سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سالروز بیعت تاریخی نیروی هوایی با امام خمینی، حاوی تأکید ایشان بر عقلانی نبودن مذاکره با آمریکا و بی‌اثر بودن آن در رفع مشکلات کشور بر پایه تجربه‌ی بدعهدی آمریکا.
۳. گزارش دیدار رضائی دانشجویان با رهبر انقلاب (۲۲ اسفند ۱۴۰۳) - خبرگزاری ایرنا. شرح دیدار صمیمانه جمعی از دانشجویان با رهبر معظم انقلاب در ماه رمضان ۱۴۰۳، همراه با بخش‌هایی از بیانات ایشان که فرمودند «اینکه رئیس‌جمهور آمریکا می‌گوید آماده مذاکره است، فریب افکار عمومی دنیاست» و اینکه عدم مذاکره مستقیم ایران نتیجه تجربه عهدشکنی ترامپ و پاره کردن برجام است. همچنین هشدار معظم‌له که «مذاکره با دولت فعلی آمریکا تحریم‌ها را رفع نخواهد کرد بلکه گره آنها را کورتر می‌کند». (منبع: ایرنا به نقل از فرمایشات ۲۲ اسفند ۱۴۰۳)
۴. بیانات رهبر انقلاب در دیدار مسئولان ارشد نظام - اولین دیدار سال نو (۲۶ فروردین ۱۴۰۴) - پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR. متن سخنرانی مهم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار سران سه قوه و مدیران ارشد کشور در آغاز سال ۱۴۰۴، شامل فصل مفصلی درباره گفتگوهای اخیر عمان بین ایران و آمریکا. ایشان در این بیانات، مذاکره غیرمستقیم را یکی از ده‌ها کار وزارت خارجه دانستند و تأکید کردند کشور نباید شرطی شود و «اشتباه برجام تکرار نشود». همچنین فرمودند نه خوش‌بینی افراطی داشته باشیم نه بدبینی افراطی؛ مذاکرات ممکن است به نتیجه برسد یا نرسد؛ ما به طرف مقابل (آمریکا) بی‌اعتمادیم ولی به توان خودمان خوش‌بینیم. (فایل سخنرانی رسمی)
۵. تحلیل راهبردی جعفر محمدی بر بیانات رهبری درباره صلح امام حسن (ع) - عصر ایران، ۵ اردیبهشت ۱۴۰۴. مقاله‌ای تحلیلی که به تبیین سخنان رهبر انقلاب در مراسم شهادت امام صادق (ع) (۴ اردیبهشت ۱۴۰۴) می‌پردازد. در این تحلیل با عنوان «نگذاریم آتش دهن‌لق‌های خودی، مدعیان انقلابی‌گری و نفوذی‌ها خرمن مذاکرات ایران و آمریکا را بسوزاند»، به سه گروه مخالفان داخلی مذاکره اشاره شده است. همچنین فرازهایی از بیانات رهبر انقلاب نقل شده که امام حسن (ع) صلح را موقتی و برای حفظ اسلام دانست و اینکه افشای راز قیام و اعتراض‌های بیجا باعث عقب افتادن تحقق وعده الهی شد. این منبع نکات تاریخی و تطبیقی ارزنده‌ای دارد.

۶. گزارش رویداد ۲۴ از بیانات رهبر انقلاب - «صلح امام حسن(ع) با معاویه موقت بود» - منتشر شده در ۴ اردیبهشت ۱۴۰۴. این خبر حاوی بخش کوتاهی از فرمایشات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مجلس عزاداری امام جعفر صادق(ع) است که ایشان فرمودند: «وقتی امام حسن با معاویه صلح کرد عده‌ای اعتراض می‌کردند؛ حضرت فرمود این صلح موقتی است و تسلط کفر و نفاق دائمی نخواهد بود...». این بخش، گویای نگاه رهبر انقلاب به ماهیت تاکتیکی و موقت بودن نرمش در برابر دشمن می‌باشد که الگویی برای شرایط کنونی تلقی شده است
۷. محمدجواد لاریجانی در برنامه تلویزیونی (بهمن ۱۴۰۳) - پایگاه خبری انتخاب و تابناک. بازتاب گفتگوی محمدجواد لاریجانی، تحلیل‌گر ارشد مسائل بین‌الملل، در رسانه ملی که تصریح کرد: «ما هیچ منع عقیدتی نداریم... اگر برای منافع نظام لازم باشد، با شیطان هم در قعر جهنم مذاکره می‌کنیم». این اظهار نظر از آن جهت مهم است که موضع یادشده را به عنوان گفتمان غالب در بین نیروهای انقلابی نشان می‌دهد و همسو با فرمایشات رهبری در سال‌های قبل است
۸. خبرگزاری تسنیم - «رهبر انقلاب: مذاکره با آمریکا هوشمندانه و شرافتمندانه نیست» - ۱۹ بهمن ۱۴۰۳. این گزارش به نقل از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار نیروهای هوایی ارتش عنوان می‌کند: «مذاکره با آمریکا هوشمندانه، عاقلانه و شرافتمندانه نیست و هیچ تأثیری در رفع مشکلات ندارد؛ دلیل؟ تجربه!». همچنین به نقل از ایشان آمده: «از مذاکره با آمریکا هیچ مشکلی حل نمی‌شود؛ در دهه ۹۰ دو سال با آمریکا (و دیگران) مذاکره کردیم، خندیدند، دست دادند، معاهده امضا شد اما آمریکایی‌ها (ترامپ) آن را پاره کردند و قبل او هم به تعهد عمل نکردند». این مطلب عصاره تجربه تاریخی برجام را به روایت رهبر انقلاب در بر دارد
۹. خبرگزاری ایرنا (نسخه افغانستان) - گزارش ۲۲ اسفند ۱۴۰۳: «دعوت رئیس جمهور آمریکا به مذاکره فریب افکار عمومی دنیاست/ مذاکره با دولت فعلی آمریکا موجب رفع تحریم‌ها نخواهد شد». در این گزارش، بخش‌های بیشتری از بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان نقل شده است: از جمله اینکه آمریکا با دعوت به مذاکره قصد فریب افکار عمومی را دارد و ایران وقتی نتیجه عمل آمریکا را عهدشکنی دیده، دلیلی ندارد دوباره اعتماد کند. همچنین نقل قول مستقیم از ایشان که «مذاکره با دولت فعلی آمریکا تحریم‌ها را رفع نمی‌کند بلکه گره آن را کورتر می‌کند». این مرجع، موضع شفاف رهبر انقلاب نسبت به مذاکرات مستقیم با آمریکا در شرایط کنونی (دولت بایدن) را نشان می‌دهد
۱۰. روزنامه شهروند - پیشخوان (۲۳ اسفند ۱۴۰۳): تیتراژ «دعوت رئیس جمهور آمریکا به مذاکره، فریب افکار عمومی دنیاست» - گزارش دیدار رضائی دانشجویان. در این روزنامه و سایر جراید، بازتاب گسترده‌ای به سخنان رهبر انقلاب شد. به‌ویژه جمله «به خودتان برگردید!

ما چند سال مذاکره کردیم، همان شخص معامله تکمیل شده را پاره کرد» و نیز تاکید ایشان بر قدرت و توانایی‌های بیشتر ایران در سال جاری نسبت به سال قبل. این مطالب در مجموع فضای رسانه‌ای داخل را متاثر کرد و تحلیل‌های دوگانه‌نگر را کاهش داد. (منبع چاپی)

۱۱. سخنرانی‌های مختلف رهبر معظم انقلاب درباره آمریکا و استکبارستیزی - مرجع: پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR، پرونده «منطق مواجهه با آمریکا» روزرسانی شده در بهمن ۱۴۰۳. این مجموعه، گزیده‌ای از بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سالیان مختلف است که در سه بخش مبنایی، تاریخی و سیاسی دسته‌بندی شده است. از این مجموعه به برخی فرازها استناد شد؛ از جمله: «کفر به طاغوت لازمه ایمان است و آمریکا طاغوت اعظم است»؛ «ذات نظام سلطه با جمهوری اسلامی دشمن است؛ منافعشان ۱۸۰ درجه متفاوت است»؛ «مشکل آمریکا اصل نظام اسلامی است نه صرفاً بهانه‌هایی چون هسته‌ای و موشک»؛ «آمریکا مستقیماً پشت جنایات در فلسطین و یمن است و نظام اسلامی نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد». این بیانات، چارچوب نظری استکبارستیزی و بی‌اعتمادی به آمریکا را از دید رهبر انقلاب تبیین می‌کند.

۱۲. بیانات رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) - صحیفه امام و پیام‌های سال‌های پایانی جنگ. هرچند در متن مقاله به طور مستقیم استفاده نشده، ولی روح حاکم بر آن از اندیشه‌های امام راحل است. تصمیم تاریخی ایشان در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ (پیام ۲۹ تیر ۱۳۶۷) مصداق بارز «مصلحت نظام و مردم» بر هر امر دیگر بود. همچنین فرمایش مشهور امام خمینی که «حفظ نظام از اوجب واجبات است»، مبنای همه استدلال‌های ما در تقدیم مصالح عالیه بر سلايق شخصی و احساسات است. سیره امام خمینی الگویی است که مقام معظم رهبری نیز در خطوط کلی استمرار بخشیده‌اند.

با توجه به مجموعه منابع فوق و استنادهای درون‌متنی، استدلال‌ها و نتایج مطرح‌شده در این مقاله مبتنی بر اسناد متقن و بیانات معتبر رهبران انقلاب اسلامی تنظیم شده است. این امر انسجام علمی و اتقان مطالب را تضمین می‌کند و نشان می‌دهد که راه ترسیم‌شده در این نوشتار، نه یک خط مشی شخصی یا جناحی، بلکه برآمده از اندیشه و تجربه انقلاب اسلامی طی چهار دهه اخیر است.

سیاست راهبردی مذاکره و رفع تحریم در بیانات مقام معظم رهبری و قانون اقدام راهبردی مجلس شورای اسلامی

|| مرکز تحلیل راهبردی و بین الملل ||

دشمن، در امر اقتصاد کشور دچار مشکل نشویم
اصلاً مسئله‌ی ما این نیست که آمریکا به برجام برگردد
یا برنگردد. آنچه مطالبه‌ی منطقی ما و مطالبه‌ی عقلانی
ما است، رفع تحریم‌ها است؛ تحریم‌ها باید برداشته
بشود

اگر تحریم‌ها برداشته شد، خب آن برگشت آمریکا به
برجام معنایی خواهد داشت -البته مسئله‌ی خسارتها
هست که جزو مطالبات ما است و در مراحل بعدی
دنبال خواهد شد- اما اگر چنانچه تحریم‌ها برداشته
نشود، برگشت آمریکا به برجام ممکن است حتی به
ضرر ما تمام بشود؛ به نفع ما که نیست، [بلکه] به
ضرر ما هم ممکن است باشد

وقتی طرف مقابل، تقریباً به هیچ کدام از تعهدات
خودش در برجام عمل نمی‌کند، معنی ندارد که
جمهوری اسلامی به همه‌ی تعهدات خودش در برجام
عمل کند؛ لذا از مدتی پیش تدریجاً بعضی از تعهدات را
لغو کردند، اخیراً هم تعهدات دیگری را کنار
گذاشتند. و البته اگر چنانچه آنها به تعهداتشان برگردند،
ما هم به تعهداتمان برمی‌گردیم؛ بنده از اول هم همین
را گفتم. از اولی که برجام مطرح شد، بنده گفتم که

پس از تصویب طرح دو فوریتی «اقدام راهبردی برای
لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران» در مجلس
شورای اسلامی و تایید آن توسط شورای نگهبان، رهبر
معظم رهبری در دیدارهای گوناگون با مردم و مسئولان
سیاست قطعی نظام در موضوع هسته‌ای را تبیین و
دورنمای کلی آن را به مسئولان ذی‌ربط ابلاغ نمودند.
در این گزارش اسناد بالادستی مرتبط با مذاکرات
بررسی شده است؛ اسنادی که شامل بیانات صریح
مقام معظم رهبری و متن قانون اقدام راهبردی مجلس
می‌باشد. متن کامل این قانون نیز در پایان گزارش
پیوست شده است

گزیده بیانات

۱۹ دی ۱۳۹۹ - سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹
دی

فرض کنیم تحریم برداشته نخواهد شد -البته تحریم
بتدریج دارد بی‌اثر هم می‌شود؛ یعنی دارد به صورت
یک چیز لغوی درمی‌آید اما حالا گیرم که تحریم
باقی بماند- ما باید اقتصاد کشور را جووری برنامه‌ریزی
کنیم که با رفتن و آمدن تحریم و با بازیگری‌های

سیاست کشور در باب تعامل با طرف‌های برج‌امی و در باب خود برج‌ام، صریحاً اعلام شده؛ از این سیاست هیچ تخطی نباید کرد؛ این سیاستی است که اعلام شده، مورد اتفاق هم بوده؛ یعنی این جور نیست که این سیاست، سیاست استثنائی‌ای باشد در بین سیاست‌های دیگر؛ نه، این سیاستی است که مورد اتفاق همه بوده. آن سیاست هم عبارت از این است که آمریکایی‌ها باید تمام تحریم‌ها را لغو کنند، بعد ما راستی‌آزمایی خواهیم کرد؛ اگر چنانچه به معنای واقعی کلمه لغو شده بود، آن وقت ما به تعهدات برج‌امی‌مان برمی‌گردیم، یعنی بدون هیچ مشکلی به تعهدات برخوایم گشت؛ این سیاست قطعی است. قول آمریکایی‌ها را [هم] معتبر نمی‌دانیم؛ اینکه بگویند ما برمی‌داریم و روی کاغذ بردارند، این فایده‌ای ندارد؛ عمل لازم است؛ باید در عمل تحریم‌ها را بردارند، ما هم راستی‌آزمایی کنیم و مطمئن بشویم که تحریم‌ها برداشته شده، آن وقت به تعهداتمان عمل می‌کنیم

امروز شرایط نسبت به سال ۹۴ و ۹۵ تغییر کرده منتها به نفع آمریکا تغییر نکرده، به نفع ما کرده؛ شرایط تغییر کرده به نفع ایران نه به نفع شما

ما در این مطلبی که به عنوان راه حل پیشنهاد کردیم، عجله هم اصلاً نداریم. حالا بعضی‌ها می‌گویند «آقا فرصت هست، فرصت‌سوزی نباید کرد»؛ بله ما هم معتقدیم که از فرصت‌ها باید به موقع استفاده کرد و فرصت‌سوزی نباید کرد منتها عجله هم نباید کرد؛ عجله در مواردی خطرش و ضررش از فرصت‌سوزی بیشتر است؛ کما اینکه ما در قضیه‌ی برج‌ام عجله کردیم؛ ما نباید عجله می‌کردیم؛ همه‌ی کارهای آنها روی کاغذ بود، کارهای ما روی زمین بود؛ ما عجله

تعهد در مقابل تعهد؛ متناظر، کار آنها در مقابل کار ما؛ هر کاری که ما بنا است بکنیم، باید طرف مقابل هم متناظر با آن کار را بکند

۱۹ بهمن ۱۳۹۹ - دیدار فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش

ما حق داریم برای ادامه برج‌ام شرط بگذاریم. اگر می‌خواهند ایران به تعهدات برج‌امی - که چند تعهد آن را لغو کرده - برگردد، آمریکا باید تحریم‌ها را کلاً لغو بکند، آن هم نه به زبان و روی کاغذ که بگوید لغو کردیم؛ نه، بایستی در عمل تحریم‌ها را لغو کنند و ما راستی‌آزمایی کنیم و احساس کنیم که درست تحریم‌ها لغو شده، آن وقت ما هم به این تعهدات برج‌امی برمی‌گردیم

۱ فروردین ۱۴۰۰ - سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران

ما در مقابله با تحریم دو راه می‌توانیم برویم: یکی اینکه برویم سراغ تحریم‌کننده و از او خواهش کنیم، بگوییم «آقا شما ما را تحریم کردید، ما خواهش می‌کنیم که حالا مثلاً شما این تحریم را کم کنید یا بردارید»، او هم بگوید خیلی خب حرفی ندارم، این کارها را انجام بدهید - چند خواسته‌ی استکباری روی میز بگذارد، بگوید این کارها را انجام بدهید - من یک مقدار از تحریم را کم می‌کنم؛ این یک راه است که در واقع راه ذلت، راه انحطاط، راه عقب‌ماندگی است. یک راه دیگر هم این است که نیروی داخلی خودمان را فعال کنیم؛ ما توانایی‌های خوبی داریم؛ این نیروها را فعال کنیم و کالای تحریمی را در داخل تولید کنیم

بایستی آنها کاری را که ما می‌گوییم اول انجام بدهند تا ما خاطر جمع بشویم که انجام گرفت، بعد ما آنچه تکلیفمان است انجام خواهیم داد

۶ مرداد ۱۴۰۰ - بیانات در آخرین دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت دوازدهم

در این دولت معلوم شد که اعتماد به غرب جواب نمی‌دهد؛ به ما کمک نمی‌کند و هر جا بتوانند ضربه می‌زنند؛ آنجایی که ضربه نمی‌زنند، آنجایی است که امکانش را ندارند؛ هر جا امکان داشته‌اند ضربه زده‌اند؛ این تجربه‌ی بسیار مهمی است

یک بار توافقات را نقض کردند و کاملاً بی‌هزینه نقض کردند. و الان هم که [به آنها] گفته می‌شود شما بایستی قول بدهید، تضمین بدهید که نقض نمی‌کنید، می‌گویند نه، ما تضمین نمی‌دهیم؛ این را الان صریح به دوستان ما و به دیپلمات‌های ما می‌گویند که ما تضمین نمی‌دهیم نقض نکنیم؛ نمی‌توانیم چنین تضمینی بدهیم. اینها این جوری هستند. این تجربه است؛ این تجربه [است برای] دولت آینده، دولتمردان آینده

۶ شهریور ۱۴۰۰ - نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم

کشورهای اروپایی همراه با آمریکا هم همین جور؛ آنها هم از لحاظ عهدشکنی و بداخلاقی کمتر از آمریکا نیستند؛ آنها هم مثل آمریکایند لکن در مقام زبان‌بازی و حرف زدن طلبکارند؛ همیشه طلبکارند. گویا این ما بودیم که مدتها مذاکره را به مسخره گرفتیم و تعهداتمان را زیر پا گذاشتیم و عمل نکردیم

کردیم کارهای خودمان را انجام دادیم، آنها هم کارشان را انجام ندادند، تعهداتشان را انجام ندادند. البته این مسئله‌ی بسیار مهمی است که ما توجه داشته باشیم که صبر و حوصله‌مان زیاد است و داریم کار خودمان را می‌کنیم؛ اگر چنانچه آنها همین سیاستی را که ما گفتیم قبول کردند و اعمال کردند، خوب همه چیز درست خواهد شد؛ [اگر] نکردند، به همین شکلی که امروز هست، بعد هم خواهد بود؛ اشکالی هم ندارد

۲۵ فروردین ۱۴۰۰ - محفل انس با قرآن کریم

سیاست کشور را ما اعلام کردیم و به مسئولین هم گفته‌ایم؛ هم از نزدیک گفتیم، هم با نوشته گفتیم، هم در جلسات گفتیم، هم در صحبت عمومی گفتیم؛ سیاست کشور معلوم است که چه کار باید بکنند. خوب حالا تشخیص مسئولین ما این است که برویم مذاکره کنیم تا همین سیاست را اعمال کنیم؛ ما بحثی در این زمینه نداریم، منتها باید مراقبت بشود که مذاکره فرسایشی نباید بشود؛ نباید جوری باشد که طرفها بخواهند همین طور مدام این مذاکره را کش بدهند که این برای کشور ضرر دارد

اینکه آمریکایی‌های دائم اسم مذاکره را می‌آورند و مذاکره‌ی مستقیم با ایران را ما داریم و مانند این حرفها، این جور نیست که آمریکا بخواهد مذاکره کند تا اینکه یک حرف حقّی را قبول کند؛ نه، می‌خواهد مذاکره کند تا یک حرف باطلی را تحمیل کند

باید اول تحریم‌ها برداشته بشود - چون ما خاطر جمع نیستیم به اینکه آنها وعده بدهند که تا حالا ده‌ها بار به وعده‌هایشان عمل نکرده‌اند و ضدّ وعده عمل کرده‌اند، و حالا هم همین کار را خواهند کرد - لذا

کند. کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و نیز کمیسیون انرژی مجلس ارزیابی خود را نسبت به این گزارش به منظور تعیین تکلیف در مجلس، به مجلس شورای اسلامی به استناد بند (۷) ماده (۴۵) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس ارائه می‌کنند.

تحلیل اسناد بالادستی

اسناد بالادستی چهار موضوع «گستره تحریم»، «کیفیت رفع تحریم»، «تضمین» و «موضع مذاکراتی» را شامل می‌شود

گستره تحریم

رهبر انقلاب با تاکید بر عباراتی نظیر «آمریکا باید تحریم‌ها را کلاً لغو بکند... در عمل تحریم‌ها را لغو کنند و ما راستی‌آزمایی کنیم» و «آمریکایی‌ها باید تمام تحریم‌ها را لغو کنند، بعد ما راستی‌آزمایی خواهیم کرد» صراحتاً اعلام کرده‌اند که مذاکرات باید به لغو کلیه تحریم‌ها منتهی شود. در بیانات ایشان هیچ‌گونه تمایزی میان تحریم‌های قبل یا بعد از

دولت کنونی آمریکا هم هیچ فرقی با دولت قبلی ندارد؛ یعنی همین چیزی که الان اینها در زمینه‌ی مسائل هسته‌ای از ایران مطالبه می‌کنند، همان چیزی است که ترامپ مطالبه می‌کرد، که آن روز مسئولین بالای دولتی می‌گفتند که امکان ندارد، عاقلانه نیست و مانند این‌ها. امروز اینها همان را می‌خواهند؛ هیچ تفاوتی نکرده. او با یک زبان می‌گفت، اینها با یک زبان دیگری می‌گویند. باید به اینها توجه کرد

قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران

در ماده هفتم «قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران» قید شده است که «چنانچه کشورهای متعاقد از جمله کشورهای ۴+۱ (آلمان، فرانسه، انگلستان، چین و روسیه) نسبت به اجرای تعهدات خود و رفع کامل تحریم‌ها از جمله هسته‌ای، نظامی، حقوق بشری و امثال آن علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام کنند، دولت مؤظف است گزارش دقیق اقدامات انجام شده را به مجلس ارائه



برجام وجود ندارد و همچنین با عدم برچسب زنی به تحریم‌ها، تفکیکی میان تحریم‌های هسته‌ای، موشکی و حقوق بشری قائل نیستند. ضمن آنکه مطابق با ماده هفتم قانون راهبردی مجلس نیز تنها شرط بازگشت ایران به تعهدات کامل برجامی، منوط به لغو تمامی تحریم‌ها با هر عنوان و برچسبی است که تاکنون علیه ملت ایران وضع شده‌اند. این امر نشان می‌دهد که از نگاه نظام تحریم، تحریم است؛ صرف‌نظر از آنکه غرب آن را تحت چه عنوانی اعمال کرده باشد. بنابراین لازمه دستیابی به یک توافقی موفق، لغو کامل و بدون تفکیک تمامی تحریم‌هاست

کیفیت رفع تحریم

بررسی بیانات رهبر انقلاب و مفاد قانون مجلس نشان می‌دهد که هیچ‌گاه سخنی از رفع تدریجی یا گام به گام تحریم‌ها، یا فرمول «تعهد در برابر تعهد» به میان نیامده است. ایشان تصریح کرده‌اند غربی‌ها «تا حالا ده‌ها بار به وعده‌هایشان عمل نکرده‌اند و ضدّ وعده عمل کرده‌اند، و حالا هم همین کار را خواهند کرد لذا بایستی آنها کاری را که ما می‌گوییم اول انجام بدهند تا ما خاطر جمع بشویم که انجام گرفت، بعد ما آنچه تکلیفمان است انجام خواهیم داد» همچنین هشدار داده‌اند: «اگر چنانچه تحریم‌ها برداشته نشد، برگشت آمریکا به برجام ممکن است حتی به ضرر ما تمام بشود؛ به نفع ما که نیست، [بلکه] به ضرر ما هم ممکن است باشد». این در حالیست که رفع گام‌به‌گام تحریم‌ها یعنی بازگشت آمریکا به برجام، قبل از برداشته شدن کامل تحریم‌ها و بر این اساس با قوانین مجلس نیز مغایرت دارد. لازم به ذکر است که تکلیف ما یعنی بازگشت به تعهدات برجامی به بعد از انجام وعده‌های دیگران موکول شده، که تأکیدی نهانی

بر لغو تمامی تحریم‌ها، قبل از هرکاری است. این نکته در مورد «توافق موقت» نیز صدق می‌کند. ضمن آنکه توافق موقت خود لازمه مذاکرات بعدی را هم فراهم آورده که در ادامه در ذیل موضع مذاکراتی بیشتر به آن پرداخته خواهد شد

تضمین

رهبری با بیان بدعهدی‌های غرب و استفاده از تجربه بدست آمده در این موضوع اظهار داشتند: «یک بار توافقیها را نقض کردند و کاملاً بی‌هزینه نقض کردند. و الان هم که [به آنها] گفته می‌شود شما بایستی قول بدهید، تضمین بدهید که نقض نمی‌کنید، می‌گویند نه، ما تضمین نمی‌دهیم؛ این را الان صریح به دوستان ما و به دیپلمات‌های ما می‌گویند که ما تضمین نمی‌دهیم نقض نکنیم؛ نمی‌توانیم چنین تضمینی بدهیم». ایشان همچنین فرموده‌اند که «باید اول تحریم‌ها برداشته بشود -چون ما خاطر جمع نیستیم به اینکه آنها وعده بدهند که تا حالا ده‌ها بار به وعده‌هایشان عمل نکرده‌اند و ضدّ وعده عمل کرده‌اند، و حالا هم همین کار را خواهند کرد»، «قول آمریکایی‌ها را [هم] معتبر نمی‌دانیم؛ اینکه بگویند ما برمی‌داریم و روی کاغذ بردارند، این فایده‌ای ندارد؛ عمل لازم است؛ باید در عمل تحریم‌ها را بردارند، ما هم راستی آزمایی کنیم و مطمئن بشویم که تحریم‌ها برداشته شده، آن وقت به تعهداتمان عمل می‌کنیم». این قبیل نکات در سخنان رهبری بسیار یافت می‌شود و نشان از گرفتن ضمانت اجرایی لازم را در عمل دارد. به عبارتی تا زمانی که نتیجه رفع تحریم‌ها بصورت ملموس حس نشده و راستی آزمایی صورت نگرفته، بازگشت ما به تعهدات امری بیهوده است. پس آنها بایستی چنان تضمین دهند تا دیگر نتوانند بدعهدی کرده و عواقب سنگینی

به ما کمک نمی‌کند و هر جا بتوانند ضربه میزنند؛ آنجایی که ضربه نمی‌زنند، آنجایی است که امکانش را ندارند؛ هر جا امکان داشته‌اند ضربه زده‌اند»

ایشان همچنین خاطر نشان کردند که مذاکره باید از موضع عزت و قدرت صورت گیرد، نه از موضع ضعف: «برویم سراغ تحریم‌کننده و از او خواهش کنیم، بگوییم «آقا شما ما را تحریم کردید، ما خواهش می‌کنیم که حالا مثلاً شما این تحریم را کم کنید یا بردارید»، او هم بگوید خیلی خب حرفی ندارم، این کارها را انجام بدهید - چند خواسته‌ی استکباری روی میز بگذارد، بگوید این کارها را انجام بدهید - من یک مقدار از تحریم را کم می‌کنم؛ این یک راه است که در واقع راه ذلت، راه انحطاط، راه عقب‌ماندگی است»، در چنین سناریویی، طرف مقابل با کمترین امتیازدهی، خواسته‌های حداکثری خود را تحمیل کرده و ایران را در موقعیت ضعف و انفعال قرار می‌دهد. همچنین ایشان با بیان این جمله که: «مذاکره فرسایشی نباید بشود؛ نباید جوری باشد که طرفها بخواهند همین طور مدام این مذاکره را کش بدهند که این برای کشور ضرر دارد»، پرهیز از عدم فرسایشی شدن مذاکرات را گوشزد نموده و حجت را تمام کردند که طولانی شدن روند مذاکره، به ضرر ایران و ایرانی است و این مطلب خود به نوعی تأکیدی نامحسوس است بر عدم پذیرش توافق موقت. چرا که در توافق موقت، بنابر توافق صورت گیرد برای مذاکرات آینده پیرمون دیگر موضوعات. این مساله ایران را دوباره در دور باطل مذاکره برای سالها خواهد انداخت

در قبال پیمان شکنی شامل حالشان شود

موضع مذاکراتی

رهبر انقلاب با تأکید بر ضرورت استفاده صحیح از فرصت‌ها، در عین حال نسبت به شتاب‌زدگی در مذاکرات هشدار داده‌اند: «بعضی‌ها می‌گویند «آقا فرصت هست، فرصت‌سوزی نباید کرد»؛ بله ما هم معتقدیم که از فرصت‌ها باید به موقع استفاده کرد و فرصت‌سوزی نباید کرد منتها عجله هم نباید کرد؛ عجله در مواردی خطرش و ضررش از فرصت‌سوزی بیشتر است؛ کما اینکه ما در قضیه‌ی برجام عجله کردیم؛ ما نباید عجله می‌کردیم؛ همه‌ی کارهای آنها روی کاغذ بود، کارهای ما روی زمین بود؛ ما عجله کردیم کارهای خودمان را انجام دادیم، آنها هم کارشان را انجام ندادند، تعهداتشان را انجام ندادند». نکته اول در این مورد پرهیز از شتاب‌زدگی بی‌جاست، چنانچه این شتاب‌زدگی در برجام نیز به ضرر ما تمام شد. با توجه به بی‌اثر شدن تدریجی تحریم‌ها - «تحریم بتدریج دارد بی‌اثر هم می‌شود» - و متعاقباً کاهش اهرم فشار متخاصمان، ایران نباید عجله‌ای برای توافق داشته باشد و با هوشمندی عمل نماید. چرا که بارها و بارها شاهد عهدشکنی طرف مقابل و به سخره گرفته شدن توافقات بوده‌ایم و اکنون نیز طلبکارانه موضع حق به جانب به خود گرفته و ایران را متهم به خروج از برجام می‌کنند. ایشان به کرات فرمودند که ایران باید غرب را راستی‌آزمایی کند و پس از تصدیق حسن نیت آنها، ما نیز به تعهدات باز خواهیم گشت. زیرا طبق فرمایشات رهبری «اعتماد به غرب جواب نمی‌دهد؛

پیوست

قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر حسن روحانی

رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران که با عنوان طرح دو فوریتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده بود با تصویب در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۹.۹.۱۲ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می‌شود

قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران

ماده ۱- در راستای تأمین شروط نه گانه مقام معظم رهبری در خصوص توافق هسته‌ای، سازمان انرژی اتمی ایران موظف است بلافاصله پس از تصویب این قانون، جهت مصارف صلح‌آمیز نسبت به تولید اورانیوم با غنای بیست درصد (۲۰٪) اقدام و سالانه به میزان حداقل یکصد و بیست کیلوگرم آن را در داخل کشور ذخیره کند. همچنین سازمان مذکور موظف است نیاز کشور برای مصارف صلح‌آمیز اورانیوم با غنای بالای بسیت درصد (۲۰٪) را به طور کامل و بدون تأخیر تأمین کند

ماده ۲- در اجرای بند (۳) قانون اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای برجام مصوب ۱۳۹۴.۷.۲۱ و در جهت تحقق ظرفیت یکصد و نود هزار سو غنی‌سازی، سازمان انرژی اتمی ایران، مکلف است بلافاصله پس از تصویب این قانون، ظرفیت غنی‌سازی و تولید اورانیوم غنی‌سازی شده با سطح غنای متناسب هر یک از مصارف صلح‌آمیز کشور را، به میزان ماهانه حداقل پانصد کیلوگرم افزایش دهد و نسبت به نگهداری و انباشت مواد غنی شده در کشور اقدام کند

ماده ۳- برای تحقق هدف مندرج در ماده ۲۹، سازمان انرژی اتمی ایران مکلف است حداکثر ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون عملیات نصب، تزریق گاز، غنی‌سازی و ذخیره‌سازی مواد را تا درجه غنای مورد نیاز، با حداقل یک هزار دستگاه ماشین‌های نسل دوم پیشرفته (آی‌آر - توام) آغاز کند و همچنین در همین بازه زمانی، عملیات غنی‌سازی و تحقیق و توسعه با ماشین‌های نسل ششم (آی‌آر - سیکس) را با حداقل یکصد و شصت و چهار ماشین از این نوع آغاز نموده و آن را ظرف مدت یکسال پس از تصویب این قانون به یک هزار دستگاه ماشین

توسعه بدهد

تبصره - سازمان انرژی اتمی ایران مکلف است برای انتخاب و تعیین مکان نصب و استقرار ماشین‌های ذکر شده، استانداردهای سازمان پدافند غیر عامل را اخذ و اجرا کند

ماده ۴- سازمان انرژی اتمی ایران مکلف است نسبت به بهره‌برداری از کارخانه تولید اورانیوم فلزی در اصفهان ظرف مدت پنج ماه پس از تصویب این قانون اقدام کند

ماده ۵- سازمان انرژی اتمی ایران مکلف است در راستای بند (۴) قانون متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای برجام، همزمان با عملیات بهینه‌سازی و راه‌اندازی عامل واکنش (راکتور) ۴۰ مگاواتی آب سنگین خنداب اراک، نسبت به طراحی یک عامل واکنش (راکتور) آب سنگین ۴۰ مگاواتی جدید با هدف تولید همسان‌های پایدار (رادیو ایزوتوپ) بیمارستانی با جدول زمان‌بندی اقدام کند و جدول زمان‌بندی این موضوع را ظرف مدت یک ماه پس از تصویب این قانون به اطلاع مجلس شورای اسلامی برساند

ماده ۶- دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است در صورت عدم اجرای کامل تعهدات کشورهای متعاقد از جمله کشورهای ۱+۴ (آلمان، فرانسه، انگلستان، چین و روسیه) در قبال ایران و عادی نشدن روابط کامل بانکی و عدم رفع کامل موانع صادرات و فروش کامل نفت و فرآورده‌های نفتی ایران و برگشت کامل و سریع ارز منابع حاصل از فروش، دو ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون در مجلس شورای اسلامی، نظارت‌های فراتر از پادمان از جمله اجرای داوطلبانه سند (پروتکل) الحاقی را متوقف کند

تبصره - منظور از دولت در این قانون حسب مورد قوه مجریه، هیأت وزیران و کلیه دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط است

ماده ۷- چنانچه کشورهای متعاقد از جمله کشورهای ۱+۴ (آلمان، فرانسه، انگلستان، چین و روسیه) نسبت به اجرای تعهدات خود و رفع کامل تحریم‌ها از جمله هسته‌ای، نظامی، حقوق بشری و امثال آن علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام نکنند، دولت موظف است گزارش دقیق اقدامات انجام شده را به مجلس ارائه کند. کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی و نیز کمیسیون انرژی مجلس ارزیابی خود را نسبت به این گزارش به منظور تعیین تکلیف در مجلس، به مجلس شورای اسلامی به استناد بند (۷) ماده (۴۵) قانون آیین‌نامه داخلی مجلس ارائه می‌کنند

ماده ۸- مسئول اجرای صحیح و کامل این قانون، رئیس جمهور، مقامات و مدیران مربوط و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط می‌باشند

ماده ۹- مستنکفین از اجرای این قانون به تناسب امتناع یا ممانعت از اجرا به مجازات تعزیری درجه دو تا پنج قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.۲.۱ محکوم می‌شوند

قانون فوق مشتمل بر نه ماده و دو تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ دوازدهم آذرماه یکهزار و سیصد و نود و نه مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۹.۹.۱۲ به تأیید شورای نگهبان رسید

محمدباقر قالیباف

بررسی عملکرد مکانیزم ماشه و نقش آفرینی بازیگران مؤثر در آن

داود گلکاریان

دکتری علوم دفاعی استراتژیک، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

سیدعباس حسینی

کارشناس مدیریت دفاعی، دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران

چکیده

مقدمه

بین‌الملل را بیش از پیش برجسته ساخت در عرصه روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل معاصر، یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که به‌منظور تضمین پایبندی طرفین به تعهدات بین‌المللی طراحی شده، سازوکارهایی مانند «مکانیزم ماشه» است. این ابزار که هدف آن بازگرداندن فوری تحریم‌ها در صورت نقض تعهدات از سوی یکی از طرف‌هاست، در ادبیات سیاسی و حقوقی، نماد فشار حداکثری و بازدارندگی تلقی می‌شود. برجسته‌ترین ظهور این مکانیزم در سال‌های اخیر، در متن توافق هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با گروه ۵+۱ (برجام) و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد تجلی یافته است. بر اساس مفاد این قطعنامه، چنانچه یکی از اعضای مشارکت‌کننده در توافق، ادعای عدم پایبندی ایران را مطرح کند، امکان بازگرداندن خودکار تحریم‌های سازمان ملل، بدون نیاز به رأی‌گیری جدید، فراهم می‌شود.

مکانیزم ماشه به دلیل ماهیت حقوقی خاص خود، واجد پیامدهایی پیچیده و بعضاً مناقشه‌برانگیز است. در حالی که در ظاهر، این مکانیزم ابزاری برای تضمین اجرای توافق‌ها تلقی می‌شود، اما به‌سبب برداشت‌های متفاوت از مفاد برجام و قطعنامه ۲۲۳۱، به‌ویژه پس از خروج یک‌جانبه ایالات متحده از توافق در سال ۲۰۱۸، مشروعیت استفاده از آن از سوی آمریکا مورد تردید جدی قرار گرفت. آمریکا در سال ۲۰۲۰ مدعی شد که هنوز در موقعیتی قرار دارد که بتواند از مفاد برجام برای

مکانیزم ماشه مفهومی در حقوق بین‌الملل و توافقات چندجانبه است که به کشورها اجازه می‌دهد در صورت نقض تعهدات از سوی یکی از طرف‌ها، تحریم‌های تعلیق‌شده را به‌سرعت و بدون نیاز به رأی‌گیری مجدد، بازگردانند. این مکانیزم به‌ویژه در چارچوب توافق هسته‌ای ایران (برجام) مورد توجه قرار گرفت. بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، هر یک از اعضای دائم شورای امنیت می‌تواند ادعای عدم پایبندی ایران به تعهدات هسته‌ای‌اش را مطرح کرده و با فعال‌سازی مکانیزم ماشه، تحریم‌های پیشین را بازگرداند. این فرایند، برخلاف سازوکارهای رایج در شورای امنیت، نیازی به اجماع یا رأی‌گیری نهایی ندارد، و همین ویژگی باعث نگرانی از امکان سوءاستفاده از آن شده است. از منظر کنشگران دخیل، ایالات متحده، کشورهای اروپایی (بریتانیا، فرانسه، آلمان)، روسیه، چین، و ایران به عنوان بازیگران اصلی در تصمیم‌گیری‌ها و منازعات پیرامون این مکانیزم شناخته می‌شوند. همچنین، نهادهایی چون شورای امنیت، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، و اتحادیه اروپا نقش میانجی یا نظارتی ایفا می‌کنند. رفتار هر یک از این کنشگران تابعی از منافع امنیتی، سیاسی و اقتصادی آن‌هاست. فعال‌سازی مکانیزم ماشه در سپتامبر ۲۰۲۰ از سوی ایالات متحده، با وجود خروج این کشور از برجام، پرسش‌هایی را درباره مشروعیت و کارآمدی این ابزار در حقوق بین‌الملل برانگیخت. این موضوع همچنین اهمیت تعامل چندجانبه و توازن قوا در نظام

قدرت در نظام بین‌الملل ارائه می‌دهد، بلکه می‌تواند به درک بهتر از چگونگی استفاده یا سوءاستفاده از ابزارهای حقوقی مانند مکانیزم ماشه کمک کند. در عین حال، بررسی عملکرد این سازوکار می‌تواند پرسش‌های مهمی را درباره تعادل میان حفظ صلح و امنیت جهانی، احترام به چندجانبه‌گرایی و اعتبار نهادهای بین‌المللی مطرح سازد. در این تحقیق، تلاش خواهد شد تا ضمن تبیین مبانی حقوقی مکانیزم ماشه، نقش و رفتار کنشگران کلیدی تحلیل شده و پیامدهای استفاده از این مکانیزم در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مورد ارزیابی قرار گیرد مکانیزم ماشه

سابقه طرح مفهوم «مکانیسم ماشه» در وضعیت تحریم‌های مرتبط به برنامه هسته‌ای ایران به سال ۲۰۱۵ و امضای برجام میان کشور جمهوری اسلامی ایران و کشورهای گروه ۵+۱ باز می‌گردد بند ۱۸ این سند مقرر می‌دارد قطع‌نامه شورای امنیت که مفاد برجام را تأیید خواهد کرد کلیه قطع‌نامه‌های پیشین تحریمی این شورا بر برنامه هسته‌ای ایران را لغو خواهد کرد و محدودیت‌های خاصی را برقرار خواهد نمود به واقع مبتنی بر این توافق شورای امنیت با تصویب قطع‌نامه

فعال‌سازی مکانیزم ماشه بهره‌برداری کند، در حالی که دیگر طرف‌های باقی‌مانده در توافق - به‌ویژه کشورهای اروپایی، روسیه و چین - این ادعا را مردود دانستند کنشگران دخیل در این فرآیند، شامل مجموعه‌ای از دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی و بازیگران غیردولتی هستند که هر کدام با انگیزه‌ها و منافع خاص خود به موضوع مکانیزم ماشه ورود می‌کنند. از جمله مهم‌ترین این کنشگران می‌توان به ایالات متحده آمریکا، کشورهای اروپایی (بریتانیا، فرانسه و آلمان)، ایران، روسیه و چین اشاره کرد. همچنین نهادهایی چون شورای امنیت سازمان ملل، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، و اتحادیه اروپا نیز نقش‌های کلیدی در نظارت، تفسیر و پیاده‌سازی تعهدات دارند. برای مثال، کشورهای اروپایی با نگاهی دیپلماتیک‌تر تلاش داشته‌اند میان حفظ برجام و ایجاد فشار برای اصلاح رفتار ایران، توازن برقرار کنند. در مقابل، رویکرد ایالات متحده، به‌ویژه در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ، بر سیاست فشار حداکثری و استفاده از مکانیزم ماشه به عنوان ابزار تهدید و اجبار متمرکز بوده است تحلیل رفتار این کنشگران نه تنها تصویری از دینامیک



۲۲۳۱۰ قطع نامه‌های پیشین خود را که حاوی مقررات تحریم علیه ایران بودند، ملغی نمود (عابدینی، ۱۳۹۶). متعاقباً در بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام سازوکاری جهت حل و فصل اختلاف میان اعضا پیش‌بینی شده است که براساس آن چنانچه ایران یا هر یک از اعضای ۵+۱ مدعی عدم رعایت تعهدات برجام از سوی طرف مقابل باشد موضوع را به کمیسیون مشترک ارجاع می‌نماید این کمیسیون ۱۵ روز فرصت خواهد داشت موضوع را فیصله بخشیده، اگرچه مدت زمان مذکور قابل تمدید است هرگاه پس از بررسی کمیسیون، هر یک از اعضا معتقد به عدم فیصله موضوع، باشد میتواند موضوع را به وزیران امور خارجه ارجاع دهد. وزرای امور خارجه نیز باید ظرف مدت ۱۵ روز که این مدت با اجماع کلیه طرفین قابل تمدید است، فرصت خواهند داشت موضوع را حل و فصل نمایند اگرچه این امکان فراهم است که پس از بررسی کمیسیون مشترک به موازات یا به جای ورود کمیسیون وزرای امور خارجه به درخواست عضو شاکی یا عضوی که اجرای تکالیفش مورد سؤال بوده، موضوع توسط یک هیأت مشورتی سه نفره یک عضو به انتخاب هر یک از طرفین اختلاف و یک عضو مستقل بررسی شود این هیأت می‌تواند نظر غیر الزام‌آوری را در مدت ۱۵ روز درخصوص پایبندی به تعهدات اعلام نماید (موسوی‌فر، ۱۴۰۰).

چنانچه در پی این مدت ۳۰ روزه اختلاف حل و فصل نشد کمیسیون مشترک به مدت ۵ روز نظریه غیر الزام آور هیأت مشورتی را بررسی خواهد کرد و چنانچه موضوع همچنان به نحو مورد رضایت طرف شاکی فیصله نیافته باشد، معتقد و وی به آن باشد که موضوع مصداق عدم پایبندی اساسی به تعهدات است، آنگاه شاکی می‌تواند موضوع را به عنوان مبنای توقف کلی

یا جزیی اجرای تعهداتش وفق برجام قلمداد کرده یا بنابراین اعتقاد که موضوع مصداق عدم پایبندی اساسی به شمار می‌آید مسأله را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع نماید (عابدینی، ۱۳۹۶).

در ادامه این روند متعاقب دریافت ابلاغ طرف شاکی به نحو مذکور در فوق، به همراه شرحی از تلاش‌های همراه با حسن نیت آن طرف برای طی فرآیند حل و فصل اختلاف پیش بینی شده در برجام شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌بایست درخصوص قطع‌نامه‌ای برای تمدید لغو تحریم‌ها رأی‌گیری نماید و زمانی که چنین قطع‌نامه‌ای ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ به تصویب نرسد آنگاه مفاد قطع‌نامه‌های سابق شورای امنیت سازمان ملل متحد مجدداً اعمال خواهند شد مگر آنکه این شورا به نحوی دیگر تصمیم‌گیری نماید. (عابدینی، ۱۳۹۶).

چکیده این روند در بندهای ۱۱ و ۱۲ قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، که برجام را مورد تأیید قرار داده به شرح ذیل ملحوظ شده است

هرگاه یکی از «کشورهای مشارکت‌کننده در برجام» معتقد به نقض اساسی تعهدات یکی دیگر از طرفین برجام، باشد شورای امنیت ظرف ۳۰ روز از دریافت ابلاغیه دولت مدعی نقض، تمدید لغو تحریم‌های شورای امنیت را به رأی می‌گذارد و اگر در مهلت ۱۰ روز از ابلاغیه ذکر شده هیچ یک از اعضای شورای امنیت پیش‌نویس چنین قطع‌نامه‌ای را برای رأی‌گیری ارائه نکند رئیس شورا موظف خواهد بود تا پیش‌نویس قطع‌نامه را تهیه کرده و نهایتاً در مدت ۳۰ روز از تاریخ ابلاغیه مذکور آن را به رأی گذارد و شورا، قصد خود مبنی بر در نظر گرفتن دیدگاه‌های دولت‌های درگیر را در موضوع و هر نظریه هیأت مشورتی موجود در

می‌توانند هر قطعنامه جدیدی را وتو کنند و مانع از صدور آن شوند (موسوی‌فر، ۱۴۰۰)

امکان‌سنجی استفاده از مکانیسم ماشه از دیدگاه اعضای برجام

دولت آمریکا با صدور فرمان ریاست جمهوری این کشور تحت عنوان «توقف مشارکت آمریکا در «برجام» در تاریخ ۸ می ۲۰۱۸ (یادداشت‌های ریاست جمهوری، ۲۰۱۸) به طور رسمی از برجام خارج شد و متعاقب آن تحریم‌های یک جانبه معلق شده طبق برجام را مجدداً علیه ایران فعال و قوانین تحریمی جدیدی وضع کرد. در همین راستا آمریکا به منظور تشدید اعمال سیاست فشار حداکثری خواستار فعال ساختن مکانیسم ماشه به ادعای عدم پایبندی اساسی کشور ایران نسبت به برجام شده است از این رو، در خصوص آنکه آیا اساساً امکان فعال کردن مکانیسم ماشه از سوی آمریکا فراهم است یا خیر، دو دیدگاه مطرح گشته است

۱- دیدگاه نخست که توسط دولت آمریکا پیگیری شده و در ابلاغیه این دولت به شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح گشته است بر این نکته تأکید می‌نماید که صرف نظر از ماهیت مستقل برجام به عنوان یک سند بین‌المللی به دلیل آنکه برجام به قطعنامه شورای امنیت پیوست شده قابلیت اجرایی مکانیسم ماشه را می‌بایست از منظر قطعنامه فوق نگریست بنابراین استدلال از آنجا که آمریکا عضو دائم شورای امنیت به شمار می‌آید و نام این کشور در بند ۱۰ قطعنامه شورای امنیت به عنوان کشور مشارکت کننده در برجام آمده است پس می‌تواند روند مکانیسم ماشه مندرج در بندهای ۱۱ و ۱۲ قطع نامه را آغاز نماید به عبارت بهتر ادعای آمریکا برآمده از نوعی تفسیر شکلی قطعنامه شورای امنیت تلقی می‌شود آن هم بدون توجه به مفاد

برجام در خصوص موضوع ابراز می‌دارد (امینی، ۱۳۹۹). حتی در فرض عدم تصویب این قطعنامه در شورا تمام مفاد قطع نامه‌های پیشین شورای امنیت علیه برنامه هسته‌ای ایران با گذشت ۳۰ روز از تاریخ صدور آن ابلاغیه به وقت گرینویچ بازگشته و به همان رویه پیشین اعمال می‌شوند؛ مگر اینکه شورای امنیت به گونه‌ای دیگر تصمیم‌گیری نماید (امینی، ۱۳۹۹)

به این فرآیند که هم ذیل برجام و هم در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت مطرح گشته بازگشت خودکار تحریم‌های ایران یا در اصطلاح «مکانیسم ماشه» گفته می‌شود که به نظر میرسد ضمانت اجرایی برای عدم پایبندی «ایران به تعهدات برجامی خود می‌باشد. لازم به ذکر است ذیل بند ۳۷ برجام مقرر شده ایران بیان داشته است که چنانچه تحریم‌ها، جزئاً یا کلاً مجدداً اعمال شوند ایران این امر را به منزله زمینه‌ای برای توقف کلی یا جزئی تعهدات خود وفق این برجام قلمداد خواهد نمود». (عابدینی، ۱۳۹۶).

جایگاه حقوقی مکانیزم ماشه

این ساز و کار بر پایه متن قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت بنا شده است. مطابق این قطعنامه، لازم نیست تمام اعضای شورای امنیت برای بازگشت تحریم‌ها رأی مثبت دهند؛ بلکه صرفاً کافی است یکی از اعضای دائم شورا ادعای «عدم پایبندی اساسی» ایران را مطرح کند وقتی این ادعا ارائه شد، مکانیزم ماشه آغاز به کار می‌کند و پس از گذشت یک دوره زمانی مشخص (معمولاً ۳۰ روز)، تحریم‌ها به طور خودکار دوباره برقرار می‌شوند، مگر اینکه شورای امنیت قطعنامه جدیدی در رد این درخواست صادر کند

در این میان، اعضای دائم (پنج کشور دارای حق وتو)

آن یعنی اشاره به برجام به عنوان یک سند مستقل که مکانیسم ماشه در چارچوب خاص آن و نه قطع نامه شورای امنیت قابلیت اجرایی دارد (موسوی فر، ۱۴۰۰). بر مبنای این نظر حتی اگر بر سر تفسیر قطع نامه، ۲۲۳۱ اختلافی بین اعضای شورای امنیت که برخی از آنها در برجام مشارکت دارند پیش آید بر مبنای این اصل که بهترین مرجع تفسیر نهاد صادر کننده آن است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۲)

موضوع باید به شورای امنیت ارجاع شود اما اینکه تفسیر قطع نامه شورای امنیت امری شکلی است که اتخاذ تصمیم در آن تابع نظام رأی گیری بدون حق و تو بوده یا امری ماهوی است که نیازمند اکثریت ۹ رأی از ۱۵ رأی شورای امنیت و لزوم وجود ۵ رأی مثبت اعضای دائم می باشد خود امری ماهوی به شمار می آید؛ بنابراین در این تصمیم گیری اگر نظر اکثریت اعضا بر این باشد که چنین تفسیری امری شکلی است آمریکا به دلیل داشتن حق وتو میتواند آن را رد نماید. در مرحله دوم لازم است کشورهای عضو شورای امنیت به تفسیر اصطلاح کشور مشارکت کننده اقدام نمایند که به دلیل ماهوی شناخته شدن این تصمیم گیری در مرحله نخست، مجدداً آمریکا حق وتو داشته و می تواند نظر سایرین را رد کرده و دیدگاه خود مبنی بر اختیار خود برای فعال سازی مکانیسم ماشه را مستولی سازد (موسوی فر، ۱۴۰۰).

۲- دیدگاه دوم که از سوی ایران و دیگر کشورهای عضو برجام اظهار شده، مبتنی بر آن است که کشور آمریکا دو سال پیش از این از برجام خارج شده و چون مشمول عنوان «کشور مشارکت کننده در برجام نیست؛ بنابراین توان آغاز این رویه را نداشته و اساساً لازم نیست

شورای امنیت به این درخواست آمریکا واقعی نهد. مبنای اختلافات طرفین برجام در مشروعیت یا عدم مشروعیت اقدام آمریکا برای فعال ساختن مکانیسم پیش گفته در دو موضوع اساسی خلاصه می شود

نخست آن که آمریکا معتقد به آن است که برجام معاهده نیست و صرفاً یک سند واجد تعهدات سیاسی بوده که هر زمان امکان خروج از آن وجود دارد

استدلال دوم اینکه براساس معنای معمول بند ۱۰ قطع نامه شورای امنیت که نام آمریکا به عنوان عضو مشارکت کننده در «برجام» آمده است این کشور حتی به فرض خروج از برجام می تواند سازوکار ماشه را فعال نماید نکته مهم آنکه احتمال توسل آمریکا به مکانیسم ماشه با عدم استقبال شرکای اروپایی این کشور در برجام مواجه شده است (موسوی فر، ۱۴۰۰)

مکانیسم ماشه و بازگشت خودکار تحریم ها

مکانیسم ماشه در راستای حل اختلاف پیش بینی شده در برجام، فرآیندی است که اگر یکی از طرف های برجام به این جمع بندی برسد که طرف دیگر به تعهدات ذکر شده در این توافق پایبند نیست، می تواند به کمیسیون مشترک شکایت کند. سازوکار ماشه یا سازوکار رسیدگی به اختلاف در برجام با اصرار آمریکایی ها در این توافق نامه گنجانده شده، تا به ادعای آنها، اگر ایران از برجام سرپیچی کرد، تحریم هایی بین المللی که با برجام، برچیده شده، دوباره بتوان بازگرداند یا بازگشت خودکار سریع اسنپک (Snapback) اتفاق می افتد (عابدینی، ۱۳۹۶)

سازوکار ماشه، که در بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام پیش بینی شده، هنگامی فعال می شود که یکی از

تحریم‌ها هم می‌گویند. نکته مهم این ساز و کار، این است که بازگشت تحریم‌ها، قابل و تو نیست بلکه «عدم بازگشت تحریم‌ها» قابلیت و تو دارد. یعنی رای گیری برای «بازگشت تحریم‌ها» انجام نمی‌شود بلکه برای «ادامه تعلیق تحریم‌ها» انجام می‌شود که حتی اگر شورا به آن رای ندهد، یک عضو دارای حق و تو می‌تواند رای را و تو کرده و عملاً تحریم‌ها بازگردند

به کار افتادن سازوکار حل اختلاف، یا مکانیسم ماشه، می‌تواند تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را بازگرداند و همه قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت بار دیگر برای همه کشورهای عضو سازمان لازم‌الاجرا شود (عابدینی، ۱۳۹۶)

دلایل گنجاندن این سازوکار در توافق

دلایل گنجاندن مکانیسم ماشه در توافقات بین‌المللی، به‌ویژه در برجام، به چندین عامل اساسی بازمی‌گردد. نخستین دلیل، ایجاد اطمینان و تضمین به طرف‌های توافق بود تا در صورت نقض تعهدات، امکان بازگشت سریع و مؤثر تحریم‌ها وجود داشته باشد (IAEA).

طرف‌های برجام، اعتراض کند که طرف مقابل، به برجام متعهد نمانده است و باید این شکایت در کمیسیونی که در چارچوب برجام و با هدف نظارت بر اجرای آن تاسیس شده است بررسی شود. اگر در بازه زمانی ۳۵ روزه، موضوع شکایت آنگونه که شاکی می‌خواهد حل و بررسی نشود، شاکی می‌تواند موضوع حل نشده را به عنوان دلیلی برای توقف اجرای تعهدات برجام در نظر بگیرد. همچنین شاکی می‌تواند با آگاه‌سازی شورای امنیت سازمان ملل درباره حل نشدن موضوع شکایت، عدم اجرای چشمگیر آن را متضمن شود

پس از آن، شورای امنیت نیز ۳۰ روز فرصت دارد تا درباره استمرار تعلیق تحریم‌ها یا بازگرداندن آنها قطعنامه صادر کند. اگر در این مدت، شورای امنیت نتواند در این زمینه قطعنامه صادر کند، تمام تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل که قبل از برجام برقرار شده بودند، به طور اتوماتیک بازمی‌گردند (عابدینی، ۱۳۹۶)

به این ساز و کار، مکانیسم ماشه یا بازگشت سریع



۲۰۱۵). این سازوکار همچنین به عنوان یک ابزار فشار برای جلوگیری از نقض توافق توسط یکی از طرفین طراحی شده بود (Berman, ۲۰۱۶). از سوی دیگر، مکانیزم ماشه به عنوان ابزاری برای حفظ تعادل میان طرف‌های مختلف برجام عمل می‌کرد و به کشورهای امضاکننده این اطمینان را می‌داد که در صورت عدم پایبندی به تعهدات، بازگشت به شرایط پیشین (تحریم‌ها) ممکن خواهد بود (UNSC, ۲۰۱۵). علاوه بر این، این سازوکار به عنوان یک عنصر بازدارنده، فشار روانی و سیاسی زیادی به کشورهایی که ممکن بود از توافق خارج شوند، وارد می‌آورد و به همین دلیل در راستای حفظ انسجام توافق برجام گنجانده شد (Fergusson, ۲۰۱۷).

نقش آفرینی بازیگران کلیدی

۱. ایالات متحده آمریکا

• آمریکا با خروج از برجام در سال ۲۰۱۸ تلاش کرد مکانیزم ماشه را فعال کند تا تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را دوباره برقرار سازد (Katzman, ۲۰۱۹). این اقدام به‌ویژه از آن جهت اهمیت داشت که آمریکا می‌توانست با اعمال فشار اقتصادی و دیپلماتیک، ایران را به پذیرش شرایط جدید وادار کند.

۲. جمهوری اسلامی ایران

• ایران با واکنش‌های دیپلماتیک و کاهش تدریجی تعهدات هسته‌ای خود، مخالف فعال‌سازی مکانیزم ماشه بود. ایران نگرانی‌های جدی از تبدیل شدن این مکانیزم به ابزاری برای اعمال فشار و بازگشت سریع تحریم‌ها داشت (Zarif, ۲۰۱۵).

۳. اتحادیه اروپا

• اتحادیه اروپا به عنوان یکی از طرف‌های اصلی برجام، همواره تلاش کرد توافق هسته‌ای را حفظ کند و از بازگشت تحریم‌ها جلوگیری نماید. این اتحادیه برای مقابله با تهدید فعال‌سازی مکانیزم ماشه، سازوکارهای اقتصادی برای تسهیل روابط با ایران را پیشنهاد کرد (External European Service Action, ۲۰۲۰).

۴. چین و روسیه

• چین و روسیه با توجه به منافع اقتصادی و ژئوپولیتیکی خود در منطقه، از ایران حمایت کردند و مخالف فعال‌سازی مکانیزم ماشه بودند. این دو کشور خواهان حفظ توافق برجام و جلوگیری از بازگشت تحریم‌ها بودند (Lanteigne, ۲۰۱۹).

ارزیابی تأثیرات مکانیزم ماشه بر امنیت منطقه‌ای اقتصادی جهانی

۱. تأثیرات امنیتی بر منطقه خاورمیانه

• فعال‌سازی مکانیزم ماشه در برجام می‌تواند منجر به افزایش تنش‌ها و بحران‌ها در منطقه خاورمیانه شود. بازگشت تحریم‌ها علیه ایران باعث تشدید رقابت‌های منطقه‌ای و افزایش بی‌ثباتی می‌شود. ایران ممکن است به‌ویژه در



دیگر را از مشارکت در توافقات مشابه در آینده
منصرف کند (Lanteigne, ۲۰۱۹).

۵. تأثیرات بر آینده توافقات بین‌المللی

- فعال‌سازی مکانیزم ماشه می‌تواند اثرات منفی طولانی‌مدتی بر آینده توافقات هسته‌ای و غیرهسته‌ای بگذارد. کشورهای دیگر ممکن است از انعقاد توافقات مشابه با ایالات متحده یا دیگر کشورهای غربی اجتناب کنند، چرا که این مکانیزم به عنوان یک ابزار فشار و تهدید به‌ویژه در توافقات بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Meyer, ۲۰۱۶).

این ارزیابی تأثیرات مکانیزم ماشه بر امنیت منطقه‌ای و اقتصادی جهانی نشان می‌دهد که این مکانیزم نه تنها تأثیرات امنیتی و اقتصادی مستقیم بر ایران و کشورهای منطقه دارد، بلکه می‌تواند بر روابط بین‌المللی و آینده توافقات هسته‌ای نیز تأثیرگذار باشد.

تأثیرات اقتصادی و سیاسی مکانیزم ماشه بر ایران



روابط خود با کشورهای همسایه، از جمله عربستان سعودی و اسرائیل، دست به اقدامات متقابل بزند که ممکن است به افزایش درگیری‌ها منجر شود (Katzman, ۲۰۱۹).

۲. تأثیرات بر امنیت انرژی جهانی

- ایران به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان نفت و گاز در خلیج فارس، هر گونه تنش در این منطقه می‌تواند تأثیرات عمده‌ای بر قیمت‌های جهانی انرژی بگذارد. فعال‌سازی مکانیزم ماشه و بازگشت تحریم‌ها می‌تواند صادرات نفت ایران را محدود کرده و منجر به نوسانات شدید در بازار جهانی انرژی شود (Zarif, ۲۰۱۵).

۳. تأثیرات اقتصادی جهانی

- در صورت فعال‌سازی مکانیزم ماشه و بازگشت تحریم‌ها، اقتصاد ایران با بحران‌های شدیدتری مواجه خواهد شد که به نوبه خود می‌تواند تأثیرات منفی بر تجارت جهانی داشته باشد. این وضعیت ممکن است کشورهای دیگر را نیز تحت فشار قرار دهد، به‌ویژه در زمینه‌های تجاری و مالی، چرا که بسیاری از شرکت‌ها و کشورهای غربی و شرقی از تعامل اقتصادی با ایران به دلیل تحریم‌ها خودداری خواهند کرد (Fergusson, ۲۰۱۷).

۴. تأثیرات بر روابط بین‌المللی و دیپلماسی

- مکانیزم ماشه نه تنها بر امنیت منطقه‌ای و اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند روابط بین‌المللی را نیز دچار تغییرات عمده‌ای کند. فعال‌سازی این مکانیزم می‌تواند اعتماد به سازوکارهای دیپلماتیک چندجانبه را کاهش دهد و ممکن است کشورهای

الف) تأثیرات اقتصادی مکانیسم ماشه

۱. بازگشت تحریم‌های شورای امنیت: از سرگیری تحریم‌های بین‌المللی مخصوصاً در حوزه بانکی، نفتی و کشتیرانی، تأثیرات جدی بر اقتصاد ایران می‌گذارد. شرکت‌های خارجی از ترس مجازات‌های سازمان ملل و نیز محدودیت‌های بانکی، از همکاری با ایران صرف‌نظر می‌کنند.
۲. سقوط ارزش پول ملی: با اعلام خبر احتمالی فعال‌سازی مکانیزم ماشه، کاهش اعتماد به آینده اقتصادی ایران می‌تواند منجر به افزایش نرخ ارزهای خارجی و تنزل ارزش ریال شود.
۳. کنار رفتن شرکت‌های خارجی: سرمایه‌گذارهای بین‌المللی به دلیل عدم اطمینان از ثبات قانونی و خطر تحریم، تمایلی به ورود به بازار ایران نخواهند داشت.

ب) تأثیرات سیاسی مکانیسم ماشه

۱. تضعیف جناح‌های میانه‌رو: فعال‌سازی مکانیزم ماشه، اعتبار جریان‌های سیاسی‌ای را که طرفدار مذاکره و برجام بوده‌اند، تضعیف می‌کند.
۲. تقویت نگاه بی‌اعتماد: ممکن است باعث تقویت این روایت شود که «غرب قابل اعتماد نیست» و بدین ترتیب منجر به تقویت سیاست‌های مقاومت در برابر غرب گردد.
۳. انزوای دیپلماتیک یا ائتلاف‌های جدید؟: چنانچه مکانیزم ماشه بدون توافق سایر اعضای برجام اعمال شود، ممکن است ایران سیاست‌های بین‌المللی خود را به سمت شرکایی نظیر روسیه و چین سوق دهد و به سمت ائتلاف‌ها و همکاری‌های اقتصادی-نظامی

جدید حرکت کند.

مراحل فعال‌سازی مکانیسم ماشه

مراحل فعال‌سازی مکانیسم ماشه در ۶ سطح مختلف صورت می‌گیرد که در ادامه آنها را مرور می‌کنیم:

۱- اعلام عدم پایبندی

اگر یکی از طرف‌های برجام معتقد باشد که ایران به تعهدات خود عمل نمی‌کند، می‌تواند این موضوع را به کمیسیون مشترک برجام ارجاع دهد

۲ - بررسی در کمیسیون مشترک

کمیسیون مشترک، متشکل از نمایندگان همه طرف‌های برجام، ظرف ۱۵ روز موضوع را بررسی می‌کند. این مدت با توافق طرفین قابل تمدید است

۳ - ارجاع به وزرای خارجه

اگر کمیسیون مشترک نتواند مسئله را حل کند، موضوع به وزرای خارجه کشورهای عضو برجام ارجاع می‌شود که آنها نیز ۱۵ روز برای حل اختلاف فرصت دارند

۴ - تشکیل هیئت مشورتی

در صورت عدم توافق در سطح وزرا، هیئتی سه‌نفره شامل نماینده کشورمدعی، نماینده مقابل و یک عضو بی‌طرف تشکیل می‌شود تا ظرف ۱۵ روز نظر مشورتی ارائه دهد

۵ - ارجاع به شورای امنیت

اگر اختلاف همچنان باقی بماند، شاکی می‌تواند موضوع را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد. شورای امنیت ۳۰ روز فرصت دارد تا درباره ادامه تعلیق تحریم‌ها تصمیم‌گیری کند. به عبارت دیگر موضوع اینجا صدور قطعنامه یا تحریم‌های جدید نیست بلکه مسئله «ادامه تعلیق تحریم‌ها» که مطابق با قطعنامه

مؤثر در آن نشان می‌دهد که این سازوکار، صرفاً یک ابزار حقوقی محدود در بستر توافق‌نامه‌ها نیست، بلکه ابزاری سیاسی و راهبردی در مناسبات بین‌المللی به شمار می‌آید که می‌تواند منافع بازیگران مختلف را در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی تحت‌تأثیر قرار دهد. مکانیزم ماشه، به‌ویژه در قالب توافق‌نامه‌هایی چون برجام، به عنوان ابزاری برای بازگشت سریع تحریم‌ها طراحی شد تا کشورها بتوانند در صورت نقض تعهدات از سوی یکی از طرفین، به‌صورت یک‌جانبه یا چندجانبه اقدام کنند. با این حال، تجربه اجرایی آن نشان داده است که میزان اثربخشی این مکانیزم تا حد زیادی وابسته به توازن قوا، اجماع سیاسی و منافع متضاد یا مشترک قدرت‌های جهانی است.

در طول سال‌های گذشته، مکانیزم ماشه از یک ابزار صرفاً حقوقی به یک عامل تهدیدآمیز با ماهیت سیاسی تبدیل شده است؛ چرا که بازیگران اصلی، به‌ویژه اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، از آن به عنوان اهرمی برای فشار و چانه‌زنی در تعاملات دیپلماتیک استفاده کرده‌اند. ایالات متحده آمریکا، پس از خروج از برجام، تلاش کرد تا با تفسیر خاص خود از مفاد توافق‌نامه و قطعنامه ۲۲۳۱، مجدداً از مکانیزم ماشه بهره گیرد. این اقدام با واکنش منفی سایر اعضای برجام مواجه شد، چرا که از منظر حقوقی، کشوری که از توافق خارج شده، صلاحیت بهره‌برداری از سازوکارهای درون‌توافق را ندارد.

این وضعیت، خود به‌خوبی نشان داد که مکانیزم ماشه نه‌تنها در معرض تفسیرهای گوناگون حقوقی است، بلکه تابعی از اراده و نفوذ سیاسی کشورها نیز محسوب می‌شود. در نتیجه، میزان تأثیرگذاری آن بر حفظ یا بازگرداندن تحریم‌ها، بیش از آنکه ناشی از نص صریح

۲۲۳۱ اجرایی شده به رای گذاشته می‌شود.

۶- بازگشت تحریم‌ها

در صورتی که مانند سال ۲۰۲۰ کشورهای عضو شورا به ادامه این تعلیق رای مثبت دهند، در آن صورت مکانیزم ماشه فعال نخواهد شد اما اگر رای بیاورد، دیگر آن قطعنامه کنار می‌رود و تمام تحریم‌هایی که بر اساس آن قطعنامه لغو شده بودند نیز دوباره فعال می‌شوند.

نگرانی‌ها و چالش‌های مطرح شده توسط طرفین مذاکره

در مذاکرات برجام، طرفین با نگرانی‌ها و چالش‌های متعددی روبرو بودند. برای جمهوری اسلامی ایران، نگرانی اصلی مربوط به حفظ حقوق هسته‌ای و جلوگیری از محدودیت‌های غیرمنصفانه در برنامه هسته‌ای کشور بود (Katzman, ۲۰۱۹). علاوه بر این، ایران نگران این بود که لغو تحریم‌ها به‌طور کامل و مؤثر اجرا نشود. (Zarif, ۲۰۱۵) ایالات متحده آمریکا نیز نگرانی‌هایی در خصوص نظارت و راستی‌آزمایی دقیق فعالیت‌های هسته‌ای ایران داشت و تأکید داشت که مکانیزم‌های نظارتی باید به‌طور مؤثری پیاده‌سازی شوند (Kahl, ۲۰۱۶). آمریکا همچنین از احتمال دور زدن تحریم‌ها و عدم پایبندی ایران به توافق می‌ترسید (Hersh, ۲۰۱۵). اتحادیه اروپا بر حفظ توافق و جلوگیری از بحران‌های ژئوپولیتیکی تأکید داشت و نگران بود که شکست برجام منجر به افزایش تنش‌ها در منطقه شود. چالش دیگری که طرفین با آن روبرو بودند، مربوط به گنجانیدن مکانیزم ماشه بود که ایران آن را تهدیدی برای منافع ملی خود می‌دید (Meyer, ۲۰۱۶).

نتیجه‌گیری

بررسی عملکرد مکانیزم ماشه و نقش‌آفرینی بازیگران

بررسی روندهای موجود نشان می‌دهد که موفقیت یا شکست مکانیزم ماشه نه به‌طور مطلق به درستی یا نادرستی اجرای تعهدات برمی‌گردد، بلکه به میزان نفوذ، قدرت اقناع و ابزارهای فشار کشورها بستگی دارد. در چنین فضایی، قواعد حقوق بین‌الملل تنها زمانی اثربخش خواهند بود که پشتوانه سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی لازم را دارا باشند. به بیان دیگر، مکانیزم ماشه، گرچه در ظاهر بر پایه اصول حقوقی بنا شده، در عمل به ابزاری برای توازن قوا و اعمال نفوذ تبدیل شده است.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که کارکرد مکانیزم ماشه در نظام بین‌الملل پیچیده‌تر از آن است که صرفاً در چارچوب متون توافق‌نامه‌ای ارزیابی شود. این سازوکار، در عین حال که می‌تواند به حفظ نظم و جلوگیری از نقض تعهدات کمک کند، در صورتی که به‌درستی اجرا نشود یا ابزاری برای یک‌جانبه‌گرایی قرار گیرد، خود به عاملی برای بی‌ثباتی بیشتر بدل خواهد شد. از این رو، طراحی، تفسیر و به‌کارگیری این مکانیزم نیازمند دقت حقوقی، عقلانیت سیاسی و اجماع بین‌المللی است.

توافق‌نامه باشد، به چگونگی تعاملات سیاسی در سطح بین‌الملل وابسته است. در این راستا، عملکرد کشورهای چون روسیه و چین نیز حائز اهمیت است. این دو کشور، با وجود مخالفت با رویکرد آمریکا، در برخی برهه‌ها کوشیدند تا موضعی میانه اتخاذ کرده و از تقابل آشکار با واشنگتن پرهیز کنند. چنین رویکردهایی نشان می‌دهد که منافع ملی و راهبردی هر کشور در مواجهه با موضوعات پیچیده‌ای همچون مکانیزم ماشه، نقش تعیین‌کننده دارد.

از سوی دیگر، اتحادیه اروپا نیز به عنوان یکی از طرف‌های کلیدی برجام، در مواجهه با تهدید به فعال‌سازی مکانیزم ماشه تلاش کرده است تا ضمن حفظ توافق، از ایجاد بحران بیشتر جلوگیری کند. این نهاد، با به‌کارگیری دیپلماسی فعال و پیشنهاد راه‌حل‌هایی چون اینستکس، نشان داد که مسیرهای جایگزین برای مواجهه با بحران‌های ناشی از تهدید به بازگشت تحریم‌ها وجود دارد. با این حال، محدودیت‌ها و شکاف‌های درون اتحادیه اروپا نیز سبب شد تا این راهکارها از کارایی بالایی برخوردار نباشند.



منابع و مآخذ

۱. موسوی فر، سید حسین، (۱۴۰۰)، امکان سنجی اعمال مکانیسم ماشه برجام توسط آمریکا از منظر حقوق بین الملل، نشریه علمی آفاق امنیت.
۲. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۲)، حقوق معاهدات بین المللی، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۳. امینی، اعظم، (۱۳۹۹)، ایالات متحده آمریکا و استناد به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل برای استفاده از مکانیسم ماشه، تالار گفت و گوی تخصصی حقوقی و سیاسی بین المللی، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
۴. عابدینی، عبدالله، (۱۳۹۶)، اصول حاکم بر تفسیر قطعنامه های شورای امنیت، فصلنامه تحقیقات حقوقی.
۵. Berman, L. (۲۰۱۶). Deal Iran the in Sanctions Snapback the of Mechanism The. Quarterly Washington.
۶. European External Action Service (۲۰۲۰). Nuclear Iran the to Approach s«EU The. Deal Union European.
۷. Fergusson, I. (۲۰۱۷). Study Case A :Treaties International in Mechanisms of Role The. Deal Nuclear Iran the of Journal Relations International.
۸. Hersh, S. (۲۰۱۵). Yorker New The. Implications Its and Deal Iran The.
۹. IAEA. (۲۰۱۵). Energy Atomic International. Action of Plan Comprehensive Joint. Agency.
۱۰. Kahl, C. (۲۰۱۶). International. Beyond and Deal Nuclear The :Iran and S.U The. Journal Security.
۱۱. Katzman, K. (۲۰۱۹). Congressional. Look Detailed A :Agreement Nuclear Iran. Service Research.
۱۲. Lanteigne, M. (۲۰۱۹). International. Deal Nuclear Iran the and ,Russia ,China. Journal Politics.
۱۳. Meyer, C. (۲۰۱۶). European. Negotiations Nuclear Iran the in Role s«EU The. Relations International of Journal.
۱۴. UNSC. (۲۰۱۵). Security Nations United. ۲۲۳۱ Resolution Council Security UN. Council.
۱۵. Zarif, M. (۲۰۱۵). Foreign. Efforts Diplomatic and Negotiations Key :Deal Iran The. Affairs.

«از مخالفت تا موافقت: مذاکرات، چرا اکنون؟»

فاطمه کاظم‌زاده

دانشجوی مقطع کارشناسی رشته فیزیک دانشگاه شهید بهشتی

و انسانی، نیازمند تدبیر متفاوتی شده است

در نظامی مبتنی بر ولایت فقیه، اطاعت از ولی فقیه به معنای اعتماد به نگاهی ژرف‌تر و تحلیلی فراگیرتر از برداشت‌های روزمره ماست؛ نگاهی که با اشرافی چندلایه بر منافع ملی، معادلات بین‌المللی و ظرفیت‌های درونی کشور، مسیر را نه براساس احساسات یا فشارهای لحظه‌ای، بلکه بر پایه‌ی تشخیص مصالح بلندمدت و پایدار، ترسیم می‌کند

امروز، وقتی رهبر حکیم انقلاب اسلامی — با آن پیشینه‌ی مستمر در نقد بی‌اعتمادی به نظام سلطه — اکنون از «مذاکره با حفظ عزت و از موضع قدرت» سخن می‌گویند، باید این موضع را جلوه‌ای از عقلانیت متعهدانه دانست؛ عقلانیتی که همواره مصالح امت را در نسبت با واقعیت‌ها و شرایط، بازتنظیم می‌کند

در چنین بزنگاه‌هایی، وظیفه‌ی ما نه پیش‌داوری درباره تصمیمات کلان، بلکه اعتماد به نگاهی است که با طمأنینه و دور از هیاهو، مصلحت کشور را در نظر دارد. اطاعت از ولی فقیه در این موقعیت، نه تنها یک وظیفه‌ی شرعی، بلکه عین عقلانیت راهبردی است

در مسیر پر پیچ و خم سیاست، گاه تصمیماتی اتخاذ می‌شود که در نگاه نخست برای برخی پرسش برانگیز یا حتی متعارض با مواضع پیشین به نظر می‌رسد. در هفته‌های اخیر که موضوع مذاکرات سیاسی بار دیگر به یکی از محورهای اصلی گفت و گو در فضای عمومی و رسانه‌ای کشور تبدیل شده، تحلیل‌ها، گمانه‌زنی‌ها و اظهار نظرهای متعددی درباره چشم‌انداز این مذاکرات، اهداف پشت پرده و مواضع احتمالی، لزوم بررسی دقیق‌تر این مسئله را یادآور می‌شود

در این میان، تغییر موضع نظام جمهوری اسلامی در قبال اصل مذاکره، یکی از پرسش‌های مهم و مورد توجه در فضای سیاسی و افکار عمومی است. فاصله زمانی کوتاه میان جمله‌ای همچون «با یک چنین دولتی مذاکره نباید کرد، مذاکره کردن عاقلانه نیست، هوشمندانه نیست، شرافتمندانه نیست» تا موافقت با اصل انجام مذاکره، این پرسش را در ذهن بسیاری ایجاد کرده که چرا اکنون؟

پاسخ در این نکته نهفته است که آنچه تغییر یافته، موضع اصولی نظام نیست، بلکه شرایط محیطی و اقتضائات زمانه است که در چارچوب همان اصول اسلامی

شد، بلکه با اعمال شدیدترین تحریم‌های اقتصادی، آشکارا در پی فلج کردن اقتصاد ایران و وادار ساختن تهران به تسلیم از طریق تهدید و دیکته کردن شروط بود.

خروج از برجام، علی‌رغم پایبندی کامل ایران به تعهدات خود طبق گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تحریم کامل بانک مرکزی، قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی، تحریم شرکت‌های خارجی طرف همکاری با ایران و در نهایت ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی - که نماد صریح سیاست قهر و حذف بود - همه، نمودهایی از این رفتار زورگویانه و فاقد منطق دیپلماتیک بودند.

در چنین فضایی، مذاکره معنا و کارکرد خود را از دست می‌دهد؛ چرا که اساس مذاکره، بر حداقلی از احترام متقابل و اعتماد بنا شده است. در غیر این صورت، مذاکره به جای آنکه ابزار حل اختلاف باشد، به اهرمی برای تحمیل فشار و اراده‌ی طرف زورگو تبدیل می‌شود.

در منظومه‌ی اندیشه‌ی دینی نیز، عقلانیت همواره متغیر با شرایط زمان و مکان است. همان‌گونه که در تاریخ نیز دیده‌ایم، راه حق همواره تنها در یک قالب بروز نمی‌یابد؛ در زمانی حسین بن علی (ع) قیام می‌کند و در زمانی دیگر، امام حسن (ع) صلح؛ و این دو نه متضاد، که دو وجه از یک حقیقت‌اند: حفظ دین و صیانت از جامعه‌ی مؤمنان در شرایط مختلف. در ادامه، به بررسی چند دلیل اصلی در توجیه تغییر عملکرد جمهوری اسلامی در زمینه‌ی مذاکرات پرداخته خواهد شد.

تغییر در شرایط بین‌المللی؛ تغییر معادلات قدرت در جهان:

یکی از مهم‌ترین دلایل مخالفت جمهوری اسلامی ایران با مذاکره در سال‌های گذشته، فضای فشار حداکثری و یک‌جانبه‌ای بود که در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ حاکم شد. سیاست «فشار حداکثری» ترامپ، نه تنها با خروج یک‌جانبه از برجام در سال ۲۰۱۸ آغاز



آن صرفاً ایستادگی نبوده، بلکه دستیابی به سطحی از قدرت بوده است که پیش شرط اثرگذاری و تحمیل شروط در تعاملات بین‌المللی محسوب می‌شود.

نمونه‌هایی از این بلوغ و واقع‌گرایی در عرصه‌های گوناگون قابل مشاهده است:

در حوزه هسته‌ای، پس از خروج آمریکا از برجام، ایران با اتخاذ «صبر استراتژیک» و طی چند ماه، با کاهش تدریجی تعهدات هسته‌ای خود، هم مشروعیت حقوقی‌اش را حفظ کرد و هم ظرفیت‌های چشمگیری در غنی‌سازی اورانیوم، تولید سانتریفیوژهای پیشرفته و فناوری‌های بومی ایجاد نمود؛ توانمندی‌هایی که برای غرب نگران‌کننده و برای ایران ابزاری مؤثر در چانه‌زنی محسوب می‌شوند.

در عرصه سیاست منطقه‌ای، حمایت از محور مقاومت

اما امروز، در پرتو تدبیر و مقاومت جمهوری اسلامی ایران و زیر سایه رهبری حکیمانه ولی‌فقیه، با وجود تداوم بسیاری از تحریم‌ها، فضای بین‌المللی دچار دگرگونی شده است. لحن و شیوه‌ی مواجهه با ایران تغییر یافته و دیگر خبری از آن اقتدار بلامنازع و تهدیدگر آمریکا نیست. تعاملات ایران با قدرت‌های شرقی همچون چین و روسیه، ابعاد جدیدی یافته و نظم جهانی نیز به‌سوی چندقطبی شدن پیش می‌رود. به‌گونه‌ای که حتی برخی کشورهای عربی منطقه نیز مسیر کاهش تنش با تهران را در پیش گرفته‌اند.

از این‌رو، اگرچه بدبینی نسبت به نیت واقعی غرب همچنان پابرجاست، اما تفاوت شرایط امروز با گذشته، امکان مذاکره‌ای هوشمندانه و عزتمندانه را فراهم کرده است؛ نه از موضع ضعف، بلکه با دست پر و در جهت تأمین منافع ملی.

نتیجه مقاومت و ایستادگی:

به برکت انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن، جمهوری اسلامی ایران از آغاز شکل‌گیری خود، اصل مقاومت در برابر سلطه‌طلبی قدرت‌های جهانی را سرلوحه سیاست خارجی‌اش قرار داده است. مقاومتی که پیش از انقلاب حتی در حد یک شعار هم مطرح نبود، در دهه‌های گذشته با همت ملت غیور ایران و سرداران فداکارش چنان به عرصه عمل درآمد که بسیاری از معادلات قدرت‌های جهانی را بر هم زد.

آنچه در سال‌های اخیر رخ داده، عبور از مقاومت احساسی به مقاومت عقلانی و راهبردی است؛ مقاومتی که هدف



جوان، همه اینها نشانگر وضعیت اقتصادی نابسامان و شکننده‌ای است که پیامدهای آن تنها محدود به اقتصاد نیست.

فشارهای معیشتی علاوه بر آسیب به بنیان‌های اقتصادی خانوار، بر مقبولیت عمومی سیاست‌ها و اعتماد مردم به کارآمدی نظام حکمرانی نیز تأثیرگذار است. این فشارها جنبه‌های روانی و اجتماعی جامعه را نیز هدف قرار داده‌اند؛ از جمله میل فزاینده به مهاجرت، افزایش آمار طلاق، شیوع افسردگی، رشد خشونت‌های خانوادگی و اجتماعی، و گسترش ناامیدی عمومی.

در چنین شرایطی، حاکمیت ناگزیر است در تاکتیک‌ها و ابزارهای خود بازنگری کند تا ضمن حفظ اصول، راه‌هایی برای کاهش آلام مردم بیابد. اکنون که فرصت‌هایی برای گشایش اقتصادی از مسیر مذاکرات محدود، هدفمند و عزتمندانه فراهم آمده است، عقلانیت حکم می‌کند که از این ابزار برای کاستن از رنج مردم و بهبود نسبی وضعیت اقتصادی استفاده شود.

پیشگیری از بهانه جویی؛ بازی هوشمندانه برای حفظ مشروعیت بین المللی

تجربه‌های آموزنده دهه‌های گذشته حاکی از آن است که در روابط بین‌الملل، حقانیت ذاتی کافی نیست و باید بتوان آن را در صحنه‌های جهانی اثبات و مستندسازی کرد. در صورت سکوت یا کنار کشیدن ایران از فرآیندهای حقوقی و دیپلماتیک، راه برای بهانه‌جویی دشمن باز می‌ماند.

در برخی شرایط، مذاکره نه ابزاری برای حل اختلافات

در لبنان، سوریه، عراق و یمن که زمانی صرفاً جنبه ایدئولوژیک داشت، امروز به دستاوردهای عینی امنیتی و ژئوپلیتیکی منتهی شده است. به گونه‌ای که ایران به بازیگری بدل شده که هیچ معادله‌ای در خاورمیانه بدون مشارکت و رضایت آن قابل حل نیست.

در حوزه سیاست خارجی کلان، ایران با اتخاذ رویکرد «نگاه به شرق» و بستن قراردادهای راهبردی با چین و روسیه، همچنین پیوستن به سازمان‌هایی مانند بریکس و شانگهای، مسیر خنثی‌سازی تحریم‌ها را به شکل عملیاتی پی گرفت. این تحولات باعث شد سیاست خارجی کشور از وابستگی صرف به غرب عبور کرده و با تنوع‌بخشی به شرکای سیاسی و اقتصادی، در مسیر استقلال راهبردی گام بردارد.

درک موقعیت اقتصادی-اجتماعی کشور؛ ضرورت‌های اقتصادی و معیشتی:

در جهان امروز، گرچه سیاست خارجی عموماً در سطح کلان و راهبردی تعیین می‌شود، اما در نظام جمهوری اسلامی، وضعیت معیشتی مردم از ارکان اصلی تصمیم‌سازی محسوب می‌گردد. اگر بتوان از مسیر مذاکرات، آن هم با حفظ اصول و خطوط قرمز، بخشی از فشارهای اقتصادی را کاهش داد، نمی‌توان نسبت به این امکان بی‌تفاوت بود.

امروزه کشور با شرایط دشواری مواجه است: تورم مزمن و بی‌سابقه، سقوط ارزش ریال، وابستگی شدید بودجه به منابع ناپایدار، ناتوانی دولت در تأمین هزینه‌ها بدون استقراض یا دامن زدن به تورم، افزایش روند مهاجرت نخبگان، و شکل‌گیری احساس ناامیدی در میان نسل

برای پیشرفت کشور است

برنده‌ی مذاکرات، با هر نتیجه‌ای، ملتی است که مذاکره را نه هدف نهایی یا تنها راه حل مسائل کشور، بلکه یکی از مؤلفه‌های راهبردی و مکمل در سیاست خارجی تلقی کند. دیپلماسی باید ضمن بهره‌گیری هوشمندانه از فرصت‌های مذاکرات، هم‌زمان بر تقویت ظرفیت‌های داخلی، توسعه‌ی روابط منطقه‌ای، جذب سرمایه‌گذار خارجی و دیگر محورهای پیشرفت تمرکز نماید

همچنین ضروری است تا با آموزش مناسب، عموم جامعه به علم مذاکرات واقف شده و آگاهی از بایدها و نبایدها و تبیین واکنش درست به مذاکرات در اولویت قرار گیرد. این آموزش‌های آینده‌نگر سبب می‌شود چنانچه مذاکرات به نتیجه‌ی مورد انتظار نینجامد، از یأس و ناامیدی در جامعه جلوگیری شود

و مشکلات، بلکه گاهی ابزاری برای بستن راه دروغ‌سازی و پرونده‌سازی است. حفظ موضع اخلاقی و حقوقی در برابر افکار عمومی، سرمایه‌ای نرم و بسیار تعیین‌کننده است.

در پرونده‌ی هسته‌ای سال ۲۰۰۳، ایران با وجود تعلیق داوطلبانه‌ی غنی‌سازی و همکاری در بازدید بازرسان سازمان انرژی اتمی از تأسیسات اتمی، با بدعهدی سه کشور اروپایی، یعنی انگلیس، آلمان و فرانسه روبه‌رو شد. با این حال، حضور فعال در مذاکرات و مستندسازی فنی از فعالیت‌ها، دست برتر را از منظر حقوقی به ایران تقدیم کرد

با وجود آن‌که مذاکرات بستری مناسب برای بهبود وضعیت کشور در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فراهم می‌آورد، اما وابستگی به رویکردی که تمام تمرکز و امید وزارت امور خارجه و افکار عمومی را متوجه این روند سازد، امری زیان‌بار و مخاطره‌آمیز



تحلیل تمدنی از مسئله‌ی فلسطین:

آیا قدس پایتخت وحدت تمدنی اسلامی است؟

هیئت تحریریه نشریه بصیرت

مقدمه

قدس در نگرش مسلمانان فقط یک شهر نیست، بلکه رمزآلودترین واژه‌ای است که خاطره‌ی وحدت امت اسلامی را در ذهن‌ها زنده می‌کند. امام خمینی (ره) به‌درستی روز جهانی قدس را «روز اسلام» نامید و آن را روز بیداری مسلمانان در برابر ظلم دانست. بدین ترتیب، قدس تبدیل به یک نماد تمدنی شد که فراتر از مرزهای جغرافیایی و تفاوت‌های مذهبی، همه‌ی مسلمانان را در یک صف واحد قرار می‌دهد. برای درک بهتر این جایگاه تمدنی، نخست باید به سابقه‌ی تاریخی و معنوی بیت‌المقدس در تمدن اسلامی نگاهی بیندازیم

جایگاه تمدنی بیت‌المقدس در تاریخ اسلام

بیت‌المقدس از آغاز تاریخ اسلام دارای شأن و قداست بی‌نظیری بوده است. این شهر قبله‌ی نخست مسلمانان و محل مسجدالاقصی است که در قرآن از آن به عنوان سرزمین مبارک یاد شده است. بر پایه‌ی منابع اسلامی، پیامبر اکرم (ص) در شب معراج از مسجدالحرام به مسجدالاقصی سیر کرد و از آنجا به معراج رفت. به همین دلیل قدس صرفاً یک شهر نیست، بلکه بخشی

مسئله فلسطین و سرنوشت بیت‌المقدس (قدس) سال‌هاست که به عنوان کانون توجه جهان اسلام و نمادی از رویارویی حق و باطل مطرح بوده است. با این حال می‌توان فراتر از نگاه‌های صرفاً سیاسی یا قومی، از منظری تمدنی به این مسئله نگریست. پرسش محوری این است که آیا قدس را می‌توان «پایتخت وحدت تمدنی اسلامی» دانست؟ به بیان دیگر، آیا بیت‌المقدس توانسته است عامل همبستگی ملت‌های مسلمان در یک چارچوب تمدنی مشترک باشد و نقشی فراتر از یک شهر یا یک منطقه‌ای ایفا کند؟ این نوشتار به صورت علمی و تحلیلی، با تکیه بر اندیشه‌های امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، این موضوع را واکاوی می‌کند. کوشش شده از زاویه‌هایی سخن گفته شود که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و در عین حال با گفتمان انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران همخوانی داشته باشد

نمایی از گنبد طلایی مسجد قبه‌الصخره در بیت‌المقدس (اورشلیم) که یادآور جایگاه مقدس و تمدنی این شهر برای مسلمانان است

از هویت تاریخی و ایمانی تمدن اسلامی است.

از زمان فتح بیت المقدس به دست مسلمانان در دوران خلیفه دوم (عمر بن خطاب) تا قرون متمادی بعد، این شهر یکی از کانون‌های شکوفایی تمدن اسلامی بود. حضور ادیان مختلف ابراهیمی در کنار هم و تحت حاکمیت مسلمانان، جلوه‌ای از تسامح و همزیستی تمدنی را به نمایش گذاشت. تاریخ گواه است که در دوره‌های اوج قدرت تمدن اسلامی، قدس شهری آباد و مرکز علم و معنویت برای مسلمانان و حتی پیروان دیگر ادیان بوده است. در مقابل، هرگاه جهان اسلام دچار ضعف و تفرقه شده، دشمنان از این فرصت برای تسلط بر قدس بهره برده‌اند - نظیر اشغال قدس در جنگ‌های صلیبی. اما مجدداً با اوج گرفتن غیرت دینی و وحدت مسلمانان (همان‌گونه که در زمان صلاح‌الدین ایوبی رخ داد) قدس آزاد شد و بار دیگر به دامن جهان اسلام بازگشت.

نمونه‌های تاریخی یادشده نشان می‌دهد که سرنوشت قدس، با عروج و افول تمدن اسلامی پیوندی تنگاتنگ دارد. به تعبیری، قدس آینه‌ای است که میزان قدرت، وحدت و حیات فرهنگی-دینی امت اسلامی را منعکس می‌سازد. از همین رو، تسلط بیگانگان بر قدس را نمی‌توان صرفاً یک اشغال سرزمینی تلقی کرد؛ بلکه این رویداد ضربه‌ای بوده است بر پیوستگی تاریخ و هویت تمدنی مسلمانان. چنانکه رهبر معظم انقلاب اسلامی تصریح کرده‌اند، تشکیل رژیم صهیونیستی و

اشغال فلسطین به منزله‌ی منقطع کردن تاریخ یک کانون مهم تمدنی در جهان اسلام بوده است. این بیان به روشنی جایگاه بی‌بدیل قدس را در پیکره‌ی تمدن اسلامی نشان می‌دهد.

مسئله‌ی فلسطین به مثابه‌ی یک چالش تمدنی

با درک اهمیت تمدنی بیت‌المقدس، می‌توان مسئله‌ی فلسطین را نه صرفاً یک مناقشه‌ی سیاسی یا اختلاف ارضی، بلکه یک چالش تمدنی برای جهان اسلام دانست. شکل‌گیری رژیم صهیونیستی در قلب سرزمین‌های اسلامی، آن هم پس از دوره‌ی استعمار و فروپاشی خلافت عثمانی، رویدادی نبود که صرفاً به فلسطین محدود بماند؛ بلکه تاثیری عمیق بر روان جمعی و هویت تاریخی امت اسلامی گذاشت. این مسئله چند ویژگی منحصر به فرد دارد که آن را به مهم‌ترین اولویت و آزمایشگاه وحدت امت اسلامی بدل کرده است.

- یک کشور با اکثریت مسلمان (فلسطین) به طور کامل غصب شد و به بیگانگانی سپرده شد که از گوشه و کنار دنیا گردآوری شده بودند تا یک جامعه‌ی جعلی و موزائیکی (اسرائیل) تشکیل دهند. این رویداد در تاریخ معاصر بی‌سابقه است.

بزرگ برای بشریت است و از پایگاه فلسطین اشغالی به عنوان سکویی برای گسترش نفوذ و سلطه‌ی خود در جهان بهره می‌برد. لذا ادامه‌ی حیات این رژیم صرفاً یک موضوع فلسطینی نیست بلکه با آینده‌ی اخلاقی و سیاسی جهان پیوند دارد.

• کشورهای اسلامی در طول دهه‌ها هزینه‌های انسانی و مالی سنگینی بابت این بحران پرداخته‌اند: از جنگ‌های مستقیم با اسرائیل گرفته تا بی‌ثباتی منطقه‌ای و مسابقه‌ی تسلیحاتی. ذهن و انرژی جهان اسلام ده‌ها سال درگیر مسئله‌ی فلسطین شده و میلیون‌ها آواره‌ی فلسطینی پس از هفت دهه هنوز در اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند.

• با اشغال فلسطین، ارتباط تاریخی یکی از مراکز مهم تمدن اسلامی قطع شده است. سرزمینی که قرن‌ها بخشی از جهان اسلام بود، از پیکره‌ی آن جدا گشته و بدین ترتیب تداوم فرهنگی-تاریخی امت اسلامی در این نقطه دچار گسست گردید. این نکته از منظر تمدنی اهمیت زیادی دارد؛ چرا که دشمنان با این کار قصد داشتند حافظه‌ی تاریخی مسلمانان را مخدوش و احساس هویت مشترک آنان را تضعیف کنند.

• این اشغالگری از آغاز تاکنون با شدیدترین جنایات، کشتار و ظلم همراه بوده است. قتل‌عام‌های مکرر، آوارگی میلیون‌ها فلسطینی و نقض مستمر حقوق انسانی آنان، چهره‌ی حقیقی این پروژه‌ی استعماری را آشکار می‌سازد.

• قبله‌ی اول مسلمانان (مسجدالاقصی) و بسیاری از مراکز مقدس دینی در این سرزمین مورد تهدید دائمی تخریب و اهانت قرار گرفته‌اند. هیچ‌یک از مقدسات اسلامی در امان نبوده و این برای عواطف دینی مسلمانان جهان جریحه‌ای عمیق است.

• رژیم جعلی صهیونیستی از ابتدا همچون پایگاه نظامی-سیاسی قدرت‌های استعماری غرب در حساس‌ترین نقطه جهان اسلام عمل کرده است. قدرت‌های استعمارگر که همواره دشمن اتحاد و اعتلای کشورهای اسلامی بوده‌اند، اسرائیل را چون خنجر در پهلوی امت اسلامی فرو کرده‌اند تا با ایجاد تفرقه و مشغول‌سازی مسلمانان، مانع تحقق وحدت و پیشرفت آنها شوند.

• صهیونیسم به عنوان یک جنبش سیاسی نژادپرستانه و تجاوزگر، خطری

مردم فلسطین و هر ملت مظلوم دیگر تأکید کرده و این را از اصول انقلاب اسلامی برشمردند. به گواهی رهبر انقلاب، امام خمینی هیچ‌گاه به‌خاطر ملاحظات قدرت‌های زورگو، از حمایت مظلومان دست نکشید و همواره مسئله‌ی فلسطین را یک مسئله‌ی اصلی برای جهان اسلام معرفی کرد. این روش و وصیت امام بود که خوشبختانه ملت ایران و مسئولان کشور نیز آن را دنبال کردند.

از مهم‌ترین ابتکارات امام خمینی در این زمینه، اعلام روز جهانی قدس بود. تنها چند ماه پس از پیروزی انقلاب (مرداد ۱۳۵۸ / رمضان ۱۳۹۹ق)، امام در واکنش به تجاوزات صهیونیست‌ها به مسجدالاقصی و جنوب لبنان، طی پیامی تاریخی از مسلمانان جهان و دولت‌های

با توجه به موارد فوق، روشن می‌شود که چرا رهبر انقلاب اسلامی مسئله‌ی فلسطین را «مسئله‌ی اول دنیای اسلام» می‌خوانند. ترکیب این ویژگی‌ها در هیچ بحران دیگری یافت نمی‌شود و فلسطین را به معیاری برای سنجش وجدان امت اسلامی بدل کرده است. به تعبیر ایشان، از ۶۰ سال پیش داغی بزرگ‌تر از غصب فلسطین بر دل امت اسلامی ننشسته و وجوب ایستادگی در برابر این دشمن غاصب مورد اتفاق همه‌ی مذاهب اسلامی و جریان‌های سالم مّلی است. هر جریان یا دولتی در کشورهای اسلامی که در این وظیفه‌ی دینی و تاریخی کوتاهی کند و شعار آزادی قدس را به حاشیه ببرد، نمی‌تواند مدعی وفاداری به اسلام و میهن خود باشد. این آزمونی برای همگان شده است که چه کسی در جبهه‌ی حق (آزادی قدس) می‌ایستد و چه کسی با بهانه‌های واهی، خود را کنار می‌کشد. از همین‌رو، فلسطین تنها یک سرزمین اشغالی نیست بلکه سنگ محک صداقت حکومت‌ها و ملت‌های اسلامی در پایبندی به ارزش‌های خود به‌شمار می‌رود.

دیدگاه امام خمینی(ره): وحدت امت اسلامی و آزادی قدس

انقلاب اسلامی ایران از آغاز، مسئله‌ی فلسطین را در کانون آرمان‌های خود قرار داد. امام خمینی(ره) به عنوان معمار فکری جمهوری اسلامی، هم در گفتار و هم در عمل، دفاع از ملت مظلوم فلسطین را یک وظیفه‌ی دینی و انسانی می‌دانست. ایشان صریحاً در وصیت‌نامه و پیام‌های خود بر حمایت بی‌دریغ از حقوق



دولت‌های اسلامی خائن خواهد شد. به اعتقاد امام، هیچ مسلمان باانصافی نمی‌تواند رژیم را که غاصب سرزمین اسلام و دشمن قرآن است به رسمیت بشناسد

از منظر امام خمینی، وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان (اعم از شیعه و سنی) است که برای آزادی قدس بسیج شوند. حتی فراتر از آن، ایشان مسئله‌ی فلسطین و قدس را نه یک موضوع عربی یا قومی، بلکه مسئله‌ی همه‌ی موحدان و آزادگان جهان در همه‌ی نسل‌ها تلقی می‌کرد. این نگاه جهانی و انسانی امام، باعث شد که حمایت از فلسطین در مکتب انقلاب اسلامی صرفاً جنبه‌ی احساساتی یا شعار نداشته باشد، بلکه تبدیل به یک اعتقاد اصولی و محور وحدت امت اسلامی گردد

به طور خلاصه، امام خمینی قدس را پاره‌ای از پیکره‌ی جهان اسلام و آزادسازی آن را شرط احیای عزت و تمدن اسلامی می‌دانست. جمله‌ی معروف ایشان که «قدس باید به آغوش اسلام برگردد»، بیانگر همین عقیده‌ی عمیق است. در مکتب سیاسی امام، وحدت جهان اسلام حول آرمان فلسطین تجلی می‌یابد و بی‌جهت نیست که در ادبیات انقلاب اسلامی، فلسطین به «مسئله‌ی اول» و قدس به «قبله‌ی آرمان‌های امت اسلامی» شهرت یافته است



اسلامی خواست متحد شوند و دست رژیم اسرائیل و پشتیبانانش را کوتاه کنند. ایشان آخرین جمعه‌ی ماه مبارک رمضان را به عنوان «روز قدس» تعیین کردند تا هر سال، انزجار امت اسلام از رژیم صهیونیستی و حمایت از مردم فلسطین به صورت یکپارچه به نمایش درآید. به تعبیر ایشان، روز قدس فقط روز فلسطین نیست؛ روز اسلام است، روزی است که باید سرنوشت ملت‌های مستضعف روشن شود و فریاد وحدت مسلمانان علیه استکبار جهانی بلند شود. ابتکار روز قدس در واقع یک بسیج عمومی امت اسلامی در سطح بین‌المللی بود که توانست مرزهای نژادی، ملی و حتی مذهبی را درنوردد و همه را حول محور آزادی فلسطین جمع کند

امام خمینی همچنین با نگاه آینده‌نگرانه هشدار داد که هدف قدرت‌های استعماری از ایجاد اسرائیل، تنها اشغال فلسطین نیست؛ بلکه اگر جلوییشان گرفته نشود، سرنوشت فلسطین را برای سایر کشورهای منطقه نیز رقم خواهند زد. از منظر امام، اسرائیل یک پایگاه غرب در قلمرو اسلام است و موجودیت آن با اصل وحدت و پیشرفت امت اسلامی در تضاد می‌باشد. بر همین اساس، ایشان حمایت از موجودیت رژیم صهیونیستی یا سازش با آن را «فاجعه برای مسلمانان» می‌دانست که موجب انفجار خشم ملت‌ها علیه

دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی: تمدن نوین اسلامی و مسأله‌ی فلسطین

پس از رحلت امام خمینی (ره)، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب اسلامی، همان خط فکری را با قدرت و صراحت بیشتری پی گرفتند. آیت‌الله خامنه‌ای طی سه دهه‌ی گذشته، همواره بر این نکته تأکید کرده‌اند که مسئله‌ی فلسطین در رأس مسائل جهان اسلام است و هیچ‌گاه نباید به حاشیه رانده شود. ایشان ادامه‌ی حمایت بی‌قید و شرط جمهوری اسلامی از ملت فلسطین را نه یک تاکتیک سیاسی، بلکه برخاسته از منطق و ایمان دینی دانسته و فرموده‌اند: «ما از روز اول انقلاب از فلسطین حمایت کردیم، به فلسطینی‌ها کمک کردیم و باز هم ادامه خواهیم داد. هیچ ملاحظه‌ای هم در این باره نداریم. تمام دنیای اسلام باید به فلسطین کمک کند.» در نگاه رهبر انقلاب، دفاع از فلسطین هم مطابق مصالح ملی خود ما است و هم وظیفه‌ی امت اسلامی؛ چرا که رژیم صهیونیستی صرفاً دشمن فلسطینیان نیست، بلکه خنجری در پهلوی همه‌ی کشورهای اسلامی است.

یکی از ابعاد مهم اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی فلسطین، ارتباط آن با مقوله‌ی وحدت و تمدن اسلامی است. ایشان سطوح مختلفی برای وحدت دنیای اسلام برشمرده‌اند: از پرهیز دولت‌ها و مذاهب اسلامی از درگیری با یکدیگر و ایستادن در مقابل دشمن مشترک، تا کمک متقابل کشورهای اسلامی به پیشرفت هم، و در بالاترین سطح «اتحاد همه‌ی دنیای اسلام برای رسیدن

به تمدن نوین اسلامی». به تصریح ایشان، تحقق تمدن نوین اسلامی هدف غایی جمهوری اسلامی است و این مهم بدون وحدت همه‌جانبه‌ی امت اسلامی میسر نمی‌شود. از این رو، مسئله‌ی فلسطین آزمونی کلیدی برای وحدت است؛ زیرا اگر حتی حداقل وحدت میان کشورهای اسلامی وجود داشت، هرگز فاجعه‌ی اشغال فلسطین و ظلم مستمر بر مردم آن رخ نمی‌داد. ایشان فرموده‌اند: «اگر دنیای اسلام همین مرتبه‌ی پایین وحدت را رعایت کرده بود، دشمن جرأت نمی‌کرد چنین فجایعی را در فلسطین رقم بزند. بزرگ‌ترین مصیبت امروز دنیای اسلام قضیه‌ی فلسطین است و این به خاطر غفلت از وحدت اسلامی است.» خلاصه‌ی کلام رهبر انقلاب آن است که تفرقه‌ی مسلمانان، بستر ساز فاجعه‌ی فلسطین شد و تنها با وحدت می‌توان این زخم کهنه را درمان کرد



بیگانگان و اراذلی چون نتانیاہو را از سرزمینشان بیرون بریزند.»

نکته‌ی دیگر در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای، معیار بودن فلسطین برای صداقت مدعیان اسلام‌گرایی است. ایشان همانند امام راحل تأکید دارند که هر جریان یا حکومتی در دنیای اسلام که نسبت به فلسطین بی‌اعتنا باشد یا به خاطر خوشامد آمریکا و قدرت‌های استکباری از آرمان آزادی قدس عقب‌نشینی کند، در واقع خود را در برابر امت اسلامی رسوا کرده است. از این منظر، فلسطین خط تمایز بین حکومت‌های مردمی و وابسته، و بین اسلام حقیقی و اسلام آمریکایی است. به عنوان نمونه، توافقات سازش برخی دولت‌های عربی با اسرائیل (برخلاف خواست ملت‌هایشان) در تحلیل رهبر انقلاب، نمونه‌ای از همان خیانت به وحدت اسلامی است که البته دوام نخواهد داشت؛ زیرا ملت‌ها بیدارند و دیر یا زود حاکمان سازشکار را کنار خواهند زد. در مقابل، هر حرکت صادقانه‌ای در حمایت از فلسطین - چه از سوی شیعیان ایران باشد، چه اهل سنت کشورهای عربی یا هر نقطه‌ی دیگر - موجب تقویت پیوند دل‌های مسلمانان و تضعیف جبهه‌ی استکبار می‌شود



آیت‌الله خامنه‌ای همچنین تأکید دارند که حمایت از فلسطین نباید به بیانیه‌های دیپلماتیک محدود شود، بلکه «جهان اسلام باید در عمل، با وحدت و فشار همه‌جانبه، به یاری فلسطین برخیزد». از دیدگاه ایشان، مقاومت تنها راه حل مسئله است و تجربه‌ی مذاکره نشان داده که صهیونیست‌ها جز زبان زور نمی‌فهمند. البته این مقاومت در نظر ایشان صرفاً نظامی نیست؛ بلکه بسیج همه‌ی ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امت برای به چالش کشیدن مشروعیت رژیم صهیونیستی است. ایشان با ارائه‌ی طرح برگزاری همه‌پرسی از مردم اصلی فلسطین اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی) برای تعیین نظام سیاسی آینده، منطقی‌ترین و عادلانه‌ترین راه‌حل را پیشنهاد داده‌اند که در چارچوب دموکراسی می‌گنجد و در عین حال به نابودی ماهیت رژیم نژادپرست فعلی می‌انجامد. این ابتکار نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی برخلاف تصویرسازی بدخواهان، دنبال نابودی یهودیان یا جنگ مذهبی نیست؛ بلکه هدف، برچیدن رژیم جعلی اسرائیل و سپردن سرنوشت قدس و فلسطین به دست صاحبان واقعی آن است. چنان که رهبر انقلاب تصریح کرده‌اند: «محو اسرائیل به معنای محو یهودیان نیست؛ منظور محو آن حکومت تحمیلی و رجیم غاصب است. محو اسرائیل یعنی مردم فلسطین - که صاحبان اصلی آن سرزمین‌اند - دولت دلخواه خود را انتخاب کنند و

از منظر تمدنی، روز جهانی قدس به یک آیین سالانه‌ی همبستگی بدل شده که شکاف‌های جغرافیایی و مذهبی را پر می‌کند و امت واحده‌ی اسلامی را هرچند برای یک روز در صحنه‌ی عمل متجلی می‌سازد. این همبستگی تنها محدود به تظاهرات نیست؛ در عرصه‌ی دیپلماسی نیز نوعی اتفاق نظر در میان ملت‌های مسلمان وجود دارد که قدس شریف متعلق به اسلام است و نباید پایتخت رژیم غاصب باشد. حتی دولت‌ها و سران کشورهایی که روابط پنهان یا آشکار با اسرائیل دارند، در مجامع عمومی بین‌المللی جرأت همراهی با ادعای پایتختی قدس برای اسرائیل را ندارند، چرا که با موج مخالفت جهان اسلام مواجه خواهند شد. سازمان همکاری اسلامی (OIC) که پس از به آتش کشیده شدن مسجدالاقصی در ۱۹۶۹ تأسیس شد، خود گواه دیگری است بر این که قبله‌ی نخست مسلمانان، عامل تحریک وجدان جمعی امت برای اقدام مشترک گردیده است

در سال‌های اخیر، حوادث تلخ غزه - به‌ویژه حملات وحشیانه رژیم صهیونیستی به مردم بی‌دفاع - بیش از



به طور خلاصه، رهبر انقلاب اسلامی با ادامه‌ی خط امام، فلسطین را محور وحدت امت و سنگ بنای تمدن نوین اسلامی می‌داند. ایشان معتقدند همان‌طور که انقلاب اسلامی روح تازه‌ای در کالبد ملت‌های مسلمان دمید و آنها را نسبت به توطئه‌های استکبار آگاه کرد، مسئله‌ی فلسطین نیز موتور محرکه‌ی بیداری اسلامی و همگرایی ملل مسلمان است. از دیدگاه معظم‌له، زوال حتمی رژیم صهیونیستی نه یک آرزوی خیال‌پردازانه، که یک نتیجه‌ی محتوم تاریخی است که با استمرار مقاومت و افزایش اتحاد اسلامی تحقق خواهد یافت. بنابراین، آزادی قدس صرفاً آزادی یک شهر نیست، بلکه طلیعه‌ی پیروزی تمدن اسلامی بر نظام سلطه‌ی استعماری و سرآغاز دوره‌ی جدیدی از عزت و پیشرفت برای امت اسلامی است

قدس؛ نماد وحدت امت اسلامی در عصر حاضر

واقعیت‌های دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که قدس به حق جایگاه «نماد وحدت امت اسلامی» را کسب کرده است. در راهپیمایی‌های روز قدس که هر سال در ایران و ده‌ها کشور دیگر برگزار می‌شود، صحنه‌هایی به چشم می‌خورد که به سختی در مواقع دیگر قابل مشاهده است. شیعه و سنی در کنار هم فریاد آزادی قدس سر می‌دهند، ملیت‌های گوناگون یک صدا مخالفت خود را با ظلم اعلام می‌کنند و حتی پیروان ادیان دیگر و آزادگان غیرمسلمان نیز دوشادوش مسلمانان علیه صهیونیسم شعار می‌دهند. این امر تأییدی بر پیش‌بینی امام خمینی است که فرمودند روز قدس باید «روز همه‌ی مسلمانان و مستضعفان» باشد

با چنین پشتوانه‌ای، امروز دیگر شعار «الیوم ایران و غداً فلسطین» (امروز ایران، فردا فلسطین) که در ابتدای انقلاب اسلامی مطرح می‌شد، یک آرزوی دور از ذهن به‌شمار نمی‌رود. بسیاری از تحلیلگران معتقدند که رژیم صهیونیستی در مواجهه با یک امت بیدار و متحد، فرجامی جز زوال ندارد. جریان مقاومت فلسطین از حمایت معنوی و مادی صدها میلیون مسلمان برخوردار شده و تزلزل در ارکان این رژیم بیش از هر زمان دیگری مشهود است. در چنین شرایطی، قدس بیش از پیش چهره‌ی یک «پایتخت معنوی و تمدنی» را برای امت اسلام پیدا کرده است؛ پایتختی که هرچند اکنون در اشغال دشمن است، اما در قلوب مسلمانان عالم حکومت می‌کند و انگیزه‌بخش جهاد و تلاش آنان در مسیر آزادی و عدالت است

نتیجه‌گیری

در پرتو مباحث پیش‌گفته، می‌توان به پرسش ابتدای نوشتار بازگشت: آیا قدس پایتخت وحدت تمدنی اسلامی است؟ شواهد تاریخی و واقعیت‌های معاصر هر دو گواهی می‌دهند که بیت‌المقدس به واقع نقش قلب تپنده‌ی تمدن اسلامی را ایفا کرده و می‌کند. اگر منظور از «پایتخت تمدنی» مرکزی است که هویت‌بخش یک تمدن باشد و مایه پیوند آحاد آن تمدن تلقی شود، قدس واجد چنین جایگاهی است. قدس صرفاً یک قطعه خاک نیست، بلکه نمادی زنده از وحدت، ایمان و مقاومت امت اسلامی است که مرزهای جغرافیایی و سیاسی را درمی‌نوردد. این شهر مقدس در برهه‌های حساس تاریخ اسلام، محور بسیج نیروهای معنوی و مادی مسلمانان بوده و امروز نیز عامل بیداری و هم‌افزایی ملل اسلامی برای مقابله با استعمار نوین و ظلم صهیونیسم جهانی است

پیش وحدت دل‌های مسلمانان و آزادی‌خواهان جهان را رقم زده است. تظاهرات خودجوش در کشورهای مختلف از شرق تا غرب عالم، از آمریکای لاتین تا اروپا و آسیا، در حمایت از فلسطین صورت گرفته است. این نشان می‌دهد که مسئله‌ی قدس توانسته مرزهای امت اسلامی را حتی فراتر برده و تبدیل به مسئله‌ی وجدان جهانی شود. البته برای مسلمانان این مایه‌ی افتخار است که پرچمدار اصلی این حرکت جهانی هستند و فریاد عدالت‌خواهی را رساتر از دیگران سر می‌دهند. شاید بتوان گفت در دنیایی که تفرقه‌ها و ناسیونالیسم کور، ملت‌ها را از هم جدا کرده، «فلسطین و قدس» از معدود عرصه‌هایی است که انسان‌ها را بر پایه‌ی ارزش‌های مشترک انسانی و الهی کنار هم قرار می‌دهد

از منظر راهبردی، دشمنان نیز به خوبی واقفند که قدس می‌تواند محور بسیج امت اسلامی باشد؛ به همین دلیل همواره تلاش کرده‌اند با ایجاد تفرقه، مشغول‌سازی کشورهای مسلمان در جنگ‌ها و اختلافات داخلی و فرقه‌ای، و تبلیغات منفی، تمرکز افکار عمومی را از فلسطین منحرف کنند. پروژه‌ی ایجاد و تقویت گروه‌های تکفیری و تروریستی در منطقه - که بیشترین خسارت را نه به اسرائیل، بلکه به پیکر امت اسلامی وارد کردند - در همین چارچوب قابل تحلیل است. اما هوشیاری محور مقاومت و رهبری‌های روشنگرانه‌ی علمای آگاه، این توطئه‌ها را تا حد زیادی خنثی کرده است. ایران انقلابی نقش تعیین‌کننده‌ای در زنده نگه داشتن شعله‌ی مقاومت و وحدت پیرامون فلسطین داشته است. از میزبانی رهبران مقاومت فلسطین و حمایت تسلیحاتی و آموزشی از آنان گرفته تا نثار سردارانی همچون شهید حاج قاسم سلیمانی در این راه، همه حکایت از آن دارد که ملت ایران به وصیت امام خمینی مبنی بر دفاع از فلسطین عمل کرده و پرچم وحدت امت را افراشته نگاه داشته است

گرفت؛ چرا که قدس برای همه‌ی موحدان جهان مظهر غلبه‌ی حق بر باطل و نویدبخش طلوع دوباره‌ی خورشید عدالت در عرصه‌ی بین‌الملل خواهد بود

در یک کلام، مسئله‌ی فلسطین صرفاً نزاع بر سر یک خاک نیست، بلکه نبرد بر سر احیای یک تمدن است. وحدت حول آرمان آزادی قدس، خود سازنده‌ی بخش مهمی از این تمدن است. پس می‌توان گفت قدس اکنون و در فردای پیروزی، پایتخت معنوی جهان اسلام و محور وحدت تمدنی آن خواهد بود؛ چرا که خداوند خواسته است «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» نزاع و تفرقه نکنید که سست شوید و قدرت‌تان بر باد رود _ و مسلمانان دریافته‌اند که تنها با چنگ زدن همزمان به ریسمان وحدت و عدالت می‌توانند وزنه‌ی تمدن خود را در برابر سلطه‌گران سنگین کنند. قدس نماد این هر دو است: وحدت در درون و جهاد با ظلم در بیرون. پس شایسته است که آن را پایتخت وحدت تمدنی امت اسلام بنامیم و برای آزادی و اعتلای آن از هیچ تلاشی فروگذار نکنیم. ان‌شاءالله که به زودی بانگ تکبیر از گلدسته‌های آزاد مسجدالاقصی طنین‌انداز شود و آن روز، روز جشن همه‌ی امت اسلامی خواهد بود

از منظر اندیشه‌های امامین انقلاب (امام خمینی و امام خامنه‌ای)، آزادی قدس نه تنها یک هدف اسلامی بلکه نقطه‌ی عطف احیای تمدن اسلامی است. روز قدس در کلام امام خمینی «روز حیات اسلام» نام گرفت و این تصادفی نیست؛ چرا که حیات حقیقی امت زمانی است که نسبت به ظلم حساس باشد و در برابر آن متحد بایستد. در مکتب فکری رهبر انقلاب نیز قدس کلید دستیابی به تمدن نوین اسلامی شمرده می‌شود؛ تمدنی که بر پایه‌ی اتحاد، عدالت و معنویت بنا شده و در آن جایی برای سلطه‌گری و تبعیض نژادی وجود ندارد. بنابراین، قدس را می‌توان پایتخت وحدت تمدنی اسلامی دانست، هم به اعتبار گذشته‌ی درخشانش در تاریخ اسلام و هم به دلیل نقشی که امروز در همگرایی جهان اسلام ایفا می‌کند. هنگامی که ان‌شاءالله قدس از چنگال اشغالگران آزاد شود، این وحدت به اوج تجلی خود خواهد رسید و آنگاه قدس به معنای واقعی کلمه پایتخت تمدن پویایی خواهد بود که نه بر اساس زور و زر، بلکه بر مبنای ارزش‌های الهی و کرامت انسان‌ها استوار است. به تعبیر امام خمینی (ره)، «قدس متعلق به مسلمانان است و باید به آنان بازگردد». بی‌شک در آن روز، نه تنها مسلمانان که همه‌ی مستضعفان و آزادگان جهان این پیروزی را جشن خواهند



منابع و مآخذ:

- قرآن کریم
- بیانات امام خمینی(ره) و حضرت آیت الله خامنه‌ای در خصوص مسئله‌ی فلسطین و روز قدس
- اسناد و گزارش‌های تاریخی از اشغال فلسطین و مقاومت اسلامی
- تحلیل‌های ارائه‌شده در رسانه‌ها و مطبوعات درباره‌ی ابعاد تمدنی مسئله‌ی فلسطین
- مشاهدات میدانی از راهپیمایی‌های روز جهانی قدس و واکنش ملت‌های مسلمان

دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۴۰۴)

هیئت تحریریه نشریه بصیرت

• دستاوردهای علمی، فناوری و دفاعی

در چهار دهه اخیر، ایران سرمایه‌گذاری گسترده‌ای بر توسعه علمی و فناوری انجام داده و به دستاوردهای قابل توجهی رسیده است. یکی از نخستین گام‌های انقلاب در این حوزه، فرمان امام خمینی برای تشکیل نهضت سوادآموزی در سال ۱۳۵۸ بود که بنیانی برای ارتقای سطح آموزش در کشور شد. نرخ باسوادی بزرگسالان از حدود ۴۷٪ در زمان انقلاب به بیش از ۸۵٪ در میانه دهه ۱۳۹۰ و حدود ۹۰٪ در سال‌های اخیر افزایش یافته است. تعداد مدارس و مراکز آموزشی از ۴۸ هزار واحد در رژیم گذشته به بیش از ۱۰۷ هزار واحد رسیده تا ۱۴ میلیون دانش‌آموز در شرایط بهتر به تحصیل بپردازند. متوسط سال‌های تحصیل از حدود ۲٫۳ سال در دهه ۱۳۵۰ به ۱۰ سال در دهه ۱۳۹۰ ارتقا یافته و اکثر کودکان ایرانی امید دارند حداقل ۱۴ سال تحصیل کنند. در آموزش عالی، رشد خیره‌کننده بوده است؛ تعداد دانشجویان از حدود ۱۷۰ هزار نفر پیش از انقلاب، اکنون به حدود ۳٫۸ میلیون نفر رسیده و تعداد دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی از کمتر از ۲۵۰ واحد به ۲۵۷۰ واحد افزایش یافته است. این افزایش چشمگیر ظرفیت آموزش عالی، تربیت نیروی انسانی متخصص را به همراه داشته و امروز ایران دارای صدها هزار فارغ‌التحصیل و پژوهشگر در رشته‌های مختلف است. به ادعای یونسکو، موفقیت‌های ایران در گسترش آموزش و مبارزه با بی‌سوادی به حدی بوده که این سازمان از تلاش‌های ایران در زمینه آموزش تمجید کرده است.

رشد کمی و کیفی آموزش و نیروی انسانی، زیرساخت پیشرفت‌های علمی کشور بوده است. ایران از اوایل دهه ۱۳۸۰ خورشیدی با شتاب فزاینده‌ای بر تولید علم و تحقیق و توسعه متمرکز شد. نرخ رشد تولیدات علمی ایران در مقاطعی ۱۱ برابر میانگین جهانی بوده و بر اساس پایگاه‌های استنادی بین‌المللی، جایگاه علمی ایران به طور مستمر ارتقا یافته است. به عنوان مثال، بر پایه داده‌های اسکوپوس در سال ۲۰۲۲، ایران با انتشار ۷۸۰۲۲۵ مقاله علمی در آن سال، رتبه ۱۵ جهان را در تولید علم کسب کرده و این رتبه را برای چهارمین سال پیاپی حفظ نموده است. ایران از حدود سال ۲۰۱۷ تاکنون همواره نخستین کشور منطقه از نظر تعداد انتشارات علمی در پایگاه اسکوپوس بوده است (هرچند در پایگاه وب‌آوساینس در سال‌های اخیر پس از ترکیه در جایگاه دوم منطقه قرار دارد). طبق گزارش‌های آی.اس.آی (موسسه اطلاعات علمی)، تعداد مقالات علمی ایران تا سال ۲۰۱۶ نسبت به ابتدای انقلاب ۶۹ برابر شده است. همچنین در المپیادهای علمی جهانی، دانش‌آموزان ایرانی از سال ۱۹۸۷ تاکنون نزدیک به ۷۰۰ مدال کسب کرده و همواره جزو ۱۰ کشور برتر در رشته‌هایی مانند ریاضی، فیزیک، شیمی، کامپیوتر و زیست‌شناسی بوده‌اند.

پیشرفت‌های ایران در فناوری‌های پیشرفته نیز چشمگیر است. در حوزه فناوری هسته‌ای، ایران با وجود کارشکنی‌ها و تحریم‌های قدرت‌های جهانی، توانست چرخه کامل سوخت هسته‌ای را بومی‌سازی کند و در سال ۱۳۸۵ به غنی‌سازی اورانیوم ۳،۵٪ و ۵٪ دست یابد. سپس با عدم تأمین سوخت ۲۰٪ رآکتور تهران از سوی غرب،

رتبه چهارم آسیا را در اختیار دارد. پژوهشگران ایرانی برای درمان بیماری‌های صعب‌العلاج نظیر آسیب‌های نخاعی، ناراحتی‌های قلبی، پارکینسون و غیره از سلول‌های بنیادی بهره گرفته و اولین گوسفند شبیه‌سازی‌شده (رویانا) را در سال ۱۳۸۵ به دنیا آوردند

در کنار پیشرفت‌های علمی و دانشگاهی، صنایع دفاعی ایران نیز پس از انقلاب جهشی عظیم



دانشمندان ایرانی در سال ۱۳۸۸ غنی‌سازی ۲۰٪ را نیز کاملاً مستقل انجام دادند. امروز ایران دارای یک نیروگاه اتمی فعال در بوشهر است و برنامه ساخت نیروگاه‌های جدید برای تولید انرژی پاک را دنبال می‌کند. در حوزه فناوری فضایی، جمهوری اسلامی ایران به جمع معدود کشورهای دارای توانایی پرتاب ماهواره پیوسته است. ایران طی دو دهه اخیر با ساخت ماهواره‌برهای سفیر و سیمرغ، چندین ماهواره بومی را در مدار زمین قرار داده است. ایران یازدهمین کشور جهان در دستیابی به فناوری پرتاب ماهواره و هشتمین کشور دارای توان قرارداد ماهواره در مدار است. همچنین ایران تنها کشور منطقه غرب آسیاست که توانایی ساخت و پرتاب ماهواره را داراست. از سال ۱۳۸۷ که ماهواره امید به فضا پرتاب شد تاکنون ماهواره‌های متعددی (نظیر رصد، نوید، فجر و اخیراً نور و خیام) توسط ایران به فضا ارسال شده و برنامه اعزام فضاورد نیز در دستور کار قرار دارد.

در فناوری نانو، ایران با رشد سریع تحقیقات و ثبت اختراعات توانسته جایگاه چهارم دنیا را از نظر تولید علم نانو کسب کند. بیش از ۱۸۰ شرکت دانش‌بنیان در حوزه نانو در ایران فعالند و تاکنون بیش از ۴۲۰ محصول نانوفناوری در کشور تولید شده که در حوزه‌های مختلفی از جمله تجهیزات صنعتی، پزشکی، نساجی و ساخت‌وساز کاربرد دارند. ایران علاوه بر تامین نیاز داخلی، محصولات نانو خود را به ۴۷ کشور جهان صادر می‌کند. در زیست‌فناوری نیز ایران جزو پیش‌تازان منطقه است و موفق به تولید داروهای بیوتکنولوژی پیشرفته شده است؛ به طوری که ۹۷٪ داروهای مورد نیاز کشور در داخل تولید می‌شود و ایران چهارمین کشور آسیا در تولید داروهای بیوتکنولوژیک محسوب می‌شود. ۲۹ نوع داروی نو ترکیب برای بیماری‌هایی چون سرطان، ام‌اس و هموفیلی توسط متخصصان ایرانی تولید شده است. همچنین ایران در حوزه تحقیقات سلول‌های بنیادی به پیشرفت‌های بزرگی دست یافته و

کلیدی در جبهه‌ها داشت به‌طوری‌که موتور محرکه دفاع ۸ ساله محسوب می‌شد. امروز نیز بسیجیان در عرصه‌های گوناگون از تامین امنیت گرفته تا سازندگی و کمک‌های جهادی فعال‌اند. از لحاظ امنیتی، نیروهای اطلاعاتی ایران پس از انقلاب با خنثی‌سازی صدها توطئه تروریستی و جاسوسی، ثبات داخلی کشور را حفظ کرده‌اند. به اذعان مقامات جمهوری اسلامی، «سربازان گمنام امام زمان» توانسته‌اند ۹۸٪ عملیات‌های تروریستی را در نطفه شناسایی و خنثی کنند.

در مجموع، دستاوردهای علمی، فناوری و دفاعی ایران در طول ۴ دهه اخیر نمایانگر یک جهش از وابستگی به خوداتکایی است. ایران اکنون در تولید علم جایگاهی در تراز قدرت‌های نوظهور علمی دارد، در فناوری‌های نوین مانند نانو، هسته‌ای، موشکی و فضایی جزو معدود کشورهای صاحب توانمندی شده است، و در عرصه دفاعی نیز به بازدارندگی قابل ملاحظه‌ای دست یافته است. این پیشرفت‌ها باعث شده‌اند علی‌رغم فشارهای خارجی، مسیر توسعه کشور ادامه یابد و تلاش‌های دشمنان برای انزوای علمی-فناوری ایران ناکام بماند. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب، نیز بارها تاکید کرده‌اند



داشته است. پیش از انقلاب، ارتش ایران به‌شدت متکی به تجهیزات و مستشاران آمریکایی بود؛ به نحوی که ۴۵ هزار مستشار نظامی آمریکایی عملاً ارتش را اداره می‌کردند. اما پس از انقلاب و خصوصاً در طی جنگ تحمیلی، ایران ناچار شد برای بقای خود به خودکفایی دفاعی روی آورد. نتیجه این شد که امروز جمهوری اسلامی در بسیاری از عرصه‌های نظامی کاملاً خودکفا بوده و بنا به اظهار فرماندهان، بیش از ۹۰٪ تجهیزات دفاعی مورد نیاز را در داخل تولید می‌کند. ایران توانسته انواع سلاح‌های سبک و سنگین را بومی‌سازی کند؛ از سلاح‌های انفرادی و توپخانه و رادار گرفته تا تانک‌های پیشرفته مانند ذوالفقار و کرار که به‌دست مهندسين ارتش و سپاه طراحی و ساخته شده‌اند. تانک کرار از نظر تجهیزاتی با بهترین تانک‌های جهان رقابت می‌کند و دارای سامانه آتش هوشمند، توان شلیک در حال حرکت و تجهیزات دید در شب پیشرفته است.

در صنعت موشکی، ایران با سرمایه‌گذاری مستمر توانسته یکی از قدرت‌های موشکی منطقه شود. موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد، میان‌برد و اکنون دوربرد با سوخت جامد و مایع در ایران تولید شده و برنامه فضایی کشور نیز توسعه فناوری موشک‌های ماهواره‌بر را تسریع کرده است. در حوزه پدافند هوایی و پهپاد نیز ایران به موفقیت‌های مهمی رسیده است؛ چنان‌که امروز انواع پهپادهای شناسایی و رزمی ایرانی (مانند مهاجر-۶، شاهد-۱۳۶ و...) در اختیار نیروهای مسلح است و ایران به یکی از صادرکنندگان پهپاد تبدیل شده است. افزایش توان پهپادی ارتش طی فقط چند سال اخیر به حدی بوده که در رژه روز ارتش ۱۴۰۲، مجموعه بزرگی از پهپادهای بومی به نمایش درآمد. در زمینه پدافندی نیز سامانه‌های ساخت ایران مانند باور-۳۷۳ و سوم خرداد توانایی مقابله با اهداف هوایی پیشرفته را دارند.

یکی دیگر از ارکان قدرت دفاعی ایران، نیروی انسانی متعهد و بسیج مردمی است. پس از انقلاب، با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سازمان بسیج، مشارکت مردمی در دفاع از کشور نهادینه شد. بسیج مستضعفین که در سال ۱۳۵۸ به فرمان امام تشکیل شد، در طی جنگ تحمیلی نقش

شهید چمران و دانشمندان شهید دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمد یزدی

استاد دانشکده علوم زمین

شهید ما به شهدای هسته ای کشور معروف شدند اما در واقع این عزیزان شهدای پیشگامان علوم و فناوری های نوین کشور هستند.

در دهه ۹۰ میلادی به درخواست دولت وقت آمریکا، جمعی از نخبگان علمی راهبرد علمی این کشور را برای قرن ۲۱ تدوین کردند. در آن راهبرد تاکید شده است برای حفظ برتری آمریکا در زمینه علم و فناوری باید این کشور در فناوری های نوین پیشتاز باشد. این فناوری های شامل فناوری نانو، فناوری زیستی، فناوری فضایی، فناوری هسته ای، فناوری ارتباطات، فناوری نرم و فناوری محیط زیستی است. در این سال ها آمریکا و سگ هارش در منطقه خاورمیانه یعنی رژیم صهیونیستی نه تنها سعی کردند به طرق مختلف از جمله اعمال انواع تحریم ها از پیشرفت کشور ما در این زمینه ها جلوگیری نمایند بلکه دست به حذف فیزیکی دانشمندان کشور عزیز ما در عرصه علم و فناوری پرداختند. شهدات مظلومانه آقایان دکتر علیمحمدی،

چهل روز از شهدات مظلومانه شما و خانواده های معصوم و مظلوم تان در سحرگاهان جمعه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ گذشت. انگار همین سحرگاهان دیروز بود که از صدای انفجارها بیدار شدیم و وقتی آفتاب بر شهر تهران تابید ناباورانه خیر شهدات تان را شنیدیم. چه سحرگاهان تلخ و ناشگونی بود. هنوز هم نبودن شما را نتوانستیم باور کنیم ولی درد فراق شما عزیزان را فقط این جمله تسکین مان می دهد که وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، سوره آل عمران آیه ۱۷۰ : ای پیامبر! هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند

یکی از ویژگی های شاخص انقلاب اسلامی آن است که در هر زمینه ای شهدای تراز دارد که بی بدیل هستند. یکی از این شهدای تراز و بی بدیل دانشمند شهید مصطفی چمران است. شهید چمران در جوانی در بهترین دانشگاه کشور یعنی دانشکده فنی دانشگاه تهران درس خوانده است و سپس در یک از بهترین دانشگاه های جهان یعنی دانشگاه برکلی در زمینه پلاسما دکترا گرفته است. فردی که در زمان خودش نه تنها جزو نخبگان علمی ایران بوده بلکه یکی افراد برجسته علمی در رشته خودش در جهان مطرح بوده است. او در زمان خودش جزو پیشگامان علوم و فنون نوین یعنی پلاسما در آن زمان بوده است. اگرچه دانشمندان



برای اعتلای کشور، زندگی خود را ایثارگرانه وقف توسعه علمی کشور کردند و عاقبت در این راه به شهادت رسیدند

ویژگی شاخص سوم شهید مصطفی چمران آن است که او در حالی که در بهترین دانشگاه های کشور و دنیا درس خوانده است و در حالی که سمت وکالت و وزارت بدست آورده است، اما یک انسان متواضع و متعبد در پیشگاه الهی است. وقتی مناجات نامه ایشان را بخوانیم مشاهده می کنیم او یک انسان خودساخته، زاهد، عارف و عاشق پروردگار یکتا، شیفته اسلام و رسول خدا و ائمه اطهار است. از ویژگی های شهدای عزیز دانشمند دانشگاه ما نیز آن است که همگی عابد و عاشق پروردگار یکتا، شیفته اسلام و رسول خدا و ائمه اطهار هستند. یقین دارم این شهدای عزیزما به همراه شهید چمران عزیز در پیشگاه الهی با سربلندی به ملاقات رسول خدا و ائمه اطهار نائل خواهند شد.



شهید شهریار، شهید فخری زاده، شهید احمدی روشن و شهید رضایی نژاد مثل شهدای دانشگاه ما همگی در راستای حذف دانشمندان فناوری نوین هسته ای می باشد. شهادت سردار تهرانی مقدم، سردار حاجی زاده و... از شهدای فناوری فضایی نیز در همین راستا بوده است. ترور دانشمندان هسته ای در سایر کشورهای منطقه مثل عراق، سوریه و... توسط رژیم صهیونیستی مثال های دیگری از این اقدامات وحشیانه این رژیم خونخوار است.

ویژگی شاخص دوم شهید مصطفی چمران آن است که یک انسان مسئول و دلسوز در قبال مسائل جهان اسلام و کشور ایران است. به همین دلیل در دوران دبیرستان و دوران دانشجویی چه در داخل و چه در خارج از کشور جزو نسل متدین و فعال دانشجویی مبارز علیه استبداد پهلوی و آمریکا و انگلیس یعنی اشغالگران ایران بود. به همین دلیل زندگی راحت و شغل پردرآمد در دانشگاه های آمریکا را رها ساخته و در جنوب لبنان و کنار فلسطینی ها علیه اسرائیل جنایتکار مبارزه می کند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حالی که در کسوت وزارت و وکالت را رها کرده و برای بیرون راندن نیروهای صدام پلید از سرزمین عزیزمان خالصانه کنار سربازان این کشور می جنگد و در نهایت مظلومانه به شهادت می رسد. همگی شهدای عزیز دانشمند دانشگاه ما هم از فعالین انقلاب اسلامی در مدارس و دانشگاه های محل تحصیل خود بودند. آن ها افتخار رزمندگی در دوران دفاع مقدس را بر پیشانی خود داشتند. شهدای عزیز دانشمند دانشگاه ما همگی در بهترین دانشگاه های داخل و خارج از کشور با مراتب عالی تحصیل کرده بودند. علی رغم آن که می توانستند زندگی راحت و شغل پردرآمد در دانشگاه های خارج و داخل داشته باشند ولی بدلیل مسئولیت پذیری

معرفی کتاب انسان ۲۵۰ ساله

فاطمه کاظم زاده

دانشجوی مقطع کارشناسی رشته فیزیک دانشگاه شهید بهشتی

است، ایجاد سازماندهی ست. گاهی با کارهای خونین و فعالیت های جنگی و نبرد آشکار است و هر زمانی مبارزه به نحوی ست»

«امیرالمؤمنین علیه السلام شیر میدان نبرد با دشمن است و هنگامی که سخن می گوید آدم انتظار دارد نصف بیشتر سخنان او راجع به جهاد و جنگ و پهلوانی و قهرمانی باشد، اما وقتی در روایات و خطب نهج البلاغه او نگاه می کنیم، می بینیم اغلب سخنان و توصیه های آن حضرت راجع به زهد و تقوا و اخلاق و نفی و تحقیر دنیا و گرمی شمردن ارزش های معنوی و والای بشری است.»

«اگر بخواهیم هدف امام حسین علیه السلام را بیان کنیم، باید اینطور بگوییم که هدف آن بزرگوار عبارت بود از انجام دادن یک واجب عظیم از واجبات دین، که آن واجب عظیم را هیچ کس قبل از امام حسین حتی خود پیغمبر، انجام نداده بود. نه پیغمبر این واجب را انجام داده بود، نه امیرالمؤمنین، نه امام حسن مجتبی.

حالا چرا امام حسین این کار را بکند؟ چون زمینه انجام این واجب، در زمان امام حسین پیش آمد. اگر این زمینه در زمان امام حسین پیش نمی آمد؛ مثلاً در زمان امام علی النقی علیه السلام پیش می آمد، همین کار را امام علی النقی علیه الصلاة

در میان آثار مرتبط با تاریخ اسلام و سیره اهل بیت (ع)، کتاب «انسان ۲۵۰ ساله» از جایگاهی ویژه برخوردار است. این اثر برگرفته از مجموعه سخنان آیت الله سید علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، با محوریت تحلیل زندگی سیاسی و اجتماعی امامان شیعه، با نگاهی فراتر از روایت های معمول تاریخی، به ترسیم یک مسیر پیوسته و هدفمند در طول دوران امامت می پردازد.

مبنای اصلی این کتاب، نظریه ای است که زندگی ائمه (ع) را نه به صورت مجموعه ای از رخداد های جداگانه، بلکه به عنوان یک حرکت منسجم و ممتد در نظر می گیرد؛ حرکتی که از زمان رحلت پیامبر اکرم (ص) آغاز می شود و تا پایان امامت امام حسن عسکری (ع) در سال ۲۶۰ هجری قمری ادامه می یابد. در این چارچوب تحلیلی، هر امام بخشی از یک پیکره واحد است که در مسیر تحقق آرمان های اسلامی و حفظ اصالت دین، نقش آفرینی کرده است.

بخش هایی از این کتاب:

«وقتی می گوییم ائمه مبارزه می کردند، باید این را بدانیم که مبارزه در هر زمانی به شکل خاصی ست. گاهی مبارزه با کار فرهنگی ست، کار علمی ست، گاهی با کار سیاسی ست، گاهی با تشکل و تحزب

سید حسن علی‌العماد، دبیر کل جنبش «تنظیم مستقبل العداله» یمن، در حاشیه نشست خبری اش با خبرگزاری تسنیم، از تأثیر کتاب انسان ۲۵۰ ساله در انقلاب یمن و تغییر ذهنیت مردم سخن گفت

«به بچه‌های جنبش گفتم که بعد از قرآن، باید انسان ۲۵۰ ساله را به‌صورت گسترده در یمن پخش کنیم. چرا؟ چون در یمن نگاه غلطی نسبت به تشیع و ائمه شیعیان وجود دارد؛ مثلاً معتقدند که ائمه شیعیان فقط درگیر درس و بحث بودند و نقشه‌ای برای حکومت اسلامی نداشته‌اند. در یمن تصور می‌شد که شیعیان، آدم‌هایی هستند که نسبتی با انقلاب و قیام ندارند و فقط به زندگی روزمره فکر می‌کنند.»

در دنیای امروز، که گاه حقیقت در میان امواج تحریف و غفلت گم می‌شود، بازخوانی این مسیر نه‌تنها یک ضرورت فکری، بلکه یک وظیفه ایمانی است. هر مسلمان، برای آن که بتواند با نگاهی روشن و مبتنی بر منطق اهل بیت (ع) در مسیر آینده انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی گام بردارد، نیازمند شناختی عمیق از این سیره مبارزاتی است. مطالعه «انسان ۲۵۰ ساله» یعنی ورود به فهمی تازه از تاریخ؛ فهمی که گذشته را چراغ راه آینده می‌سازد و ما را به مشارکت آگاهانه در ادامه آن مسیر دعوت می‌کند

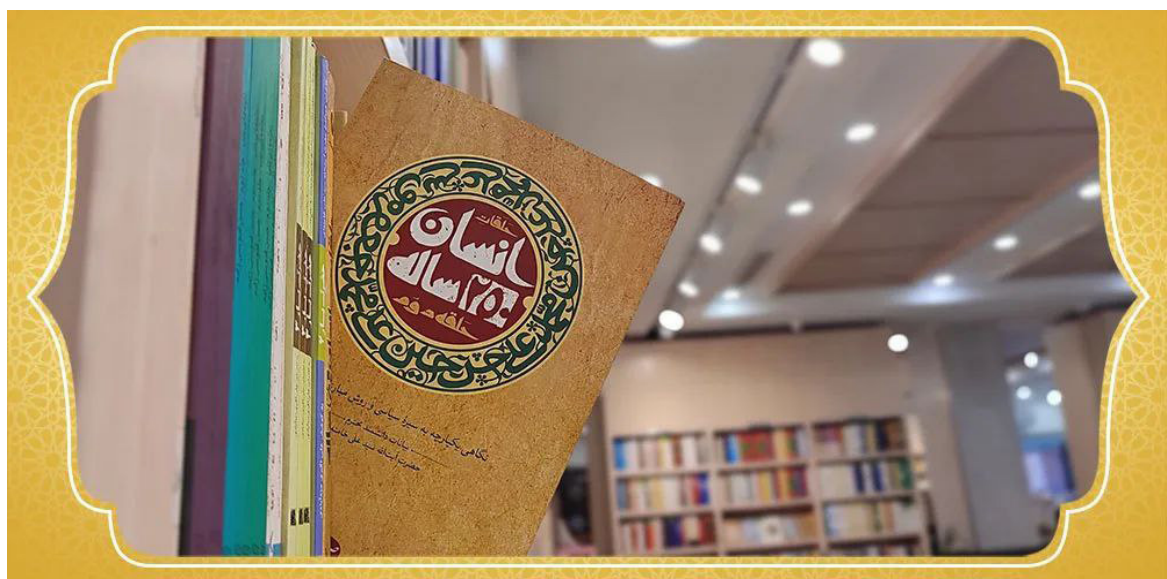
والسلام می‌کرد و حادثه عظیم و ذبح عظیم تاریخ اسلام، امام علی النقی می‌شد. اگر در زمان امام حسن مجتبی یا در زمان امام صادق علیهم السلام هم پیش می‌آمد، آن بزرگواران عمل می‌کردند.»

این کتاب بر اساس نوع مخاطب خود، در سه حلقه منتشر شد؛

حلقه اول ویژه نوجوانان شامل مثال‌های تصویری، حلقه دوم ویژه مخاطبان عمومی و علاقمندان و در نهایت حلقه سوم برای ارائه به محققان و اندیشمندان جهت مطالعه دقیق‌تر تاریخ زندگی اهل بیت به تالیف و تنظیم درآمد

حلقه دوم کتاب انسان ۲۵۰ ساله در سال ۱۳۹۰ در هفده فصل و ۴۰۰ صفحه تنظیم و توسط انتشارات صبا منتشر شد که برای تدوین این کتاب از بیش از ۲۶۰ سخنرانی معظم‌له در دوران‌های مختلف، از دهه پنجاه به بعد، مورد استفاده قرار گرفت و تا اواخر سال ۱۳۹۹ شمسی ۸۵ نوبت تجدید چاپ شد.

همچنین این کتاب به زبان‌های مختلفی همچون عربی، انگلیسی، اردو، آذری، کردی، ترکی استانبولی، هندی، سندی، آلمانی، تایلندی و فرانسوی ترجمه شده و توانسته توجه اقشار گوناگون در سراسر جهان را به خود جلب کند.



شعری در باب فلسطین

شعر وطن

|| مهدی وفائی نژاد ||

دانشجوی کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی دانشگاه شاهد تهران

تنِ سردش هم آغوشِ سفیدی پارچه‌ای ست

که تمامِ وجودش را عاشقانه در بر می‌گیرد؛

آغوشی که زخم‌هایش را التیام می‌بخشد،

آغوشی که بی‌منت، او را در خود جای می‌دهد...

پارچه‌ی سفید!

امیدهای کودکی‌اش با گره‌های آخرِ کفن از یاد می‌رود.

او رویا داشت،

زندگی می‌خواست؛

در آغوشِ وطن...

وطن!

وطنی که جنگ است،

پر از خون،

لبریز از بوی باروت و صدای موشک...

کدام وطن؟

وطنی که زیر چکمه‌های دشمن له شد؟

وطنی که خائنان حراجش کردند؟

وطنی دزدیده شد؟

کدام است وطن؟

آن غریبِ نزدیکی که زیرِ سیلِ آتشِ دیگر نمی‌شناسمش؟

آن سوخته‌ای که زیر نور و آتشِ بمب،

طعمِ زیتون‌های سبزش از یادم رفته است؟

آن ساحلِ زیبایی که از نوازش موج‌ها

بر تنِ شن‌هایش، بوی خون استشمام می‌کنم؟

آن ناشناخته‌ترین آشنای تاریخِ من

که دیگر از زیستن تهی شده؟

کدام است وطن؟

وطن!

چه زخمِ زیبایی...

چه رویای برفیِ شیرینی...

وطن!

چه غریبِ رنگینی،

دورِ نزدیکی،

چه بی‌نهایتی...

باز هم وطن!

وطنی که کوچه‌هایش، خیابان‌هایش، هوایش،

درخت‌هایش و کودکانش،

حتی در کفن هم آزادی را فریاد می‌زنند!

وطنی که بوی باروت و صدای بمبش از نامش آشناتر است.

وطنی که جنگ، هویتش را نشانه گرفته؛

جنگی که هم‌بسترِ شب‌های سیاه ماست،

و بی‌نهایتِ زندگی‌ما...

اما،

وطن باز هم وطن است؛

چه در خیابان،

چه در کوهستان،

چه در دریا و زندان،

چه در کفن...

فریادِ ما برای وطن، آزادی است؛

وطنی که تاوان دادن برایش هم زیباست،

وطنی که آرمیدن در آغوشِ سرد و سفیدِ کفن نیز برای او زیباست...

وطن، چه واژه‌ی غریبی!

وطن زیباست،

حتی در کفن.

#وطن



شهرای لقتند



کانال تلگرامی منهج



کانال تلگرامی نشریه



جهت عضویت در کانون